



۷ و ۸ آبان ماه ۱۳۹۹، دانشگاه فردوسی

بارویکرد آمایشی
در مناطق مرز
امنیت و توسعه
پیش‌نی
ابعاد نظری و کاربرد



مجموعه سخنرانی افتتاحیه و اختتامیه ی

همایش "ابعاد نظری و کاربردی توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی

بارویکرد آمایشی"

(جلد اول)

۷ و ۸ آبان ماه ۱۳۹۹

برگزارکنندگان:

انجمن ژئوپلیتیک ایران

دانشگاه فردوسی مشهد

انجمن ژئوپلیتیک ایران شعبه خراسان رضوی



۷ و ۸ آبان ماه ۱۳۹۹، دانشگاه فردوسی مشهد

باریکرد آگاهی
در مناطق مرز
امنیت و توسعه
پیش می
ابعاد نظرسر و کاربرد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



۷ و ۸ آبان ماه ۱۳۹۹، دانشگاه فردوسی مشهد



مجموعه سخنرانی افتتاحیه و اختتامیه ی

همایش "ابعاد نظری و کاربردی توسعه و امنیت پایدار

مناطق مرزی بارویکرد آمایشی"

(جلد اول)

برگزار کنندگان:

انجمن ژئوپلیتیک ایران

دانشگاه فردوسی مشهد

انجمن ژئوپلیتیک ایران شعبه خراسان رضوی

۷ و ۸ آبان ماه ۱۳۹۹-دانشگاه فردوسی مشهد

سخن دکتر محمد کافی رئیس دانشگاه فردوسی مشهد

عرض سلام خدمت تمامی عزیزان و عرض سلام به تمامی کسانی که در این همایش مهم و استراتژیک بصورت حضوری شرکت کردند. و همچنین عرض سلام و ادب خدمت تمام عزیزان و شیفتگان امنیت و توسعه مرزهای کشور که بصورت الکترونیک و مجازی در این همایش شرکت کردند. من به رسم میزبانی آمدم تا خوش آمد بگویم و سپاسگزاری کنم از تمام عزیزان و تشکرهایی که زحمت کشیدند و در برگزاری این همایش، دست اندرکاران و مسئولان برگزاری را در دانشگاه فردوسی مشهد همراهی کردند. این گونه همایش ها که واقعا هم حساسیت دارد و هم ضرورت و هم از ابعاد مختلف مهم است؛ نیاز هست که دسته جمعی تشکیل شود. جا دارد که سپاسگزاری کنم از فرماندهی محترم مرزبانی همچنین از پالایشگاه گاز خانگیان و مدیران محترم و بویژه از انجمن ژئوپلیتیک ایران سپاسگزاری کنم. که البته بعد دیدم نام انجمن علمی دانشگاه هم به برگزیدگان همایش اضافه شد جا دارد از آنها نیز تشکر کنم.

واقعا اگر انسان بخواهد آرمان گرا نگاه کند در انتظار روزی باشد که هیچ مرزی وجود نداشته باشد. خداوند متعال دنیا را و زمین و کائنات را یکجا آفریده و این مرزها تمامش در کل دنیا ساخته‌ی دست انسان هست و در طول تاریخ که همه خواندیم و چه بسا در مواردی دیدیم که مرزها چقدر تغییر می کنند و تا چه اندازه قراردادی هستند ولی آنچه که هست همین واقعی است که با آن روبه رو هستیم، همین شرایطی هستیم که با آن دسته پنجه نرم می کنیم. این شرایط و حوزه ی مرزبانی و مرزها در کشورهای مختلف اهمیت خاص خودش را دارد. شما به اروپا می روید، به امریکای شمالی می روید، به افریقا می روید و در آسیا، هر جای اهمیت مرزبانی و اهمیت امنیت و توسعه ی مرزها تعریف متفاوتی دارد. در اروپا ممکن است که هیچ مرزی، نگیهان و دوربینی وجود نداشته باشد و فقط با یک خط فرضی و یا با یک خط نازک یا غیرملموسی مرزها از هم جدا شوند. در نقاطی از دنیا و در شرایطی هم با تمام ابزار موجود و ممکن، تلاش می کنند تا مرزها را حفظ کنند. کشور ما از آن دسته کشورهایی است که بحث مرز و مرزبانی بسیار مهم است و دلیلش هم کاملا روشن هست. کشور ما از نظر ژئوپلیتیکی در مکان و نقطه ای از دنیا واقع شده است که در طول تاریخ واقعا محل برخورد های اقوام مختلف دین و مذاهب مختلف بوده و اما این که ایران سرفرازانه در طول تاریخ توانسته خودش را حفظ کند نشانگر این هست که واقعا به این مقوله چقدر توجه داشت و چقدر مهم بود. کشوری که با پانزده کشور دنیا هم مرز هست با هفت کشور مرز مشترک خاکی دارد و هشت کشور مرز مشترک آبی دارد. کشوری که در مرزهای خود در طول تاریخ اگر خودش بصورت مستقیم درگیر نشده است اما متأثر از جنگ ها و از چالش هایی بوده که در اطراف مرزهایش رقم می خورده است. هم اکنون نیز کشور ما یکی از مهم ترین و شاید تنها کشوری باشد که این قدر مجبور می باشد به خاطر شرایط خاصی که در اطرافش هست، مسائلی که برای همسایگانش وجود دارد درگیر این مسائل و درگیر جنگ شود؛ و عرض کردم که هر روز شاهدش هستیم حتی همین امروز تا شب معلوم نیست با توجه به اینکه ما درگیر هیچ جنگی نیستیم و بی طرف هستیم در خدآفرین و هر نقطه ی دیگر کشور ما آسیبی از مسئله ی مرز نبینیم.

خب این همایش ملی مرز و باز روزی که من پوستر همایش را دیدم و دیدم که آقای دکتر اعظمی و تیمشان فهرست بلندبالایی از مسائل مختلف مرزی به ویژه در حوزه ی امنیت و توسعه ردیف کردند با خودم فکر کردم که اگر ما بتوانیم این چالش ها و مسائلی که در این پوستر ردیف شده است را حل کنیم واقعا انگار مشکلات کشورمان را حل کرده ایم. بسیار خوشحالم که به هر حال این موضوعات مورد توجه حتی مراکز آکادمیک هست و این توجه را توانسته اند به اشتراک بگذارند با انجمن های علمی و دست اندرکاران مستقیم حوزه ی مرزبانی. امیدوارم ان شاء الله ما به عنوان آکادمیسین هایی که باید همانطوری که اشاره فرمودند پایداری را رقم بزنیم. مرزها را می شود با سرکوب هم کنترل کرد؛ مرزها را می شود با زورگویی

قدرت هم کنترل کرد ولی آنچیزی که تاریخ نشان داد این است که در رضایت و شادمانی مرزنشینان توسعه و برخورداری مرزنشینان وجود دارد.

امیدوارم که ان شالله بتوانیم در دست هم تلاش کنیم که از ظرفیت های موجود مرزها برای توسعه ی کشور استفاده نماییم. من متخصص این رشته نیستم ولی می بینم هرچه داریم در مرزها متمرکز هست و در حواشی ایران هست؛ در غرب ایران یک کویرهای بزرگ هست که هیچ آبادانی ندارد و اگر نمی بود چه بسا توسعه برا ما هم راحت تر رقم می خورد. ثروت و آبادانی و ظرفیت عمدتا در مناطق مرزی هست؛ شما استان خراسان را نگاه کنید این قدر ما از کمبود آب رنج می بریم ولی وقتی به درگز نگاه می کنیم به سرخس نگاه می کنیم وقتی به مناطق مرزی نگاه می کنیم می بینیم ما در آن چیزی که در مزیقه و رنج هستیم در مرزها ممکن است آن را هدر دهیم. اینها نکاتی هست که حتما در این همایش مورد توجه قرار خواهند گرفت. من به عنوان یکی از کسانی که همانطور که اشاره فرمودند به این حوزه توجه خاصی دارم و گروه آموزشی و پژوهشی جغرافیا و شخص آقای دکتر اعظمی از روزی که به چنین مقوله ای پرداختند و از گذشته هم توجه داشتند یا حوزه هایی نظیر این حوزه های برنامه ریزی، حوزه ی توسعه پایدار، دانشگاه با تمام ظرفیت هایش در خدمت چنین محورها و چنین فعالیت هایی است. امیدوارم که در دست هم بتوانیم حداقل در محوره های مشخص شده ی همایش و مرزهایی که در خراسان واقع شده است و ما با آن سروکار داریم آنها را به عنوان الگو در نظر بگیریم. در مناطقی که ما هستیم بیشتر مسئولیت داریم و همکاری مثل مدیرعامل محترم گاز خانگیران که تمام ظرفیت ها را نه تنها در اختیار این کنفرانس بلکه در اختیار مراکز علمی گذاشتند یا فرماندهی محترم یا استانداری و یا بقیه ی عزیزانی که من می شناسم بتوانیم به عنوان الگو، یک پروژه ای اجرا کنیم که در این پروژه تمام دست اندرکاران و ذینفعان در آن مشارکت کنند و به عنوان یک الگو بتوانیم به در حوزه ی مرزبانی معرفی کنیم. من مجددا خوش آمد می گویم به تک تک مهمانان و سپاسگزاری می کنم از عزیزانی که در تدارکات نقش داشتند و بصورت ویژه از دانشکده ادبیات و علوم جغرافیا و جناب آقای دکتر اعظمی و تیم همراهشان؛ هم دانشجو هم استاد. سپاسگزاری می کنم از چهره های بسیار شاخصی و پیشکسوتی در بین ما هستند عرض ادب دارم خدمت تک تک آنها.

دکتر محمد کافی

رئیس دانشگاه فردوسی مشهد

۹۹/۸/۷

سخن دبیر کمیته علمی همایش

مرز در ادبیات جغرافیای سیاسی و در بیانی کلی به خطوطی اطلاق می‌شود که قلمرو یک کشور را مشخص می‌کند. کشور ایران با داشتن ۱۵ همسایه و ۱۶ استان مرزی، یکی از کشورهای خاص در این زمینه در جهان است. هنگامی که سخن از مرز و مناطق مرزی کشورمان به میان می‌آید، شاید یکی از نخستین مطالبی که به ذهن اغلب ما خطور می‌کند، سطح امنیت و میزان توسعه یافتگی این مناطق است. اغلب شهرهای مرزی ایران، از لحاظ سطح توسعه یافتگی، فاصله و تفاوتی معنادار با شهرهای مرکزی دارند. مهاجرت، فقر، بیکاری، کولبری، مشاغل غیررسمی، کم آبی و . . . عمده‌ترین مشکلاتی هستند که مردمان همه‌ی شهرها و نواحی مرزی با آنها دست و پنجه نرم می‌کنند، تجمیع این مشکلات در موارد زیادی حتی منجر به تخلیه‌ی روستاهای مرزی شده است.

وجود نگرش مرکز-پیرامونی در رویکردهای برنامه‌ریزی منطقه‌ای و توسعه‌ای در ایران که ناشی از ساختار تمرکزگرای نظام سیاسی کشور است، به این مشکلات دامن زده است. در واقع این مناطق اغلب به دلیل دوری از مرکز در اولویت طرح‌های توسعه‌ای قرار نگرفته‌اند. توسعه به عنوان اصلی‌ترین عامل افزایش رضایت مندی مردم و ارتقای سرمایه‌ی اجتماعی، یک پدیده‌ی تک بعدی مبتنی بر اقتصاد نیست، بلکه در نگرش نوین جهانی به توسعه، بر مسائلی نظیر عدالت اجتماعی-فضایی، فقر زدایی، پایداری محیطی و توسعه‌ی فرهنگی-اجتماعی نیز تاکید می‌گردد. علاوه بر این، **پیوند دیالکتیکی توسعه و امنیت**، یکی از مهمترین نکاتی است که علی‌رغم پیشینه‌ی شصت ساله‌ی برنامه‌ریزی توسعه‌محور و آمایش سرزمین در ایران، تا اندازه‌ی زیادی مغفول مانده و امروز در سطح جهانی مطرح است. در پژوهش‌ها و مطالعات گوناگونی این پیوند مورد بررسی قرار گرفته و نه تنها امروزه تقریباً به یک باور عمومی تبدیل شده، بلکه راهبردهای مبتنی بر توسعه، استانداردترین راهبردهای امنیتی محسوب می‌گردند. در واقع امنیت، بستر توسعه را فراهم کرده، توسعه منجر به گسترش امنیت شده و بالعکس توسعه نیافتگی بستری برای بروز ناامنی می‌شود. این پیوند در مناطق مرزی اهمیت و آثاری دو چندان دارد، بدین صورت که، عدم توسعه‌ی مناطق مرزی و حاشیه‌ای، جریان مهاجرت را از مناطق مرزی به سوی مناطق مرکزی تسریع نموده و این خالی شدن سکونتگاه‌های مرزی از جمعیت و سرازیر شدن جمعیت به مناطق مرکزی و شهری، عدم امنیت را در هر دو بخش به همراه دارد. در واقع تأثیرات امنیتی توسعه نیافتگی مناطق مرزی به همان مناطق ختم نشده و مانند یک اپیدمی به همه‌ی کشور سرایت می‌کند. از طرفی همسایگی بیش از نیمی از مناطق مرزی ایران با کشورهای نظیر افغانستان، پاکستان و عراق که به لحاظ امنیتی شرایط خاصی را تجربه می‌کنند؛ مرزهای ایران را در وضعیتی نسبتاً ناپایدار قرار داده و همین امر منجر به ریسک بالای انواع سرمایه‌گذاری‌های انسانی در مناطق مرزی شده و در نتیجه روند توسعه را کند و متوقف نموده است.

توسعه‌ی مناطق مرزی، درحالی که اغلب به ایجاد یک یا چند بازارچه‌ی مرزی تقلیل داده شده یا به استفاده‌ی حداکثری از منابع و ظرفیت‌های مناطق مرزی تعبیر شده است، با وجود همه جانبه بودن، پایایی و پایداری است که معنایی نوین و کارآمد می‌یابد. در واقع این توسعه، اولاً باید علاوه بر اقتصاد، ابعاد اجتماعی- فرهنگی را در نظر بگیرد، ثانیاً مقاطعه‌کارانه، فرصت طلبانه و موقتی نباشد و در نهایت حیات آیندگان را نیز در نظر داشته و به تعبیر دقیق‌تر **«توسعه‌ی پایدار»** باشد. توسعه‌ی پایدار علاوه بر اینکه مستلزم امنیت پایدار و فراگیر است، خود نیز همانگونه که اشاره شد، در تثبیت **امنیت پایدار**، نقش دارد.

برنامه‌ریزی منطقه‌ای و آمایش سرزمین در ایران، در **بعد نظری** دو ضعف کلان داشته، اول اینکه بومی نبوده و اقتباسی صرفاً نظری، از رویکردهای غربی مانند نظریه مکان مرکزی و قطب رشد بوده‌اند که چنین نگرشهایی برای کشورهای کوچکتر و فشرده‌تر، مناسب‌ترند تا کشوری نسبتاً پهناور مانند ایران و دوم، علی‌رغم اینکه، برنامه‌ریزان و نظریه‌پردازان مبدع این رویکردها، ظاهراً و روی کاغذ دیدگاه جغرافیایی داشته‌اند، اما به واقعیات جغرافیایی روی زمین کمتر آشنا و نسبت به آنها بی

توجه بوده‌اند و در عمل پیش‌بینی و انتظارات نظری آنها محقق نشده است، برای مثال در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، نظریه قطب‌رشد، به جای اینکه پیش‌بین توسعه‌ی همه‌جانبه شود؛ منجر به تشدید رابطه‌ی مرکز-پیرامونی و شکاف جغرافیایی شد. علاوه بر این دو ضعف بزرگ که در توسعه نیافتگی و نا امنی مناطق مرزی نقشی انکارناپذیر داشته‌اند؛ در **سطح کاربردی-عملی** نیز مهمترین دلایلی که باعث عدم تحقق توسعه و امنیت پایدار در مناطق مرزی ایران شده را می‌توان در موقتی، تک بُعدی و دستوری بودن برنامه‌های توسعه، نگرش «خاکریزی» به مرز، عدم توجه جدی به کارشناسان و نظرات کارشناسان‌های دانشگاهیان و متخصصان (بالاخص جغرافیدانان)، توجه صرف به امنیت فیزیکی-نظامی مرزها و ضعف ساختاری-کارکردی در کاهش خلاء امنیتی نواحی مرزی، خلاصه کرد.

نظر به اینکه نظام برنامه‌ریزی کشور، نظامی است چند سطحی، که یکی از مهمترین شروط اجرای کم‌نقص آن، ارتباط این سطوح با یکدیگر است و این ارتباط، تعامل میان مسئولین و مجریان با کارشناسان و برنامه‌ریزان را که در سطوح مختلف کار می‌کنند را شامل می‌شود؛ و با توجه به این مهم که هرچه یک نظام برنامه‌ریزی منظم‌تر و کارشناسانه‌تر بوده و از یکپارچگی بیشتری برخوردار باشد، کارایی آن افزایش می‌یابد. همچنین جایگاه ویژه و اهمیتی که **آمایش مناطق مرزی** در ایران، به دلیل وجود مرزهای طولانی و قرارگیری بیش از نیمی از استان‌های کشور در مرزهای بین‌المللی، در نظام برنامه‌ریزی کشور دارد و نظر به اینکه آمایش مناطق مرزی توسعه را به امنیت و دفاع پیوند داده و راهکارهایی برای توسعه مناطق مرزی معرفی می‌کند و توجه به این مسئله که علی‌رغم متکی بودن آمایش مناطق مرزی به پایه‌های نظری خاص و اینکه آمایش یک نوع فن اجرایی است و ضمن تحلیل و تفسیر شرایط و ویژگی‌های مناطق مرزی، موانع توسعه و امنیت را توأمان در نظر گرفته و برای آنها راه حل‌های یکپارچه ارائه می‌دهد تا توسعه و امنیت در مناطق مرزی را بر یکدیگر منطبق سازد، اما مطالعات جامعی در این باره صورت نگرفته است.

نظر به ارتباط نزدیک آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی منطقه‌ای-توسعه‌ای با سازماندهی سیاسی فضا (خصوصاً در مناطق مرزی) که در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، موضوعی مهم و کاربردی محسوب می‌گردد و با توجه به اینکه گردهمایی‌ها و همایش‌های علمی، بستری مناسب برای نیل به مقاصد ویژه‌ی علمی نظری و کاربردی و مطالعات نسبتاً جامع و یکپارچه حول یک موضوع واحد و خاص هستند؛ برآن شدیم تا با نظر داشت جمیع این نکات و در یک کلام به دلیل اهمیت روزافزون توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی، علی‌رغم شرایط بحرانی ناشی از پاندمی کوید ۱۹، **همایشی** را در سطح ملی با عنوان «ابعاد نظری و کاربردی توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی با رویکرد آمایشی» و با محوریت انجمن ژئوپلیتیک ایران، دانشگاه فردوسی مشهد و شعبه خراسان رضوی انجمن ژئوپلیتیک و با مشارکت سازمان‌ها و مراکز حامی برگزار کنیم.

ضمن تشکر از همکاران عزیزم در گروه جغرافیای دانشگاه فردوسی مشهد و سایر دانشگاه‌های کشور که در قالب کمیته علمی در تدوین محورهای همایش، دآوری مقالات و ارسال مقاله همکاری موثری داشتند، دانشجویان گرامی گروه جغرافیای دانشگاه فردوسی مشهد که با همت والایشان، تمامی حوزه‌های علمی و اجرایی همایش را به خوبی پوشش دادند، سخنرانان کلیدی در افتتاحیه و اختتامیه که از بیاناتشان بهره خواهیم برد، مدیران دانشگاه فردوسی مشهد به ویژه رئیس محترم دانشگاه و رئیس محترم دانشکده ادبیات و علوم انسانی و نیز کارکنان خدوم دانشکده، تمامی پژوهشگران و سخنرانان که با ارسال مقاله بر رونق و غنای همایش افزودند، از درگاه ایزد متعال سلامتی و توفیقات بیش از پیش را برایشان مسئلت می‌نمایم.

امید است برگزاری چنین همایشی، تحقق پایداری در توسعه و امنیت مناطق مرزی را سبب گردیده و برکات و ثمرات آن شامل مرزنشینان غیور کشور عزیزمان ایران گردد.

دکتر هادی اعظمی

دبیر علمی همایش

۹۹/۸/۷

لیست حامیان همایش

«ابعاد نظری و کاربردی توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی با رویکرد آمایشی»



فرماندهی مرزبانی جمهوری اسلامی ایران



انجمن جغرافیا و برنامه ریزی مناطق مرزی ایران



سازمان جغرافیایی
نیروهای مسلح

سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح



شرکت پالایش گاز هاشمی نژاد سرخس



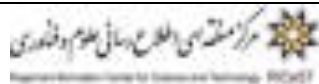
منطقه ویژه اقتصادی سرخس
Sarakh Special Economic Zone

منطقه ویژه اقتصادی سرخس



کد اختصاصی: ۲۰۰۲۴-۹۹۲۰۰

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)



مرکز منطقه ای اطلاع رسانی جهان اسلام



انجمن سنجش از دور و GIS ایران



۷ و ۸ آبان ماه ۱۳۹۹، دانشگاه فردوسی مشهد

باریکرد آرایشی
در مناطق مرز
امنیت و توسعه
بدش علی
البعاد نظرسر و کار بر در



مرجع دانش ناشر تخصصی کنفرانس‌های ایران (CIVILICA)



اندیشکده ژئوپلیتیک فارابی (کانون بسیج اساتید دانشگاه فردوسی مشهد)



شرکت گردشگری آوین



اتحادیه انجمن های
علوم جغرافیایی ایران

اتحادیه انجمن های علوم جغرافیایی ایران



شورای اسلامی شهر مشهد مقدس



مرکز پژوهش های شورای اسلامی شهر مشهد



صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور



۷ و ۸ آبان ماه ۱۳۹۹، دانشگاه فردوسی مشهد



کمیته راهبردی همایش

«ابعاد نظری و کاربردی توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی با رویکرد آمایشی»

رئیس همایش و رئیس انجمن ژئوپلیتیک ایران	دکتر سید یحیی (رحیم) صفوی
رئیس دانشگاه فردوسی مشهد	دکتر محمد کافی
دبیر علمی همایش	دکتر هادی اعظمی
دبیر اجرایی همایش	دکتر حمدالله سجاسی قیداری
رئیس انجمن ژئوپلیتیک ایران شعبه خراسان رضوی	دکتر سیدهادی زرقانی
فرمانده مرزبانی خراسان رضوی	سردار ماشاءالله جان نثار
مدیر عامل پالایشگاه شهیدهاشمی نژاد سرخس	مهندس سیدمجید منبئی
مشاور دبیر علمی همایش	دکتر مسعود مینایی
مدیر اجرایی همایش	خانم فاطمه بخشی
دستیار دبیر علمی همایش	خانم سمیرا چناری

لیست اعضای کمیته ی علمی همایش

«ابعاد نظری و کاربردی توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی با رویکرد آمایشی»

ردیف	نام و نام خانوادگی	نام دانشگاه
۱	ابراهیم زاده عیسی	دانشگاه سیستان و بلوچستان
۲	احمدی عباس	دانشگاه تهران
۳	احمدی پور زهرا	دانشگاه تربیت مدرس
۴	اخباری محمد	دانشگاه امام حسین(ع)
۵	اسدی روح الله	دانشگاه فردوسی مشهد
۶	اطاعت جواد	دانشگاه شهید بهشتی
۷	اعظمی هادی	دانشگاه فردوسی مشهد
۸	امیر فخریان مصطفی	دانشگاه فردوسی مشهد
۹	بخشی احمد	دانشگاه بیرجند
۱۰	بوزرجمهری خدیجه	دانشگاه فردوسی مشهد
۱۱	پاپلی یزدی محمد حسین	دانشگاه تربیت مدرس
۱۲	مهدی پورطاهری	دانشگاه تربیت مدرس
۱۳	جانپور محسن	دانشگاه فردوسی مشهد
۱۴	جوان جعفر	دانشگاه فردوسی مشهد
۱۵	حافظ نیا محمد رضا	دانشگاه تربیت مدرس
۱۶	حسین زاده رضا	دانشگاه فردوسی مشهد
۱۷	حیدری اکبر	دانشگاه فردوسی مشهد
۱۸	خاکپور براتعلی	دانشگاه فردوسی مشهد
۱۹	خوارزمی امید علی	دانشگاه فردوسی مشهد
۲۰	دوستان رضا	دانشگاه فردوسی مشهد
۲۱	ربیعی حسین	دانشگاه خوارزمی
۲۲	رحیم صفوی سیدیچی	دانشگاه امام حسین(ع)
۲۳	رومینا ابراهیم	دانشگاه تربیت مدرس
۲۴	رهنما محمد رحیم	دانشگاه فردوسی مشهد
۲۵	زرقانی هادی	دانشگاه فردوسی مشهد
۲۶	زرین آذر	دانشگاه فردوسی مشهد
۲۷	زکی یاشار	دانشگاه تهران
۲۸	سجاسی حمدالله	دانشگاه فردوسی مشهد
۲۹	شایان حمید	دانشگاه فردوسی مشهد
۳۰	شکوهی محمد اجزاء	دانشگاه فردوسی مشهد

استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی	دانشگاه فردوسی مشهد	صادقو طاهره	۳۱
استاد شهرسازی - برنامه ریزی شهری و منطقه ای	دانشگاه شهید بهشتی	صرافی مظفر	۳۲
استادیار جغرافیای سیاسی	دانشگاه خوارزمی	عبدی عطاالله	۳۳
استادیار جغرافیای سیاسی	دانشگاه آزاد رشت	علیزاده عمران	۳۴
استاد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی	دانشگاه فردوسی مشهد	عنابستانی علی اکبر	۳۵
استادیار جغرافیای سیاسی	دانشگاه تربیت مدرس	قادری حاجت حجت	۳۶
استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی	دانشگاه فردوسی مشهد	قاسمی مریم	۳۷
استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری	دانشگاه فردوسی مشهد	قاسمی خوزانی محمد	۳۸
دانشیار جغرافیای سیاسی	دانشگاه تهران	قالیباف محمد باقر	۳۹
استادیار جغرافیای سیاسی	دانشگاه شهید بهشتی	قورچی مرتضی	۴۰
دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری	دانشگاه علامه طباطبایی	کازمیان غلامرضا	۴۱
دانشیار جغرافیای سیاسی	دانشگاه خوارزمی	کاوپانی راد مراد	۴۲
استادیار جغرافیای سیاسی	دانشگاه بیرجند	وحید کیانی	۴۳
استادیار جغرافیای سیاسی	دانشگاه یزد	احسان لشگری	۴۴
دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری	دانشگاه فردوسی مشهد	مافی عزت الله	۴۵
استادیار ژئومورفولوژی	دانشگاه فردوسی مشهد	محسنی رودپشتی ندا	۴۶
استادیار جغرافیای سیاسی	دانشگاه اصفهان	مختاری هشی حسین	۴۷
استادیار اقلیم	دانشگاه فردوسی مشهد	مفیدی عباس	۴۸
استاد جغرافیای سیاسی	دانشگاه تهران	میرحیدر دره	۴۹
استادیار GIS و سنجش از دور	دانشگاه فردوسی مشهد	مینایی مسعود	۵۰
استادیار جغرافیای سیاسی	دانشگاه تهران	یزدان پناه کیومرث	۵۱
دانشیار جغرافیای سیاسی	دانشگاه پیام نور	ویسی هادی	۵۲

لیست اعضای کمیته ی اجرایی همایش

«ابعاد نظری و کاربردی توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی با رویکرد آمایشی»

دکتر حمدالله سجاسی قیداری	دبیر اجرایی
خانم فاطمه بخشی	مدیر اجرایی
خانم نجمه غلامی – آقای نعمت اعظمی خانم مریم ساجدی – آقای مجید رمضان پور آقای مصطفی صابری	کمیته رسانه
آقای ابراهیم آراسته – آقای ولی اله غریب	کمیته روابط عمومی
آقای محمد حسین مدنی	کمیته فناوری
آقای علیرضا علیزاده، آقای حسین خلیق	کمیته پذیرایی
خانم ملیحه اخباری – خانم عاطفه امیری خانم عالیه محمدی – خانم هدیه حسن نیا	کمیته تشریفات

فهرست مجموعه سخنرانی افتتاحیه و اختتامیه ی

همایش "ابعاد نظری و کاربردی توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی بارویکرد آمایشی"

سخنرانان افتتاحیه

شماره صفحه	موضوع	سخنرانان
۱۵	مدیریت جامع مرزی، بایسته‌های امنیتی و توسعه پایدار مبتنی بر آمایش	آقای دکتر سیدیحیی (رحیم) صفوی رئیس انجمن ژئوپلیتیک ایران
۱۹	نکاتی چند درباره وضعیت حقوقی ایران در دریای خزر	خانم دکتر دره میرحیدر استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران
۲۵	اثر بخشی فعالیت های شرکت پالایش گاز شهید هاشمی نژاد بر ثبات امنیتی و اجتماعی منطقه مرزی سرخس	آقای مهندس سلیمانی مهر مشاور مهندس سید مجید منبئی؛ مدیرعامل پالایشگاه شهید هاشمی نژاد سرخس
۳۳	فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو در مناطق مرزی	آقای دکتر محمدحسین پاپلی یزدی استاد دانشگاه تربیت مدرس
۳۶	مرز، مرزبانان و مرزنشینان	آقای دکتر احمدعلی گودرزی فرماندهی مرزبانی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا)
۳۸	پایداری ابدی بنیان فلسفی مرزها	آقای دکتر محمدرضا حافظ نیا استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس
۴۱	کاربردهای فناوری ژئوماتیک در توسعه و امنیت مناطق مرزی	آقای دکتر مجید فخری رئیس سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح

سخنرانان اختتامیه

شماره صفحه	موضوع	سخنرانان
۴۴	الزامات عملیاتی در کاربست سیاست همسایگی (با تاکید و تمرکز بر تغییر مفهومی کارکرد مرزها)	آقای محمد صدیقی فر سرکنسول جمهوری اسلامی ایران در هرات



۷ و ۸ آبان ماه ۱۳۹۹، دانشگاه فردوسی مشهد



۴۷ تحلیلی بر متغیرهای تاثیر گذار و راهبردهای پایداری امنیت و توسعه در منطقه ی قومی- مذهبی جنوب خاوری ایران

دکتر عیسی ابراهیم زاده
رئیس انجمن جغرافیا و مطالعات مرز

۵۵ آینده نگری به توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی بر پایه ی الگوی رئیس پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات بیانیه ی گام دوم انقلاب

آقای دکتر محمد قصری
رئیس پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا

۶۰

بیانیه ی همایش ملی "ابعاد نظری و کاربردی توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی با رویکرد آمایشی"

دکتر سیدیحیی (رحیم) صفوی
رئیس انجمن ژئوپلیتیک ایران

تحت عنوان:

مدیریت جامع مرزی، بایسته‌های امنیتی و توسعه پایدار مبتنی بر آمایش

بسم‌الله الرحمن الرحیم

سلام عرض می‌کنم خدمت همه اساتید عالی‌قدر و دانشجویان عزیز و کسانی که صدای این حقیر را می‌شنوند یا تصویر بنده را می‌بینند.

صمیمانه تشکر می‌کنم از دست اندرکاران و از برگزارکنندگان این همایش ارزشمند مرزی که به صورت ویدئو کنفرانس برگزار می‌شود.

خصوصاً از ریاست محترم دانشگاه فردوسی مشهد جناب آقای دکتر محمد کافی، و آقای دکتر اعظمی دبیر علمی همایش و از اساتید بزرگوار سرکار خانم دکتر میرحیدر و آقای دکتر حافظ نیا و آقای دکتر پاپلی یزدی که دیگر اساتیدی هستند که در این کنفرانس ویدئویی شرکت کرده اند.

از سردار دکتر گودرزی فرمانده مؤمن خردمند و شجاع مرزبانی کل کشور و فرمانده مرزبانی استان خراسان رضوی و سیستان بلوچستان تشکر ویژه دارم.

از جناب دکتر گلمکانی رییس منطقه ویژه اقتصادی سرخس تشکر و تقدیر می‌کنم صحبت‌م را با دو سوال شروع می‌کنم.

(۱) آیا در قرن حاضر که بعضاً گفته می‌شود دنیای بدون مرز، آیا مرزها هنوز هم هستند برای حکومت‌ها و ملت‌ها؟

(۲) هم اکنون در اوضاع کرونای شورمان چه ضرورتی دارد برگزاری این همایش؟

در باب ضرورت این موضوع همین قدر کافی است که در طول تاریخ نشان می‌دهد که طی هفتاد و پنج سال گذشته بیشترین جنگ‌ها و ناامنی‌ها و تنش‌های مرزی در کشورهایی صورت گرفته است که بیش از چهار همسایه داشته‌اند و کشور عزیزمان ایران، دارای پانزده همسایه است.

و کشورهای منطقه غرب آسیا از جنگ جهانی دوم تاکنون که هفتاد و هفت سال می‌گذرد بیش از دوازده جنگ را پشت سر گذاشته‌اند، و طی چهل سال گذشته، در اطراف مرزهای ایران غیر از هشت سال جنگ تحمیلی، مرزهای پنج کشور مورد تعرض و ناامنی قرار گرفته است.

هم‌اکنون جنگی که میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان در جریان است و هنوز متوقف نشده است و به مرزهای ما هم تعدی شده است.

و یا از جنگ ظالمانه عربستان و امارات علیه مردم یمن بیش از ۵ سال می گذرد. پس اهمیت مرزها چه در ابعاد برون مرزی و چه درون آن یکی از اساسی ترین اهداف هر حکومت است و شاید بالاترین توجه و مأموریتی را که دولت ها و حکومت ها باید داشته باشند بحث امنیت مرزهاست و امنیت و توسعه با یکدیگر یک ارتباط کاملاً یه هم پیوسته دارند و دولت ها و حکومت ها برای امنیت مرزهای خود باید سرمایه گذاری لازم را داشته باشند و به آن اهمیت بدهند.

در ابتدای بحث قسمت کوتاهی از دعای ۲۷ امام سجاد (ع) را عرض می کنم که در اهمیت مرزها می فرمایند:

اللهم صل علی محمد و آل و حصل

خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست و حفظ فرما مرزهای مسلمانان را به عزت خودت، و یاری فرما مرزبانان را به نیروی خودت " امام العارفین در این دعا حفاظت مرزها را با دو کلیدواژه اساسی عزت و قدرت که یادآور شکست ناپذیری و قدرت مادی و معنوی می باشد تعریف کرده اند.

این موضوع را یک امام معصوم و عارف بیان کرده اند که ما به این بزرگواران معتقد هستیم.

چون فرصت کوتاه است سخنان خود را حول دو محور " عوامل و شاخص های اساسی در چگونگی شکل گیری و مدیریت جامع مرزها " و " امنیت مرزها در محیط ملی، منطقه ای و بین المللی " پیش می برم.

در مورد محور اول یعنی شاخصه های اساسی در چگونگی شکل گیری و مدیریت مرزها به ۵ مورد اساسی اشاره می کنم:

اولین مسئله سابقه تاریخی قدرت سیاسی-نظامی و اقتصادی حکومت ها در گذشته یعنی یکی از مواردی که هم در شکل گیری و هم در امنیت و توسعه مرزها موثر بوده است سابقه تاریخی و چگونگی شکل گیری مرزها و حتی استان های مرزی و ساختار سیاسی آن کشور است.

دومین مسئله تاثیر گذار، روابط نظام سیاسی قدرت ملی یک دولت نسبت به کشور های همسایه است که در امنیت و یا ناامنی مرزها و یا حتی در توسعه و عدم توسعه مرزها تاثیر گذار بوده است.

باید بدانیم روابط سیاسی دولت ها با کشور های همسایه چگونه است؟ آیا همگرا هستند یا واگرا؟ آیا در حال تخصم به سر می برند یا در حال جنگ هستند؟ اینها بسیار تاثیر گذار است.

سومین شاخصه تعداد همسایگان است. هرچه قدر تعداد همسایگان بیشتر باشد طول مرزهای زمینی، هوایی و تنوع آنها بیشتر باشد، خطرات احتمالی و ناامنی ها نیز بیشتر است و دولت ها و حکومت ها برای مرزهای طولانی، طبیعتاً سرمایه گذاری بیشتری باید بکنند. همچنین برای توسعه استان های مرزی خود با توجه به کشور های همسایه، چون مرز یک موجود زنده، سیال و سیار هستند، یک موجود فیزیکی صرف و ثابت نیست. تعامل بین رفت و آمد های مردم، کالا، اقتصاد و امنیت.

چهارم موقعیت جغرافیای طبیعی، انسانی، ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی کشورها است که بر امنیت مرزها بسیار تاثیر گذار است.

و پنجم علائق ژئوپلیتیکی حکومت ملی و راهبرد قدرت های بزرگ نسبت به آن کشور و آن منطقه است. هر کشوری یک سری علائق ژئوپلیتیکی و سیاست های برون مرزی یا درون مرزی دارد یا راهبرد نظامی متفاوتی دارند. اینها هم در امنیت و هم در توسعه و آبادانی مرزها تاثیر گذار است.

در رابطه با محور دوم یعنی امنیت مرزها در محیط ملی، منطقه ای و بین المللی به طور خلاصه با توجه به تجربه ۴۰ ساله، امنیت مرزی در کشورها، تابع محیط ملی، منطقه ای و محیط بین المللی است.

در رابطه با محیط ملی کشورها مهمترین عامل در امنیت و توسعه مرزها، راهبرد امنیت ملی قدرت ها و حکومتهاست. و راهبرد حکومتها نسبت به مسائل مختلف مرزهای ملی شان است. این مسائل مختلف عبارت از مسائل توسعه رسیدگی به وضعیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی تا بخش نیروهای مصلح و آرایش آن در هر کشور و چپستی سازوکارهایی که هر دولت در رابطه با امنیت مرزها پیش می برد، می باشد.

و دوم سیاست خارجی کشورها در رابطه با کشورهای همسایه و روابط بین الملل است. منظور این است که یک دولت ملی با همسایه های خود چگونه روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی برقرار می کند.

مثلا دو کشور با یکدیگر قرارداد امنیتی دارند یا نه؟

مثلا یک قرارداد منطقه ای به عنوان روابط راهبردی امنیتی بین دو کشور وجود دارد؟ یا در یک احادیه هستند یا نه؟ پروتکل ها و قرارداد های مرزی یا اقتصادی دارند یا خیر؟ آیا افراد کشورهای همسایه طبق قرارداد، با ویزا یا بدون ویزا می توانند به آن کشور وارد شوند؟ این موضوعات بسیار تاثیرگذار هستند.

مورد سوم قدرت اقتصادی و فرهنگی و نظامی آن کشور است که موثر بر بخش توسعه و امنیت هستند.

چهارم ویژگی های فرهنگی، تمدنی، جمعیتی کشور هاست. خصوصا خصوصیات و ویژگی های مرزنشینان.

بسیاری از کشورها مثل کشور ما، دنباله های فرامرزی دارند.

مانند بلوچی های ما و پاکستان، کرد ها و آذری های ما و کرد ها و آذری های آن طرف مرز، علایق مشترک فرهنگی و دینی دارند.

مثلا مردم پاکستان بسیار علاقمند به مشهد مقدس هستند و ملت ایران بسیار علاقمند به زیارت عتبات عالیات هستند. و این علایق بیش از هزار سال است که وجود دارد و نمی توان آنها را نادیده گرفت.

پنجم وسعت سرزمینی است. تنوع جغرافیای طبیعی مرز های دریایی، زمینی و جزیره ای در امنیت محیط ملی کشور هاتاثیر گذار است و کشورهای برای هر یک از این ها باید برنامه و سرمایه گذاری داشته باشند.

و آخرین مورد تاثیر محیط ملی بر امنیت مرزها، راهبرد تهدیدات خارجی و یا داخلی نسبت به مرزهای کشور است. این که راهبرد دشمنان خارجی نسبت به آن کشور چگونه است و یا امنیت داخلی کشورها، چقدر تحت تاثیر امنیت مرزها می باشد. ناامنی های مرزی ما در مناطق مختلف در ۴۰ سال گذشته بعضا باعث ایجاد مشکل های شده است. و آنچه که بسیار تاثیر گذار است برای امنیت مرزی در محیط ملی، داشتن یک طرح آمایش سرزمین در دراز مدت (مثلا ۲۰ سال) است. بعنوان مثال هم اکنون سازمان برنامه و بودجه کشور در حال سند ملی آمایش سرزمین را برای سال ۱۴۲۴ شمسی است. بنده و دکتر حافظ نیا و برخی از دوستان هم، مسئولیت کمیته ملاحظظات دفاعی، امنیتی، پدافند غیرعامل و ژئوپلیتیکی را برعهده داشتیم که طی ۱۰ ماه یک طرح جامع تهیه کردیم و از طریق ستاد کل، برای سازمان برنامه و بودجه فرستادیم.

بالخره این که ما تا ۲۵ سال آینده بدانیم که در رابطه با مسائل مختلف آمایش سرزمین در مناطق مرزی چه برنامه ای داشته باشیم هم در امنیت و هم در توسعه این مناطق و هم در تعامل با کشورهای همسایه بسیار تاثیرگذار است.

در رابطه با محیط منطقه ای بیشترین تاثیر را روابط سیاسی-نظامی و اقتصادی و فرهنگی دولت ملی با همسایه، می گذارند. هرچقدر دولت ملی با همسایگانش در یک تعامل مثبت در یک دوره بدون تنش در روابط اقتصادی و سیاسی و فرهنگی باشند و ترانزیت و گردشگری و ... بین آن ها برقرار باشد، طبیعتا امنیت پایدار خواهند داشت اما اگر در حالت تخاصم یا رقابت های منطقه ای باشند تاثیر منفی خواهد داشت.

واقعیت این است که دشمن های ما هم اکنون در کشورهای همسایه مستقر شده اند و استقرار این دشمن ها برای ما تهدید به حساب آمده و به ما آسیب امنیتی می رسانند.

قسمت آخر صحبت های بنده در رابطه با محیط بین المللی و تاثیر آن بر امنیت مرزهاست. اولین شاخصه این محیط توان استراتژیک و قدرت در محیط بین المللی است. دوم رقابت ها و تنش های بزرگ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و امنیتی قدرت های بزرگ با یکدیگر است که تاثیر این رقابت های قدرت های بزرگ بر امنیت مرزی بر مناطق مختلف جهان و حتی امنیت کشورها تاثیر گذار است.

هم اکنون در فضای چندقطبی شدن قدرت و امنیت در جهان، تغییرات عظیمی در حال رخ دادن است. این تغییرات عظیم، اقتصادی، فرهنگی و ... است.

بسیاری از اندیشمندان علوم سیاسی، با موضوع قدرت و امنیت این گونه فکر می کنند که در قرن حاضر و هم اکنون احتمال تقسیم جهان به دو نیم کره شرقی و غربی و انتقال قدرت به آرامی بر مبنای اقتصاد و فرهنگ، از نیم کره غربی به سمت نیم کره شرقی وجود دارد.

و یا شکل گیری قدرت های قاره ای از جمله قدرت های آسیایی مرکب از قدرت های چین، هند و روسیه و تاثیر آن بر امنیت جهانی و کشور های شرق و غرب آسیا و حتی کشور های اروپایی و آفریقایی وجود دارد و ما هم به عنوان یک کشوری که در غرب آسیا قرار داریم بایستی تعامل خود را با این تغییر و تحولات محیط بین المللی امنیت و قدرت جهان و تغییر و تحولات محیط غرب آسیا و تغییر و تحولاتی که در مرز های ما در حال رخ دادن است (مثل جنگ آذربایجان و ارمنستان) حتما باید هم در باب سیاسی و هم موارد دیگر ورود پیدا کنیم و نگذاریم که این تنش های مرزی به کشور ما آسیبی برساند. در پایان صحبت هایم سلامتی و موفقیت برای همه شما عزیزان و دست اندرکاران این همایش ارزشمند که هم در رابطه با امنیت و هم توسعه مرز های کشور عزیزمان است خواستارم و امیدوارم بشریت از شر ویروس کرونا و اشرار و ظالمی جهانی خلاصی پیدا کند و مردم مظلوم افغانستان و سوریه و عراق هم به آرامش برسند.

دکتر دره میرحیدر

استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

تحت عنوان:

نکاتی چند درباره وضعیت حقوقی ایران در دریای خزر

سوالی که می‌خواهم در ابتدا مطرح کنم این است که چرا ایران پس از گذشت یک قرن از عقد معاهده دوستی با شوروی در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ میلادی برابر با ۱۸ اسفند ۱۲۹۹ شمسی و در پی آن معاهده بازرگانی و بحریمایی در ۲۵ مارس ۱۹۴۰ میلادی برابر با ۵ فروردین ۱۳۱۹ شمسی که هنوز معتبر هستند موفق نشده است وضعیت حقوقی خود را در دریای خزر مشخص نماید و به عبارتی سهم خود را از دریای خزر بگیرد.

به نظر من برای پاسخ به این سوال باید سه عامل مهم را در نظر گرفت:

- ۱- عدم توازن قدرت میان ایران و روسیه شوروی
- ۲- عدم موفقیت ایران در پرکردن خلا قدرت ایجادشده پس از فروپاشی شوروی
- ۳- مشکلات ناشی از ویژگیهای طبیعی دریای خزر

عامل اول عدم توازن قدرت میان ایران و روسیه شوروی

سابقه ضعف دولت ایران در برابر روسیه به اواسط قرن نوزدهم بعد از امضای معاهدات گلستان و ترکمانچای در قفقاز و اواخر قرن نوزدهم با امضای معاهدات آخال و کنوانسیون مرزی تهران (۱۸۹۳) بازمی‌گردد که در نتیجه، اراضی وسیعی در غرب و شرق دریای خزر از دست رفت و ساحل ایران منحصر به بخش جنوبی دریا شد. به همین علت دولت قاجار در مقابل روسیه همواره احساس ضعف و ترس داشت، تا ظهور حکومت سوسیالیستی اتحاد جماهیر شوروی که چشم انداز جدیدی پیش روی سیاستمداران ما پدید آورد و ایران با شوق جزء اولین کشورهای بود که در ۱۷ دسامبر ۱۹۱۷ دولت جدید را به رسمیت



شناخت و همین عمل ایران در امضای معاهده دوستی شوروی با ایران در ۱۹۲۱ موثر افتاد. غافل از اینکه این معاهده با ظاهری فریبنده و با هدف تبلیغاتی تنظیم شده بود که طی آن دولت سوسیالیستی شوروی می‌خواست آزادمندی خود را در برابر امپریالیسم حکومت تزاری به جهانیان معرفی کند. به عنوان مثال در ازای پس دادن جزیره آشوراده به ایران و حق بالسویه کشتیرانی برای دو طرف در دریای خزر زیر پرچمهای خود که شامل کشتی نظامی هم می‌شد دولت شوروی در فصول پنجم و ششم و هفتم معاهده شروطی را برای ایران تعیین نمود که از نظر تامین امنیت مرزهای جنوبی آن کشور چه در خشکی و چه در دریا از اهمیت بالایی برخوردار بود.

در فصل ششم معاهده گفته شده: هرگاه ممالک ثالثی بخواهند به وسیله دخالت مسلحه سیاست غاصبانه را در خاک ایران مجری دارند یا خاک ایران را مرکز حملات نظامی برضد روسیه قرار دهند و اگر ضمنا خطری سرحدات دولت جمهوری شوروی روسیه و یا متحدین آن را تهدید کند و پس از اخطار شوروی، دولت ایران نتواند این خطر را رفع کند شوروی حق خواهد داشت قشون خود را به خاک ایران وارد نماید تا برای دفاع از خود اقدامات لازمه نظامی را به عمل آورد. ضمنا دولت روسیه شوروی متعهد شد که پس از رفع خطر بلاد رنگ قشون خود را از حدود ایران خارج نماید. در حالی که در سال ۱۹۴۱ زمانی که دولت شوروی برپایه همین فصل شمال کشور بیطرف ایران در جنگ را اشغال کرد برخلاف تعهد خود بعد از اتمام جنگ جهانی با سختی از خاک ایران خارج شد.

در فصل هفتم هم آمده که همین ملاحظات می‌توانند در باب امنیت دریای خزر نیز مورد پیدا کنند. که اگر جزء افراد بحریه ایران اتباع دولت ثالثی باشند که از بودن خود در بحریه ایران برای تعقیب مقاصد خصمانه نسبت به روسیه استفاده نمایند دولت شوروی حق خواهد داشت که انفصال عناصر مضره مزبور را از دولت ایران بخواهد. خوشبختانه بعد از انقلاب اسلامی فصول پنجم و ششم این معاهده در اثر اعتراض ایران لغو شد ولی فصل هفتم به جای خود باقیست.

در فصل چهاردهم همین معاهده هم دولت شوروی ایران را به گونه ای وادار نمود که قراردادی در باب صید ماهی با اداره ازران جمهوری شوروی امضا کند که ایران هم اعلام آمادگی کرد پس از انقضای اعتبار قانونی تعهدات خود نسبت به شیلات در این مورد اقدام کند. این امر در زمان حکومت پهلوی اول در مهر ۱۳۰۶ شمسی با تشکیل کمپانی مختلط ایران و شوروی تحقق یافت به طوری که شوروی صاحب امتیاز صید ماهی حرام در جنوب دریای خزر برای مدت ۲۵ سال شد که شامل ماهی ارزشمند خاویار هم می‌شد. بعد از اتمام مدت قرارداد در سال ۱۳۳۱ دولت شوروی تلاش کرد که قرارداد را تمدید نماید ولی خوشبختانه همزمان با ملی شدن صنعت نفت، صنعت شیلات هم ملی اعلام شد و شرکت منحل گردید.

در معاهده بازرگانی و بحریمایی سال ۱۹۴۰، در بند ۴ ماده ۱۲ این معاهده آمده است که: هر یک از طرفین، ماهیگیری را در آبهای ساحلی خود تا حد ۱۰ مایل دریایی به کشتیهای خود اختصاص داده و این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که واردات ماهیهای صید شده از طرف کارکنان کشتیهایی که زیر پرچم او سیر می‌نمایند از تخفیفات و مزایای خاصی بهره مند شود. در مقابل این امتیاز در بند ۵ همین ماده دولت شوروی امتیاز مهمتری برای خود دریافت کرده است. بدین صورت که کشتیهایی که در دریاهای غیر از خزر زیر پرچم یکی از طرفین سیر می‌نمایند در آبهای کشوری و بندرهای طرف دیگر از حیث شرایط کشتیرانی و هرگونه عوارض از همان حقوق و مزایایی که در این مورد به کشتیهای دولت کامله‌الوداد اعطا می‌گردد بهره مند می‌شوند. چون ایران در آن زمان در زمینه کشتیرانی توسعه چندانی پیدا نکرده بود و امکان استفاده از بندرهای یخ‌زده روسیه را نداشت طبعاً این بند از معاهده به نفع کشور پیشرفته شوروی بود که می‌خواست از دریاهای آزاد و آبهای گرم جنوب ایران بهره گیرد و در واقع این بند به منزله تامین منافع یک جانبه شوروی به ما تحمیل شد.

از بعد از جنگ جهانی دوم تا فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱ میلادی، دورانی که شوروی به عنوان ابرقدرت شرق در برابر ابرقدرت غرب یعنی آمریکا قدرت‌نمایی می‌کرد، در وضعیت حقوقی ایران در دریای خزر پیشرفتی حاصل نشد در حالی که ایران از سال ۱۹۳۴ میلادی برابر با ۱۳۱۳ شمسی قوانین متعددی در جهت احقاق حقوق خود در آبهای خلیج فارس به تصویب رسانده بود و از تحولات حقوق بین‌الملل آگاهی داشت.

عامل دوم عدم موفقیت ایران در پرکردن خلا قدرت در منطقه بعد از فروپاشی شوروی

فروپاشی شوروی و ظهور ۴ کشور جدید در سواحل دریای خزر در درجه اول یک تحول مهم ژئوپلیتیکی بود. به همین دلیل تصور می‌شد که این تحول به نفع ایران در جهت برقراری توازن قدرت با روسیه باقیمانده از شوروی سابق و دولتی است که به دلیل مشکلات زیاد داخلی و خارجی دیگر قادر به سلطه‌گری نیست. غافل از اینکه ایران در غیبت شوروی با ابر قدرت رقیب یعنی آمریکا مواجه می‌شود که تاکنون به دریای خزر به صورت یک دریاچه داخلی شوروی که سه طرف آن را احاطه کرده بود می‌نگریست و مصلحت نمی‌دید در امور داخلی آن مداخله کند و یا درصدد دستیابی به منابع هیدروکربنی آن برآید.

حاکمیت‌های جدید که در محدوده مرزهای داخلی شوروی سابق اعلام موجودیت و استقلال کردند به سرعت مورد شناسایی قرار گرفته و در شمار کشورهای عضو سازمان ملل در آمدند. ولی عدم آمادگی آنها برای نقش‌آفرینی در صحنه بین‌الملل موجب شد که بدون تعمق و برنامه‌ریزی به برقراری روابط همه جانبه با کشورهای همسایه و غیرهمسایه و سرانجام هر قدرتی

که دست کمک به سوی آن ها دراز می کرد پرداخته سعی در تثبیت وضعیت جدید خود نمایند. در این مقطع و با استفاده از این فرصت به دست آمده عملکرد خردمندانه مسئولان ایران در جذب این کشورها و بستن موافقتنامه های دوجانبه در زمینه رژیم حقوقی دریای خزر می توانست بسیار کارساز باشد که متأسفانه از این موقعیت استفاده لازم نشد چون مسئولان جمهوری اسلامی عمدتاً به فکر تقویت مسلمانی مردم این کشورها بودند که در اثر هفتاد سال زندگی تحت حکومت کمونیستی کمرنگ شده بود.

با انتشار آمار و ارقام ذخایر هیدروکربن توسط وزارت انرژی آمریکا که شرکت های نفتی را به سرمایه گذاری در منطقه تشویق می ساخت انگیزه های ژئواکونومیک به ژئوپلیتیک اضافه شد و به این ترتیب نفوذ آمریکا ابتدا از طریق شرکت های نفتی و سپس از طریق متحد خود ترکیه و سرانجام از راه های آشکارتر مانند حمایت از خط لوله باکو جیحان که موجب دور زدن مسیرهای کوتاهتر و اقتصادی تر ایران و روسیه می شد صورت گرفت. در نهایت ادامه تحریم ایران و اشکال تراشی در روابط میان ایران و روسیه در امر انتقال تکنولوژی هسته ای در آن زمان مزید بر علت شد.

به طور کلی کشورهای جدیدالتاسیس با انعقاد قراردادهای همکاری در منطقه با شرکت های نفتی غربی علاوه بر اهداف اقتصادی درصدد نیل به منافع سیاسی خاص خود هم بودند. بدیهی است که این امر موجب کاهش وابستگی کشورهای مورد بحث به روسیه و برخورداری آنان از استقلال سیاسی بیشتر می شد. در واقع حضور شرکت های غربی در منطقه که با حمایت سیاسی کشورهای متبوع آنان صورت می گرفت برای جمهوری های جدید التاسیس نوعی تضمین از نظر حفظ استقلال، تامین سیاسی و جلوگیری از مداخلات روسیه محسوب می شد.

به جز آمریکا حضور تعداد قابل ملاحظه ای از کشورهای برون منطقه ای مانند چین، هند، ژاپن، پاکستان و برخی کشورهای اروپایی و همچنین منطقه ای مانند ترکیه، اسرائیل و عربستان که ناشی از حساسیت منطقه خزر در سیاست های جهانی بود موجب شد که رقابت بزرگی در ابعاد سیاسی، استراتژیک، ایدئولوژیک و فرهنگی میان آنها به وجود آید. در چنین شرایطی بود که دولت ایران برای حل و فصل رژیم حقوقی خزر که اکنون به صورت یک دریاچه بین المللی در آمده بود با مشکل روبرو شد. یکی از این مشکلات تحت تاثیر قرار گرفتن دولت های ساحلی خزر به خواسته های شرکت های نفتی بین المللی بود که در نهایت باعث جلوگیری از توافقاتی برای حل و فصل موضوع با توجه به منافع مشروع تمام طرف های ذینفع گردید.

عامل سوم مشکلات ناشی از ویژگی های

طبیعی دریای خزر

برخی خصوصیات طبیعی دریای خزر مثل گسترش طولی، وضعیت سواحل، حرکات کوهزایی بستر دریا، جریان های دریایی و محصور بودن در خشکی در سیاست های متعارض کشورهای ساحلی درباره موضوعاتی همچون تعیین رژیم حقوقی، ماهیگیری، حفظ محیط زیست ساحلی، بهره برداری از منابع نفت و گاز برون ساحلی و تعیین مسیر خطوط انتقال انرژی موثرند. در مورد مسائل مربوط به تعیین رژیم حقوقی، استخراج منابع



نفت، کشتیرانی و ماهیگیری می‌توان به اهمیت شکل سواحل و عمق آب اشاره کرد. برای مثال کشور آذربایجان با ساحل محدب خود که در اثر پیشرفتگی شبه جزیره آشوران به وجود آمده طرفدار تقسیم دریا بر اساس خط منصف است. چون با این روش می‌تواند بخش قابل توجهی از بستر دریا را جزء منطقه انحصاری اقتصادی خود درآورد. در حالیکه کشور ایران برعکس به دلیل داشتن ساحل مقعر شکل در صورت تقسیم بستر دریا بر اساس خط منصف متضرر خواهد شد. وسعت فلات قاره در حوزه شمالی دریای خزر با عمق متوسط ۶/۲ متر دسترسی به منابع نفتی کف دریا را تسهیل می‌سازد ولی ویژگی‌های دیگر این حوزه شمالی مثل کمی وجود بنادر، تبخیر زیاد و خلیج‌های پهناور که برای کشتیرانی مناسب نیستند چندان مطلوب نیست، هرچند ترسیم خط مبدا مستقیم در این سواحل بدون مشکل انجام می‌شود. در عوض عمق زیاد آب در حوزه جنوبی با متوسط ۳۲۵ متر هرچند از نظر کشتیرانی مفید است ولی از نظر استخراج منابع نفت هزینه‌بر است. گودی ساحل ایران آثار مخرب دیگری هم به دنبال دارد و آن تحت تاثیر قرار گرفتن آلودگی‌های نفتی و فاضلاب کارخانه‌ها و پالایشگاه شهر باکو توسط حرکت جریان آب در حوزه جنوبی خزر می‌باشد. این جریان‌ها تاثیرات مخربی بر حیات آبیان ایران به ویژه ماهی‌خوایان دارند. به همین دلایل دولت ایران طی سی سال گذشته به خطوط مبدا مستقیمی که این شرایط نامساعد جغرافیایی را در نظر نگیرند رضایت نداده است.

در پایان نکاتی چند درباره کنوانسیون آکتائو قزاقستان و سند معروف به قانون اساسی دریای خزر که محصول آن است و در ۲۱ مرداد ۱۳۹۷ توسط روسای جمهوری پنج کشور ساحلی به امضا رسید به عرضتان می‌رسانم:

اولین نکته این که متاسفانه این معاهده در زمانی تنظیم و امضا شد که بعد از گذشت سی سال از فروپاشی شوروی، روسیه امروز به عنوان یکی از قدرت‌ها در سطح جهان مطرح است و برعکس ایران به دلیل تحمیل تحریم‌های آمریکا با مشکلات عدیده‌ای دست و پنجه نرم می‌کند که امکان چانه زنی چندانی ندارد. با همه این احوال این معاهده در وضعیت فعلی تا روشن شدن تکلیف روش تعیین خطوط مبدا مستقیم و تصویب آن توسط همه طرف‌ها مزایایی برای ما دربرداشته است که مهمترین آن راهیابی به آبهای آزاد از طریق کانال‌های ولگا دن واقع در خاک روسیه می‌باشد که تا کنون برای استفاده از آنها ما با موانعی از طرف روسیه روبرو بودیم و در این معاهده با پرداخت حق ترانزیت تسهیلاتی فراهم شده است. دوم در نظر گرفتن شرایط نامساعد سواحل ایران در تعیین روش خطوط مبدا مستقیم است که مورد تاکید خاص وزیر خارجه ما در اعلامیه تفسیری این معاهده قرار گرفته است.

در مورد چگونگی رژیم حقوقی دریا دولت ایران در ابتدا نظرش بر این بود که بهره‌برداری از منابع آب دریا یعنی شیلات و منابع بستر و زیربستر یعنی انرژی به صورت مشاع صورت گیرد و روسیه هم با ایران هم نظر بود ولی بعد به دلیل اختلافاتی که درباره شیوه اعمال حاکمیت مشاع به وجود آمد کشورها به جز ایران شروع به امضای موافقتنامه‌های دوجانبه و سه جانبه کردند که منافع آنها را در دریا تامین می‌کرد. آن زمان روسیه هم نظرش را تغییر داد و دولت ایران که در مقابل عمل انجام شده قرار گرفت به طرح تقسیم خزر به مناطق ملی رضایت داد و سند قانون اساسی خزر هم بر همین مبنا تنظیم شده است.

مناطق ملی تعیین شده در این سند عبارتند از؛ منطقه آبهای داخلی که پشت خط مبدا قرار دارند، سپس منطقه آبهای سرزمینی به عرض ۱۵ مایل که بعد از خط مبدا قرار دارد و مرز خارجی آن، مرز دولتی شناخته شده است. بعد از آبهای سرزمینی یک منطقه ماهیگیری به عرض ۱۰ مایل که دولت‌های ساحلی می‌توانند برداشت انحصاری از آبیان داشته باشند و پس از آن منطقه‌ای به نام پهنه مشترک دریایی که استفاده آن به روی تمامی طرف‌ها آزاد است.

نکته‌ای که من در اینجا می‌خواهم مورد توجه قرار دهم یکی اختصاص عرض ۱۵ مایل برای دریای سرزمینی است که با عرض ۱۲ مایل معمول در حقوق بین الملل دریاها تفاوت دارد و دیگر ابهام در وضعیت منابع بستر و زیربستر کمربند ۱۰ مایلی ماهیگیری است که چون منطقه انحصاری اقتصادی نیست به دولت ساحلی تعلق ندارد و در این معاهده هم هیچ اشاره‌ای به چند و چون آن نشده است.

در مورد عرض ۱۵ مایل خاطره‌ای دارم که خدمتتان عرض می‌کنم: چند سال پیش در یک فیلم مستند تلویزیونی، مشاهده کردم که در بازگشت پوتین از یکی از نشستهای مربوط به تعیین رژیم حقوقی دریای خزر خبرنگاری از ایشان پرسید که دلیل انتخاب عرض ۱۵ مایل به جای ۱۲ مایل آبهای سرزمینی چیست؟ ایشان در پاسخ گفت میدانید چرا. واقعیت این است که اگر من به کمتر از ۱۵ مایل عرض آبهای سرزمینی رضایت دهم ماهیگیران کشورم مرا به کشور راه نخواهند داد. بنابراین معلوم می‌شود که انتخاب رقم ۱۵ مایل برای آبهای سرزمینی و به دنبال آن ۱۰ مایل منطقه انحصاری ماهیگیری عمدتاً در راستای منافع ماهیگیری و شرایط طبیعی سواحل حوزه شمالی خزر صورت گرفته است.

شایان ذکر است که این معاهده هرچند در قوای مقننه سه کشور روسیه، آذربایجان و ترکمنستان به تصویب رسیده است به طوری که آنها آماده اجرایی شدن آن هستند ولی در کشور ما هنوز حتی برای بررسی هم به مجلس شورای اسلامی راه نیافته است.

مهندس سلیمانی مهر

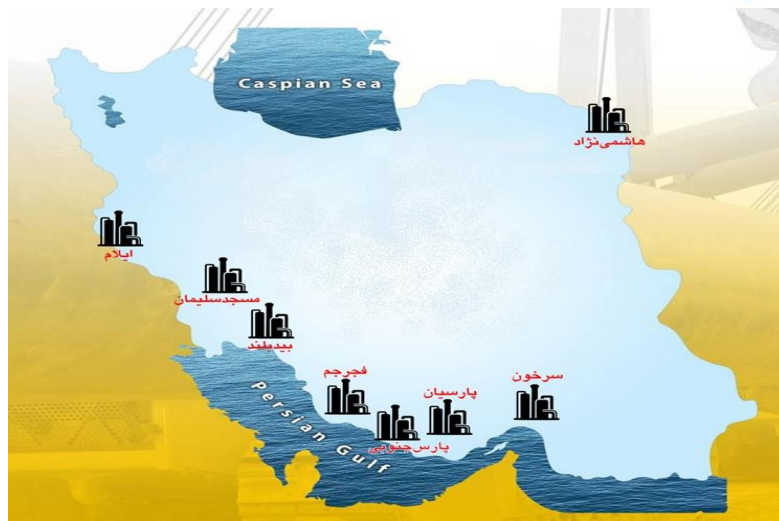
مشاور آقای مهندس سید مجید منبئی؛ مدیرعامل پالایش گاز شهید هاشمی نژاد سرخس

تحت عنوان:

اثر بخشی فعالیت های شرکت پالایش گاز شهید هاشمی نژاد بر ثبات امنیتی و اجتماعی منطقه مرزی سرخس

۱- معرفی شرکت پالایش گاز شهید هاشمی نژاد

پالایشگاه گاز شهید هاشمی نژاد معروف به پالایشگاه گاز خانگیران، نخستین فعالیت اکتشافی در سال ۱۳۳۱ خ در منطقه خانگیران به وقوع پیوست و نخستین چاه در سال ۱۳۴۱ خ به مخزن گاز شیرین شوریجه رسید و نوید طرح و اجرای تأسیسات گاز در این منطقه معنا پیدا کرد. تأسیسات نهم‌زدایی جمالی‌نیا با تامین خوراک از مخزن گاز شوریجه در سال ۱۳۵۲ به بهره‌برداری رسید و گاز مصرفی بخش محدودی از شهر مشهد از طریق خط لوله ۱۶ اینچی ارسال گردید. مخزن گازی منطقه خانگیران شهرستان سرخس شامل ۳ مخزن گاز شیرین با استعداد باقی‌مانده تولید ۱۷ میلیارد متر مکعب و یک مخزن گاز ترش عظیم با استعداد باقی‌مانده تولید ۳۰۰ میلیارد متر مکعب می‌باشد. بهره‌برداری از منابع گاز شیرین خانگیران در سال ۱۳۵۲ با ۳ حلقه چاه انجام گرفت و در سال ۱۳۶۲ بهره‌برداری از مخزن گاز ترش مزدوران هم‌زمان با راه‌اندازی پالایشگاه گاز شهید هاشمی نژاد با ۶ حلقه چاه آغاز گردید. مخزن گاز ترش مزدوران حاوی ۵,۳٪ گاز بسیار سمی و خطرناک سولفید هیدروژن (H_2S) و ۵,۶٪ گاز دی اکسید کربن (CO) ۲ (می‌باشد؛ و مشابه این مخزن تعداد محدودی در حجم بالای تولید در سطح جهانی فعال است که از آن جمله به کشور کانادا می‌توان اشاره کرد.



شکل ۲: نقشه محل استقرار پالایشگاههای گاز کشور

شرکت پالایش گاز شهید هاشمی نژاد با ظرفیت بیش از ۶۰ میلیون متر مکعب در روز، تامین کننده گاز ۵ استان کشور می باشد. علاوه بر گاز شیرین، ظرفیت تولید ۲۴۰۰ تن گوگرد در روز به عنوان محصول جانبی، نقش موثری در بازار گوگرد کشور و منطقه را برای این شرکت به ارمغان آورده است.

همانند هر سازمان متعالی، شرکت پالایش گاز شهید هاشمی نژاد نیز در پیشبرد هدف کلیدی خود به عنوان سرآمدترین شرکت پالایش گاز کشور در افق ۱۴۰۴ با تولید پایدار و ثروت آفرینی از طریق ارائه محصولات و خدمات با ارزش افزوده، دارای استراتژی، ساختار منظم و فرآیندهای متنوع می باشد. شکل شماره ۲، شمای عمارت تعالی شرکت را به نمایش می گذارد.



شکل ۲: عمارت تعالی شرکت پالایش گاز شهید هاشمی نژاد

۲- استراتژی شرکت پالایش گاز شهید هاشمی نژاد در تعامل با شاخص های توسعه پایدار

بررسی عوامل موثر بر توسعه پایدار شرکت با تفکر شرکت داری و با در نظر گرفتن اسناد جهت ساز از جمله سند چشم انداز افق ۱۴۰۴ و برنامه ششم توسعه و همچنین انجام مطالعات دقیق از وضعیت کنونی و مطلوب شرکت از منظر استراتژی های تدوین شده، چالش ها و فرصت های توسعه را به نمایش گذاشته است. در این راستا، اهمچالش های موجود در مسیر توسعه شرکت بالاخص در بعد اجتماعی موارد زیر می باشند:

- مساله اشتغال و آثار آن بر ناپایداری سیاسی و امنیتی شهرستان
 - نگاه حاکمیتی جامعه پیرامونی به شرکت های منطقه ای نفت و گاز
 - آثار مناقشات بخش انرژی میان ایران و ترکمنستان بر تبادلات تجاری منطقه ای
- از سویی، فرصت های موجود برای توسعه و ظرفیت سازی مجموعه در جغرافیای مورد بررسی نیز، به شرح زیر می باشد:
- استفاده از قدمت و زیرساخت توانمند پالایشگاه و ایفای نقش محوری در دیپلماسی انرژی ایران-ترکمنستان
 - ظرفیت بالای شرکت های فعال بخش انرژی در منطقه شمالشرق و توان حمایتی پالایشگاه
 - تبادل تجربیات و ایفای نقش سیاستگذار و توانمندساز برای ارتقاء شاخص های اقتصادی-اجتماعی بافت منطقه

۳- استراتژی اقتصادی پالایشگاه در تعامل با شاخص های توسعه پایدار

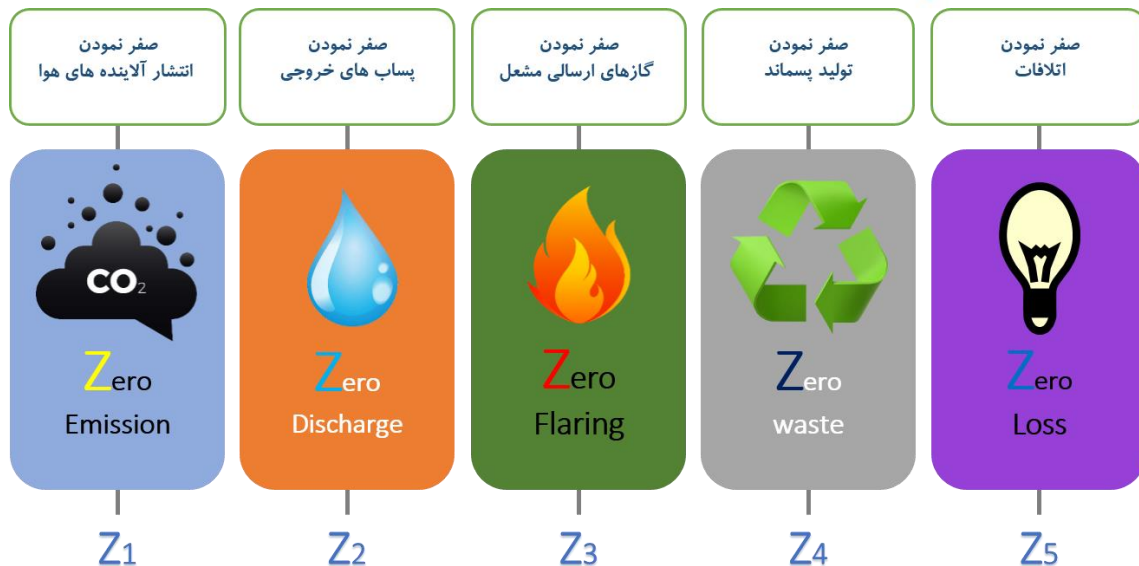
بر اساس مفهوم توسعه متوازن و بعد نخست آن که شامل رشد اقتصادی می باشد، اهم سرفصل های مطرح شده در استراتژی شرکت پالایش گاز شهید هاشمی نژاد در بخش فوق به شرح زیر است:

- حرکت به سمت شرکت داری و مدیریت بهره ور
 - توسعه و مدیریت سبد محصولات به عنوان رشد عرضی در پایین دست
 - توسعه پایین دست و حمایت از زنجیره ارزش افزوده
 - حمایت از شرکت های مصرف کننده گوگرد و استقرار آنها در پایین دست پالایشگاه
- تحقق راهبرد های اخذ شده در صورت اثربخشی، موجب ایجاد نتایج و آثار مشهود خواهد شد:
- رشد جریان نقدینگی در شهرستان
 - تقویت بنگاههای اقتصادی و ایجاد اشتغال
 - افزایش رضایت عمومی و اجتماعی
 - کاهش زمینه های وقوع جرم

۴- استراتژی زیست محیطی پالایشگاه در تعامل با شاخص های توسعه پایدار

داشتن اقتصاد سالم به تنهایی، نمود موفقی از شرکت داری نمی باشد. از اینرو، داشتن محیط زیست سالم به عنوان اولین لایه پیرامونی مورد توجه بوده و حفظ آن امری الزامی و معقول است.

شرکت پالایش گاز شهید هاشمی نژاد در چهارچوب حفظ محیط زیست سیاست های زیستی خود را در راستای حذف کلیه عوامل زیستی یا Zero را در دستور کار بخشهای عملیاتی و غیر عملیاتی قرار داده است. ۵ گانه مذکور در شکل شماره ۳ مشاهده می شود.



شکل ۳: شمای استراتژیک شرکت در مسیر Zero

۵- تحلیل استراتژی پالایشگاه در بخش مسئولیت پذیری اجتماعی

پس از ابلاغ شیوه نامه اجرایی وزیر نفت در بخش مسئولیت های اجتماعی، مجموعه پالایشگاه به عنوان شرکت پیشگام در این حوزه در بخش معاونت اجرایی بر توسعه فعالیت های توانمندساز خود متمرکز گردید.

برای حصول به حداکثر منافع فقط یک راه وجود دارد و آن **درک مسئولیت های اجتماعی** و استقرار آن در دریافته ایم

به تحقیق و تجربه

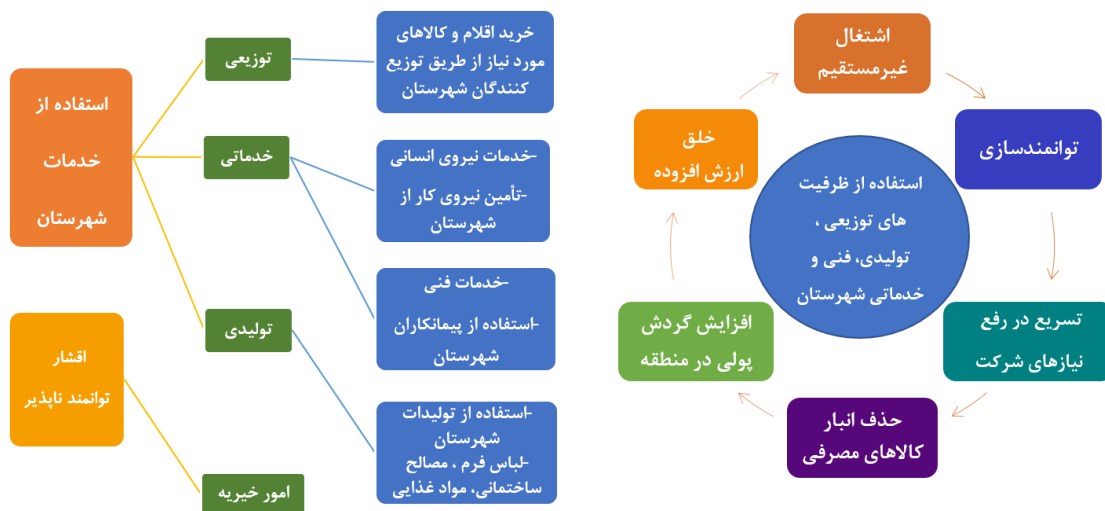


تا توانی به جهان، خدمت مخلوقان کن
به **دمی یا درمی یا قلمی یا قدمی**



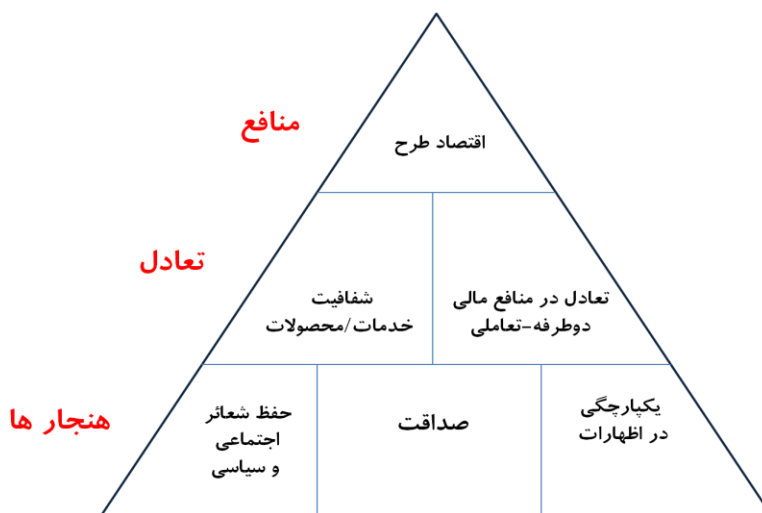
شکل ۴: تحلیل استراتژی پالایشگاه در بخش مسئولیت پذیری اجتماعی

از منظر جامعه شناسی، افراد در محیط پیرامونی به دو گروه توانمند و توانمند ناپذیر دسته بندی شده اند. طبق این طبقه بندی، فعالیت های شرکت در حمایت از بخش توانمند ناپذیر در قالب امور خیریه و برای سایر اقشار بصورت استفاده از خدمات و توانمندسازی متمرکز گردید.



شکل ۵: راهبرد شرکت در مدیریت فعالیت های اجتماعی

۶- استراتژی شرکت پالایش گاز شهید هاشمی نژاد در مواجهه با موضوع ترکمنستان عنوان مساله راهبردی صورت خاص، بخش ویژه ای تمرکز سازمان در سطح مدیریت عالی و راهبردی، بر موضوع ترکمنستان متمرکز گردیده است. ورود مجموعه پالایشگاه در سطح میانی و در بعد تصمیم سازی بوده و نقطه تلاقی محورهای حرکت سازمان در پویای محیطی، آینده پژوهی و مفهوم پدآفند غیر عامل می باشد.



شکل ۶: چهارچوب الزامی در جهت اثربخشی مدل های اقتصادی موفق در ترکمنستان

منطقه CIS به عنوان اقیانوس ارغوانی-آبی، فضای اقتصادی با پتانسیل بالقوه شایان توجهی برای توسعه فعالیت های اقتصادی را داراست. از آنجا که پالایشگاه بنا به موقعیت استراتژیک جغرافیایی و مختصات فنی دارای ظرفیت و مزایای منحصر به فردی در منطقه می باشد، اهم راهبرد های آن به شرح زیر می باشد:

✓ فرصت ایفای نقش پل انرژی بین شرق و غرب برای پالایشگاه

- ✓ استفاده بهینه از زیرساخت های موجود
- ✓ افزایش بهره وری و فعالسازی شرکای راهبردی اعم از شرکت های مستقر در پارک، شرکتهای خواهرخوانده و طرفین تفاهم نامه ها
- ✓ تغییر راهبرد از رویکرد حق العمل کاری به فرآوری و ارزش افزایی-ایجاد جریان نقدی بالا
- ✓ تامین خوراک و تثبیت شبکه انرژی شمالشرق

۷-شرح فعالیت های انجام شده و در دست اجرا

برخی از پروژه های مهم سال ۹۸

- عملیات اجرایی پروژه تغلیظ گاز اسیدی
- اتمام پروژه جلوگیری از فرار گوگرد به زباله سوزها
- ایجاد بستر مناسب جهت داخلی سازی قطعات توربین گازی شرکت موتوریج مدل D-۳۳۶
- بازیابی گازهای ارسالی به مشعل
- بازیابی حدود ۷۰ میلیون مترمکعب گاز (۲۱ درصد سوخت پالایشگاه) و کاهش انتشار ۱۲۹ هزارتن CO₂ در سال
- تامین عمده اقلام مورد نیاز مصرفی از محل شهرستان
- تحویل بیش از ۲ میلیارد ریال کمک های نقدی و ۱ میلیارد ریال اقلام غیر نقدی به نیازمندان شهرستان در قالب خیریه

طرح های در دست پیگیری

- استقرار و آغاز به کار ۴ شرکت با ظرفیت تولید ۲۴۰۰ تن انواع محصولات گوگردی
- ایجاد اشتغال مستقیم برای ۱۵۰ نفر
- ایجاد ظرفیت مصرف و خرید پایدار گوگرد در پایین دست پالایشگاه
- استفاده از ظرفیت مازاد یوتیلیتی پالایشگاه و افزایش بهره وری عوامل تولید



شکل ۷: صنایع مستقر در پایین دست پالایشگاه

- راه اندازی مرکز رشد نوآوری در حاشیه پالایشگاه به عنوان اولین مرکز رشد در سطح وزارت نفت با هدف:

- حمایت از شرکت های دانش بنیان
- آموزش کارآفرینی و خلاقیت و حمایت از نوآوری جوانان
- شناخت پتانسیل های سرمایه گذاری در منطقه و کمک به رونق اقتصاد محلی
- حمایت از ایده ها و خلق ارزش افزوده



شکل ۸: مراسم افتتاح مرکز رشد توسط وزیر محترم نفت

۸- بخشی از افتخارات و دستاوردها

- رتبه اول جایزه تعالی شرکت ملی گاز در سال ۹۸
- رتبه اول جایزه ملی مسئولیت های اجتماعی در سال ۹۸
- رتبه برتر کشوری در حوزه پدافند غیرعامل در سال ۹۸
- رتبه برتر اقامه نماز در سال ۹۸
- پایداری تولید گاز
- بالاترین تولیدکود گوگرد بنتونیتی در کشور
- ایجاد زمینه سرمایه گذاری بخش خصوصی در حوزه تولید محصولات گوگردی
- تندیس بلورین جایزه تعالی وزارت نفت و صنعت گاز در سال ۹۶ و ۹۷
- تندیس طلایی دومین جایزه ملی مسئولیتهای اجتماعی در سال ۹۷
- لوح صنعت سبز کشور در سال ۹۶
- تندیس زرین جایزه ملی پیشنهادها در سال ۹۶ و ۹۷
- HSE برتر شرکت های پالایشی ۱۳۹۶
- پایگاه بسیج نمونه شرکت ملی گاز
- ستاد برتر اقامه نماز
- توسعه نظام مدیریت استراتژیک و مدیریت فرآیند
- تندیس برنز جایزه ملی مدیریت دانش در سال ۹۵



۷ و ۸ آبان ماه ۱۳۹۹، دانشگاه فردوسی مشهد



- تقدیرنامه ۴ ستاره جایزه تعالی منابع انسانی در سال ۹۵
- مقام دوم ایمنی در بین کل پالایشگاه های گاز در سال ۹۵
- HSE برتر شرکت های پالایشی ۹۴، ستاد اقامه نماز برتر استان خراسان، کسب لوح صنعت سبز در سطح کشور
- روابط عمومی برتر وزارت نفت ۹۳
- اخذ گواهینامه سیستم مدیریت انرژی در سال ۹۳
- تندیس بلورین تعالی سازمانی در سال ۱۳۹۲

دکتر محمدحسین پاپلی یزدی استاد دانشگاه تربیت مدرس

تحت عنوان:

فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو در مناطق مرزی

باسلام و ضمن عرض تشکر از تمامی مهمانان گرامی.

بحث را خیلی وارد مرز و مرزداري نمی‌کنم. در هر کاری یک گذشته و تاریخ، حال و یک آینده داریم؛ من بیشتر به اینکه باید آینده چه کار کنیم صحبت می‌کنم؛ آینده‌ای تا بیست، سی و چهل سال دیگر. نسل آینده باید یک چشم انداز داشته باشند و حرف‌های من دو درصد به درد حال می‌خورد. همانطور که جناب آقای دکتر کافی ریاست محترم دانشگاه فردوسی مشهد فرمودند، خدا هیچ مرزی نیافریده، این بشر است که مرز را خلق کرده است. حال خیلی چیزها را شعار می‌دهیم که خدا مثلاً اول جنگل آفریده و بشر است که کویر را ساخت. این مرزهایی که ما داریم تماماً تحمیلی است مرز با روسیه از طرف غرب که در قراردادهای گلستان و ترکمانچای؛ از طرف شرق، در اثر قرارداد آخال است که روسیه به مدت پنجاه سال سعی کرد آسیای مرکزی را بگیرد و رقابت‌های شدیدی بین روسیه و انگلستان بر سر شمال خراسان بود. یعنی حدود ۵۰ سال شمال خراسان فعلی نقش فلسطین را در دنیا ایفا می‌کرد. در آن زمان پانصد تا آدم بدون مجوز دولت ایران در شمال خراسان فعلی به مطالعه می‌پرداختند بدون مجوزی از دولت ایران داشته باشند یا وقتی وزیر خارجه انگلستان و بعد نایب السلطنه انگلستان موقعی که سناتور بود وقتی می‌رود خانه امیرحسین خان شجاع الدوله می‌گوید در اتاق ایشان عکس تزار روسی و امپراطوری هست ولی عکس شاه ایران نیست. یا مسائل دیگر مرزی ایران که همه می‌دانیم. می‌گوییم اروپا کجاست و مرزهای فعلی اروپا کجاست؟ مرزهای فعلی اروپا اکثراً مرزهای فرهنگی هستند یعنی فرانسه آنجایی که فرانسوی‌ها حرف می‌زنند و آن طرف که فرانسه حرف نمی‌زند شده آلمان. اسپانیا کجاست؟ جایی که اسپانیایی حرف می‌زنند. آنجا که چند زبان هستند به صورت فدرال اداره می‌شود مثل سوئیس. تشکیلاتی هست مثل بلژیک اروپایی‌ها که هزار سال خواستند با زور شمشیر مرزها را بردارند نشد، بعد از جنگ جهانی دوم و کلای آنها مذاکره کردند و مرزهای فعلی را تصویب کردند و بعد این مرزها را دوباره مرزهای فرهنگی قرار دادند. اروپاییان مرزهای سیاسی و اقتصادی بخش خصوصی ندارد. اما مرزهای کشور ما بیشتر مرزهای تحمیلی است یعنی اینکه انگلیس یک طرف آمده خطی کشید و در سیستان ما یک نفر آمده خطی کشیده یا ترکمن صحرای ما را یک نفر از وسطش خط کشیده است. مسائل مرزهای شمال از روزهایی که خطی از وسطش کشیدند حال غرب قدیمی‌تر و کهنه‌تر است. ولی در تقابل دوران صفویه و دوران عثمانی بوده که این مرزها پیدا شده است. در مورد اعراب جنوب هم که می‌گوییم همه قابل احترام است و همه ارزشمندند ولی پنجاه چهل سال پیش که همچین تمدنی وجود نداشته من ۱۴ سالم بود یعنی حدود

پنجاه و هشت سال پیش، دبی بیابانی بیش نبود. این مرز هایی که ما داریم مرزهای دولتی یعنی دولت باید قوانین داشته باشد تا از مرزها دفاع کند. این مرزها ملیتی نیست یعنی یک نفر می گوید این طرف مرز قوم و خویش دارم و عمه و خاله و عمو آن طرف. پس ما باید چه کار کنیم که این مرزها ثابت باشد؟ مثلاً اگر بودجه‌ای که به تهران می‌دهیم به دوغارون بدهیم و مرزها را آباد کنیم آن وقت ناامنی بیشتر خواهد شد. یعنی توسعه مرز به این صورت اگر قرار باشد توسعه یک طرفه باشد ناامنی بیشتر است؛ برای اینکه یک طرف مرز فقیر است و وقتی فقیر است این حرف‌ها سرش نمی‌شود. ۱۵۰ سال داریم برای اتحاد جهان اسلام کار می‌کنیم به فرموده‌ی مرحوم اسدآبادی همه کار کردیم؛ یعنی بحث سیاسی کردند، دانشگاه هامون بحث کردند، اتحادیه‌ی کشورها صحبت کردند. مثلاً فرض بگیریم موقع عبدالناصر و سوریه اسد اینها آمدن یعنی پدر این اسد آمد و آن اتحادیه را درست کرد که لیبی مصر و غیره بوده اند؛ همه کار کردیم ولی کار اقتصادی نکردیم جنگ کردیم شعار دادیم کار دانشگاهی کردیم. این مرزهای فعلی را ناسیونالیسم غرب درست کرد در اسلام که مرز نبود بین کشورها مرز نبوده است. بزرگترین مرز یا سرحدی که بود بین ایران و عثمانی بود جای دیگری مرز نبوده است؛ یعنی زمانی که غرب خود می‌رود سمت جهانی شدن روی ناسیونالیست ما تکیه می‌کند. من ۲۵ و ۲۶ سال پیش گفتم و نوشتم که اتحاد جهان اسلام و اتحاد منطقه باید از طریق تلاش‌های اقتصادی باشد، مانند اروپا. یعنی به جای اینکه رؤسایمان با رئیس جمهور آلمان و سیاستمداران اروپایی حرف بزنند که باید بزنند و زمینه را درست کنند باید راه آهن سراسری جهان اسلام داشته باشیم، باید راه آهن داشته باشیم که به روزی که من حتماً زنده نخواهم بود راهی از مراکش باید برود به مرز چین. الان باید چشم انداز ما این باشد که مرحله اول بین افغانستان، عراق، سوریه و لبنان راه آهن و راه لوله‌ی گاز برود درحالی که الان تمام شبکه‌ها به طرف اروپا می‌رود. خطوط هوای ماهان اروپایی است یا آمریکایی. خطوط گازی ما خطوط اروپایی. شبکه برق ما که اگر داشته باشیم و این کشورهایی که دارند به طرف غرب و اروپا می‌رود. بنابراین طرح آمایش آینده منطقه باید طوری باشد که جهان اسلام به صورت یک بلوک اقتصادی و تجاری بی مرز باشد و اولین کار و قدمش در شرایط فعلی که ایران محور باشد باید بتوانیم کاری بکنیم که در ۱۵ و ۲۰ سال آینده بین ما افغانستان، عراق، سوریه و لبنان مرز تجاری اقتصادی و ویزایی وجود نداشته باشد. در شرایط فعلی یک کارهای زیربنایی که سردار می‌رود سربازان خودش هم ممکن است شهید شوند برای مرز، برای دفاع از مردم؛ ولی اگر اختلاف ارزی بین ما و افغانستان اینقدر نباشد مطمئناً نمی دهند؛ پول افغانستان اول انقلاب با یک تومن دوتا افغانی می‌گرفتیم حال با ۳۲۰ تومن یک افغانی میگیریم، مرزها معنا نمی دهند. من بارها گفتم الان می‌گویم ما باید تریاک را آزاد کنیم تجربه ۴۰ سال نشان می‌دهد که باید تریاک آزاد کنید چون سیاست غرب این بود که در ظرف دوپست سال ما هم دیگر را بکشیم یا داعش درست شود یا طالبان یا قاچاقچی درست شود ما در این چهل سال چند نفر آدم اعدام کردیم؟ چقدر سر مرز بچه‌های خوب و جان برکف شهید شدن؟ حال نتیجه چه شد اعتیاد کم شد؟ وقتی کسی در سیستان این طرف سرزمین داره گندم می‌کارد و اون طرف مرز زمیندار و تریاک می‌کارد و از زمین ۹۵ میلیون پول در بدست می‌آورد چطور می‌خواهیم امنیت مرزی را حفظ کنیم. من در کتاب دیپلماسی آب نوشتم که ما مداوم می‌گوییم حق آب می‌خواهیم خوب چه چیزی می‌خواهید بدهید که حق آب می‌خواهید. وقتی چیزی نمی‌دهید بروید کاغذ و امضا کنید مثل هیرمند که امضا کردیم. ما دشت مشهد را هم نوشتیم هم به جایی رساندیم ولی دیدیم مملکت هماهنگی ندارد. دشت مشهد را به دشت هرات باید دو سرش را به هم وصل کنیم. توسعه یعنی آب داریم، آب نداریم زمین زیاد نداریم مثلاً همه‌اش را دادیم بتن کنیم، ولی کارخانه داریم، انرژی داریم مهندس داریم پول هم داریم در دشت هرات برعکس است آب دارند کارگر ارزان هم دارند و چیز دیگری ندارند هم ما آمدیم و رفتیم و مذاکره کردیم. خدایا مرز آقای باقرزاده کارخانه قند خراسان به خصوص فریمان گفت؛ من از دشت هرات ۴۰ هزار تن چغندر می‌خواهم. سال اول ۴۰ هزار تومن چغندر آمد دم مرز و گمرک دوغارون، ۱۲ شب گفتند پیاده کن می‌خواهیم ببینیم زیرش چه چیزی هست. خب پدر خوب چغندر را چه جوری بریزیم پایین؛ همان کارخانه قند و مسئولین شهر هستند گفتند آقا ما اونو لبو می‌کنیم نمی‌خواهیم. خوب اگر دنبال امنیت در مرزها هستید توسعه دو جانبه توسعه دو طرفه مرز است، توسعه منطقه است، نمی‌شود که بگوییم سد کمال خان را نسازید ما آب می‌خواهیم می‌خواهیم چه

کار کنیم می‌خواهیم بزاریم توی چالو نه پمپ کنیم بدین به زاهدان کار خوبی هم می‌کنیم بالاخره زاهدانی‌ها آب می‌خواهند. من در مذاکرات کابل گفتم آقا ما اصلاً از شما آب نمی‌خواهیم شما سه میلیون افغانستانی دارید ما برای این سه میلیون شهروند چه کنیم. پس بنابراین نسل ما اگر امنیت و امنیت پایدار می‌خواهد باید این تئوری که توسعه ما در فقر همسایه است کنار بگذارد. این تئوری را پاکستان دارد پاکستان می‌گوید توسعه و امنیت من در ناامنی افغانستان است. همه بدانید که در جنگ درآمد وجود دارد، صلح درآمد کمی دارد. صلح تجارت دارد. جنگ حالا که مردم را نمی‌کشند مردم را معلول می‌کنند تا این معلول‌ها ۳۰، ۴۰، ۵۰ سال گرفتار باشند و خرج بزارند بر دست کشور. بنابراین باید بهتر عمل کنیم. باید مذاکرات طوری باشد که چیزی بدهیم و چیزی بگیریم یعنی برد برد باشد؛ با عراق و با همه جا که مذاکرات می‌کنیم. جهان اسلام متعهد به حرف نیست اگر عربستان سعودی از ۶۰ سال ۷۰ سال پیش کاری کرده بود که در ایران ۳۰۰ میلیون دلار سرمایه داشت یا ما در آنجا سیصد و ۲۰۰ میلیون دلار سرمایه داشت اینقدر دعوا نمی‌کردیم. رئیس‌جمهور فرانسه یا صدراعظم آلمان جرات دارند بگویند که ما می‌خواهیم مرز را ببندیم؟! اینقدر سرمایه فرانسه در آلمان هست و اینقدر سرمایه آلمان در فرانسه هست که بلافاصله بخواهند کاری بکنند تظاهرات می‌شود و استیضاح می‌شود. مگر الان کسی جرات دارد بگوید که ما می‌خواهیم بین تبریز و تهران مرز بذاریم و جدا شویم. چهارتا جوان معذرت می‌خواهم تحریک می‌شوند یه چیزی می‌گویند اما میلیاردها میلیارد سرمایه یک تبریزی در تهران است و برعکس میلیاردها میلیارد سرمایه تهرانی در تبریز است و این سرمایه‌ها به هم وصل‌اند. من در سال ۶۵، ۶۴ نوشتم بلوچستان بدانند؛ اگر امنیت می‌خواهید باید میدان بار تهران اصفهان یزد در بلوچستان فعال باشد باید بلوچی که می‌رود در کراچی آپارتمان می‌خرد بیاید و در اصفهان بخرد یا در تهران بخرد. دوست عزیزم از پیشرفت‌های سره گفتند خدایامرز دکتر سعیدی که استاد من بود هم اینجا بود. دکتر عباس سعیدی رضوان ما را در سال ۴۷ برای گردش به همین جایی که گاز خانگیان هست برد هیچی نبود چادر عشایر بود و یک برکه آبی که آب را صاف می‌کردند می‌خوردند. الان خدا را شکر سرخس تحولات ایجاد کرده است و سد دوستی درست شد. آستان قدس کارهایی کرد. ولی هنوز که هنوز است سرخس جزو محروم‌ترین مناطق استان است؛ یعنی هنوز باید خیلی کار انجام شود ولی آیا می‌شود که ما سرخس رو گلستان کنیم و آن طرف مرز خارستان باشد، نمی‌شود. پس ما امیدواریم که سیاست دولت ما که همین جور هم هست بر مبنای دوستی با کشورهای اطراف تنش‌زدایی باشد بر مبنای تئوری توسعه متقابل باشد بدانیم توسعه و امنیت ما در امنیت و توسعه همسایه است و توسعه و امنیت همسایه در توسعه و امنیت ماست. در یک چشم انداز طولانی مدت ۲۵ ساله حالا تا ۲۵ سال ممکن من زنده باشم می‌شوم ۹۷-۹۸ سال من بتوانم از کابل سوار قطار بشم و بروم بیروت آن وقت می‌توانیم بگوییم که یک گامی در جهت جهان اسلام و توسعه مناطق مرزی برداشتیم و تجارت‌هایی اتفاق می‌افتد. و برای سیاست‌های تریاک یک راه حلی پیدا کنیم و اگر راه حلی پیدا نشود قاچاق داریم، کولبر خواهیم داشت قاچاقچی خواهیم داشت شهید خواهیم داشت. بنابراین این راهی است که امیدوارم نسل جدید ما بهتر از ما برود. مقامات در این چهل سال تلاش‌های زیادی کردند ولی هنوز اول راهیم امیدواریم که این دستاوردهای گذشته بتواند در ده سال آینده نتیجه دهد.

دکتر احمدعلی گودرزی

فرماندهی مرزبانی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا)

تحت عنوان:

مرز، مرزبانان و مرزنشینان

در مرز های کشور ما که بیشتر مرز های آبی هست. در مرز های ما عمدتاً مذاهب مختلف از جمله اهل تشیع و تسنن سکونت دارند. اعتقاد مرزبانی بر این است که مرجع امنیت را، حاکمیت قلمداد می کند و حاکمیت مسئولیت امنیت کشور به ویژه مرز ها را برعهده داشته و استیفای حقوق مرزنشینان و دولت را در دستور کار خود قرار داده است. امنیت مرزهای ما از حساسیت بالایی برخوردار است اما باید امنیت مرز نشینان را از هر حیث (اقتصادی، اجتماعی، کشاورزی و سایر ابعاد) به صورت پایدار تامین کند تا بتوانند زندگی مسالمت آمیز خود ادامه دهند. البته منابع مرزی ما متفاوت است؛ در سیستان و بلوچستان به یک شکل است، در خراسان و یا حاشیه ی خلیج فارس و یا کوهستان ها به شکل دیگری است. پس مرزهای ما به انواع مختلفی تقسیم می شوند. مشارکت مرزنشینان برای ما توفیقی به حساب می آید و آنها را مرزبانان افتخاری خود می دانیم و حقیقتاً این را با همه وجود احساس می کنیم که امنیت مرزها بدون مشارکت مردم به دست نخواهد آمد. مسئولین کشور ما باید بستر های لازم را برای وجود زیرساخت ها و امکانات لازم را برای مرزنشینان کشورمان که خودشان مرزبان نیز می باشند فراهم کنند. یکی از وظایف ذاتی ما هم برای ایجاد امنیت برای همین مهم است که افراد بومی را با مطالعات مختلفی که وجود دارد تعلیم داده تا بتوانند از مواهب مختلفی که در آنجا وجود دارد استفاده کنند. مرزبانی در قالب نیروی انتظامی به مثابه یک نیرو تلقی شده و سال گذشته فرمانده کل قوا گسترش سازمان ما را افزایش دادند و از برجک شروع شده به پاسگاه، گروهان، هنگ ها و یگان ها با تراکم بیشتر در مناطق امنیتی با حساسیت بیشتری ایجاد کرده اند. اعتقاد ما امروز و راهبرد جمهوری اسلامی، توسعه پایدار و امنیت در مرز های کشور است. اگر مرزهای ما امنیت داشته باشند می توانیم این امنیت را به مرکزیت کشور هم بیاوریم. گسترش مرزبانی امروزه بر اساس تدابیر فرمانده کل قوا به مرزبانی ابلاغ شده است و گسترش معناداری هست. زیرا هیچ کشوری در هیچ زمانی به اندازه جمهوری اسلامی دشمن نداشته است. دشمنی بعضی از انسان ها با کشور مسلمان ما این است که ما آرمان گرا هستیم و برگشت به دین و حجاب و آزادی خواهی را در دستور کار قرار داده ایم و به خاطر همین است که تهدید داریم. پس باید تجهیزات خود را توسعه داده و هوشمند سازی مرز ها را در دستور کار خود قرار دهیم. لذا بر همین اساس خوشایند سازی محیطی پاسگاه ها و مقر های خود را در دستور کار قرار دهیم تا اقتدار سازمانی ما را که اقتدار حاکمیت ما است افزایش دهد و هم آستانه تحمل همکارانمان را افزایش دهیم که توسعه امنیت پایدار به وقوع بپیوندد. سربازان جمهوری اسلامی بویژه سربازان مرزبانی بدون هیچ چشمداشتی در شرایطی سخت از جمله آب و هوای متغیر و انسداد راه ها و ... در حال ارائه خدمت و تامین امنیت این کشور هستند. راه حل اساسی برای رسیدن به توسعه پایدار مناطق اجرای آمایش سرزمینی هم از حیث نظامی و سرزمینی و هم از حیث زمینی و توان اکولوژیک منطقه است. ما برای ارزیابی این موارد سالیانه تلاش می کنیم تا نیازهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی انسان های ساکن مناطق مرزی و بدور از مرکزیت کشور را فراهم کنیم تا بتوانند در این مناطق سرسخت از حیث زیست محیطی به زندگی خود ادامه بدهند. هر زمان ساکنین

مناطق مرزی در کنار مرزبانان ما هستند امنیت برقرار می شود. البته این به منزله این نیست که ما در مناطق زرد در حاشیه مرزها اجازه ورود افراد سودجو را بدهیم. اما در بعضی جاها به کشاورزان و مرزنشینان که از ساز و کار آنها آگاه هستیم و مورد نظارت مرزبانان هستند اجازه داده می شود که حتی در مناطق قرمز هم به فعالیت‌های خود ادامه دهند و این تهدید نیست بلکه فرصت و توفیق الهی است که امنیت مرزنشینان را به صورت حداقل قابل قبول و نسبی و نه صد درصد (زیرا امنیت صد در صد فقط مختص خداوند است) را برای مناطق مرزی به نحو مطلوب مدیریت بکنیم. ما بهترین توزیع جغرافیایی از حیث جمعیت و فرهنگ را در مناطق مرزی می دانیم. در مناطق خوش آب و هوا جمعیت بیشتر است و در مناطقی که شرایط سخت و امنیتی است متأسفانه سرمایه گذاری هم انجام نمی گیرد. اما مطلوب‌ترین توزیع جمعیت بحث فعالیت‌های سازمان یافته اقتصادی است که در حاشیه مرزهای ما انجام می شود. یا از حیث زیست محیطی برای تحقق این مهم که مرز در آنجا زندگی خود را انجام بدهند و ما نظارت بر مرزهای سرزمینی و حفاظت از آنها را بر عهده داریم. در قره باغ اختلافی که بین آذربایجان و ارمنستان وجود دارد برای یک گلوله که به کشور ما اصابت کند اعتراض می کنیم و به صورت شبانه روزی آنها را احضار می کنیم. این قدرت نظام مقدس جمهوری اسلامی است که ما فضای امنی را امروزه برای مرزنشینانمان فراهم کردیم. اعتقاد ما بر این است که روابط بین انسان‌ها و سرزمین در حوزه آمایش سرزمینی بسیار با اهمیت است. حجت در روابط انسان ها، قانون است. در هر کشوری با هر نوع حاکمیتی این قوانین وجود دارد و متاثر از آن امنیت نیز به وقوع خواهد پیوست. لذا امنیت روز به روز پایدار خواهد شد. امنیت و توسعه در کنار هم در آمایش سرزمینی اهمیت دارد. ما یک طرفه در حال تامین امنیت مرزهای کشور را اداره می کنیم و خیلی از کشورها در غرب و یا جنوب شرق ما مسئولیت اداره مرزهای کشورشان بر عهده نمی گیرند. لذا باید اساس کار خود در مرزبانی را رابطه امنیت و توسعه بدانیم. بر این اساس مطالعات نظری و تجربی زیادی را به دست آورده ایم و از تنوع و پیچیدگی مرزها اطلاع داریم و در دانشگاه علوم انتظامی پایان نامه های در این خصوص ارائه شده است. زیرا "توسعه" و "امنیت" پایدار در مرزها یک زنجیره ناگسستگی از یکدیگر هستند و کسانی که در مرز هستند این را درک کرده اند. ما ستون فقرات آمایش مناطق مرزی را در امنیت می بینیم. اگر ناامنی در محیط ایجاد شود و نفوذی در مناطق مرزی ببینیم امنیت بر هم خواهد خورد. اگر در مرزهای ما ناامنی اتفاق بیفتد تا عمق کشور ادامه پیدا خواهد کرد. مرزبانی جز نیاز نیروی انتظامی است اما اخیراً فرمانده معظم کل قوا فرموده اند: مرزبانی به مثابه یک نیروی دفاعی-نظامی است. ما در خط مقدم مبارزه با ناهنجاری‌ها قرار داریم. هر کدام از این مشکلات و ناهنجاری‌ها می تواند در آمایش مناطق مرزی تاثیرگذار باشد اما توسعه امنیتی و کشاورزی و دامداری پایدار برای ساکنین این مناطق بسیار امیدبخش خواهد بود. مرزها به مثابه ناموس کشور هستند و باید حفظ شوند. مناطق مرزی مفصلی برای ارتباط داخل و خارج از کشور محسوب می شوند. بین مرزنشینان و مرزبانان رابطه دوسویه وجود دارد. اما اجازه نخواهیم داد هر کس در این مناطق عرض اندام کند. ما باید تلاش کنیم پیوند بین توسعه و امنیت را روز به روز افزایش دهیم و به دنبال هوشمندسازی مرزهای خود هستیم. نظام آمایش سرزمینی ما بر اساس دیدگاه دفاعی به سه دسته ملی، منطقه ای و استانی است.

سخنرانی دکتر محمدرضا حافظ نیا

استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

تحت عنوان:

پایداری ابدی بنیان فلسفی مرزها

دلیل انتخاب این موضوع برای بحث مورد نظر این بوده است که برخی از صاحب نظران به خصوص در حوزه علوم اجتماعی نظریه هایی دادند که عمر مرز به پایان رسیده است، و مرز زدایی، سرزمین زدایی و جغرافیا زدایی صورت می پذیرد. پرواضح است که این ادعا مبنای علمی نداشته و بیشتر جنبه تخیل دارد و یا اینکه به اشتباه مفهوم و کارکرد مرز را درک کرده اند. واقعیت ها چیز دیگریست. آنطور که مطالعات نشان می دهد، مرز در جهان خلقت پدیده ای ابدی و دائمی است. بنابراین هیچ گاه مرز به مفهوم کلی آن یعنی به معنای حد جدایی پدیده ها و موجودیتها از بین نخواهد رفت و مرزها پایدار هستند. آنچه در هستی مرزها برای افرادی که متخصص مرز نیستند تشکیک ایجاد می کند، هستی و اصل وجود مرز نیست بلکه کارکرد مرزها هست. بلی، کارکرد مرزها متفاوت است و این کارکرد متناسب با شرایط تغییر میکند و افت و خیز دارد، حتی ممکن است به کلی مرز کنترل شود و اثر بخشی و کارکرد محدودی داشته شود. ولی اصل و هستی مرز از بین نمی رود. حتی با گسترش فناوری اطلاعات هم از بین رفتن مرزها اتفاق نخواهد افتاد. از نظر اینجانب، چند مورد به عنوان بنیادهای هستی شناسی و وجود پایدار مرزها مطرح است که آنها را در ادامه بحث بیان می کنم.

- ۱- **اصل تفاوت در نظام خلقت:** جهان بر اساس تفاوت آفریده شده است. در نظام جهانی خلقت، یگانگی وجود ندارد. پدیده ها و اشیا در این جهان متکثر اند. بنابراین نگرش های یگانه انگارانه در جهان خلقت وهمی و غیر واقعی است. این تفاوت ها چیزی را به رسمت می شناسد به نام مرز یا حد جدایی. بنابراین بر اساس اصل تفاوت در نظام خلقت که یک وجود پایدار و ابدی است، ابدی بودن مرزها در هر نوع، شکل و مقیاسی موضوعیت پیدا می کند.
- ۲- **اصل ذاتی سلسله مراتبی بودن فضاهای جغرافیایی:** ما در کره زمین و حتی ماورای کره زمین چیزی بنام هرم یا منشور فضایی داریم. کره زمین در سطوح مختلف به فضاهای خردتر و خردتر تفکیک و تجزیه میشود تا به نقطه یا مکان می رسد. یعنی کره زمین یک مقیاس کلی است و در رده های پایین تر تقسیمات فضایی داریم. مثل قاره ها و کشورها و در پایین ترین سطح مقر اشیا و یا نشستن انسانها. این نظام سلسله مراتبی فضا در جهان که در قاعده نظام و هرم، تعداد کثیری مکان و فضای کوچک و خرد وجود دارد به راحتی از یکدیگر جدا می شوند. یعنی مرز دارند. کشور مرز دارد، شهر مرز دارد، روستا مرز دارد، دانشگاه مرز دارد، مزرعه مرز دارد، کارخانه مرز دارد، منازل مرز دارند و...

۳- اصل رابطه اکولوژیک انسان با مکان و فضا: این واقعیت غیرقابل انکار ناشی از تجلی اندیشه و کنشی است که در وجود انسان ها چه به صورت فردی و چه به صورت گروهی وجود دارد، بنام کنش قلمرو سازی یا قلمرو یابی و یا قلمرو طلبی انسانها. تمام انسانها و موجودات زنده، قلمرو طلب هستند. زیرا برای زندگی و بقا، به فضای زیست احتیاج دارند. به عنوان مثال انسان هایی که در شهر زندگی میکنند به عنوان انسان شهری، قلمرو شهری خودشان را احتیاج دارند، و آنرا قلمرو خاص خودشان می دانند.

حد قلمروهای ادعایی افراد، گروهها و سازه های انسانی حد جدایی با دیگران میشود. یعنی همان مرز. بنابراین مرزها غیرقابل انکار هستند و همه انسانها در شکل فردی و گروهی، بر اساس اصل قلمرو طلبی برای خود حد قلمرو و مرز قائل هستند.

۴- اصالت داشتن منافع و منفعت طلبی انسان ها: همه انسان ها و موجودات زنده برای بقای خود منفعت طلب هستند، و دنبال منافع خودشان هستند. ارزش های موجود در قلمرو جغرافیایی و خصایص قلمرو جغرافیایی، حتی امنیت فضای جغرافیایی زیستگاه ارزش هایی هستند که به بقای گروه انسانی و سازه انسانی کمک می کنند. حیات و بقای انسانها به منافع متکی است. بنابراین منافع فردی و جمعی حریم ساز است. حریم منافع، در فضا مرز ایجاد می کند. تمام سازه های انسانی برای خودشان حریم و قلمرو قائل هستند.

سازه انسانی یعنی مجموعه یا گروهی از انسان ها که از روابط اجتماعی برخوردار است و به مکان و فضا جغرافیایی زیستگاه خودچسبیده است و با آن رابطه متقابل دارد. اینجانب به این مجموعه یا گروه، تحت هر هویتی که باشد (قومی، دینی، فرهنگی، زبانی، ملی، شهری، روستایی، سازمانی، کارکردی و...) سازه انسانی اطلاق می کنم. **هرسازه انسانی از سه نوع الگوی رابطه برخوردار است:**

- رابطه عمودی، که همان رابطه اکولوژیک است، رابطه ای که سازه انسانی با فضا و مکان زیستگاه خود دارد، و ماده و انرژی بین آنها مبادله می شود و عامل اصلی حیات و بقا و زیست سازه می باشد، و سازه انسانی نگرش و احساس عاطفی به آن دارد.
- رابطه افقی اجتماعی، یا همان روابط و ارتباطات اجتماعی درون سازه ای، که از گستردگی و تنوع برخوردار است.
- روابط افقی برون سازه ای، یا روابط متقابل با سایر سازه ها. در مقیاس ملت یا سازه های انسانی ملی از آن به روابط بین الملل تعبیر می شود.

۵- اصالت و وفاداری هویتی: همه انسان ها به صورت فردی و گروهی یا سازه ای، تمایل طبیعی و غریزی به ابراز وجود در مقایسه با دیگران دارند، و برای خودشان شناسه هویتی قائل هستند. خصیصه های هویتی از انسانها سلب شدنی نیستند. وفاداری هویتی و سرافرازی آن در برابر دیگران، موجب پیدایش نوعی از مرزها به نام مرزهای ذهنی و هویتی میشود. مرزهای ذهنی و هویتی در ذهن باقی نمی ماند و تجلی عینی و فضایی دارند. آنها در فضای فیزیکی منعکس می شوند و حریم ها را میسازند و سبب پیدایش مرزهای فیزیکی میشوند. اینگونه مرزها تاثیر زیادی بر الگوی روابط بین سازه ها دارند. بخصوص در مقیاس ملی و در روابط بین الملل بر نگرش، اندیشه و کنش ژئوپلیتیکی و سیاسی سازه های ملی (ملتها) نسبت به دیگران تاثیر شگرفی دارند.

۶- پایداری تهدیدات در زندگی بشر: تهدید پدیده ای نیست که در زندگی بشر به پایان برسد. همواره بشر به فکر این بوده است که تهدید را از بین ببرد، اما آنها پایدار هستند. بنابراین چون تهدید به عنوان یک پیش فرض مسلم در زندگی انسان ها مطرح است، هستی و نقش مرزها موضوعیت پیدا می کند. سازه های انسانی که احساس تهدید

می کنند و میخواهند از خود محافظت کنند به دور خودشان حصار و مرز میکشند تا امنیت خود در برابر مهاجمین را حفظ کنند. بدین ترتیب موجب پیدایش مرزها می شوند.

مرزها دارای دو ماموریت اولیه و ثانویه هستند. ماموریت اولیه و فلسفه وجودی مرزها، حفاظت و حراست از موجودیت و حیات سازه انسانی، زیستگاه سازه، منابع و ارزش های مورد توجه سازه انسانی است. ماموریت ثانویه مرز توسعه مراودات کنترل شده بین قلمرو ها، سازه ها و سیستم های سیاسی است. بنابراین توسعه مراودات که در کارکردهای مرز انعکاس پیدا میکند، افت و خیز دارد و تابع شرایط صلح و جنگ است. این امر منعکس کننده ماموریت ثانویه مرزها است.

ماموریت ثانویه مرزها تابع ماموریت اولیه آنها است. یعنی اگر تهدید جدی شود، دیوارهای مرز بالا کشیده می شود، و مرزها قد می کشند. اگر تهدید کاهش پیدا کند، و ضمانت امنیتی افزایش پیدا کند و سازه های انسانی همزیست شوند و امپریالیست ها بگذارند انسان ها با آرامش زندگی کنند، در آن صورت مرزها آرام خواهند بود و مراودات توسعه پیدا خواهند کرد. مانند اتحادیه اروپا، شورای همکاری خلیج فارس و...

در این حالت کارکرد امنیتی مرز در شکل کنترلی و بازدارندگی باقی می ماند. اما اقدام عملی انجام نمی شود تا سازه ها با همدیگر بتوانند براحتی ارتباط و مراودات داشته باشند. ولی اگر این اتفاق نیافتد و تهدید جدی شود، بلافاصله ارتباطات و مراودات کاهش پیدا می کنند و مرزها قد می کشند، چه تهدیدهای نظامی از نوع ستیز و جنگ باشند، چه از نوع تهدیدهای زیستی نظیر بیماری های پاندمی مانند کرونا و چه تهدیدات فضای مجازی باشند. پس باز و بسته بودن مرز و تغییر کارکردهای مرز بستگی به کم و کیف مرز و ماموریت اولیه مرز دارد. نه بر اساس تصور غلطی که در ذهن برخی از علمای علوم اجتماعی پیش آمده است. اگر آرامش و امنیت باشد، کارکرد و رنگ مرز کاهش پیدا میکند و دیوارهای مرزها کوتاه می شوند. اما اگر تهدیدات و ناامنی افزایش پیدا کند، دیوارهای مرزها برافراشته شده و سرعت قد می کشند.

نتیجه بحث اینکه شش مورد پیش گفته دلیل پایداری، به عنوان مبانی فلسفی و هستی شناسانه مرزها ایفای نقش نموده و ابدی بودن مرزها را در جهان خلقت و زندگی بشر تبیین و توجیه می کنند.

در اینجا به برخی منابع مرتبط با بحث مزبور اشاره می شود:

- مقاله تبیین فلسفه و کارکرد مرز در عصر وستفالیایی و جهانی شدن، (از محمدرضا حافظ نیا و ابراهیم احمدی: ۱۳۹۹).
- مقاله بحران کرونا و باز آفرینی نقش مرزهای بین المللی، (از محمدرضا حافظ نیا و ابراهیم احمدی، ۱۳۹۹).
- مصاحبه دکتر محمد رضا حافظ نیا با دبیرخانه همایش ابعاد نظری و کاربردی توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی با رویکرد آمایشی، (مهر ۱۳۹۹).
- کتاب آرا و اندیشه های دکتر محمدرضا حافظ نیا، (از دکتر سید عباس احمدی، ۱۳۹۶).
- کتاب مرزها و جهانی شدن، (از دکتر محمدرضا حافظ نیا و دکتر محسن جان پرور، ۱۳۹۲).
- مقاله بررسی الگوی ساختاری- فضایی ناجا از دیدگاه جغرافیا، (از دکتر محمدرضا حافظ نیا)، همایش ملی دانش و امنیت، دانشگاه شیراز، مهرماه ۱۳۸۹.

سخنرانی دکتر مجید فخری

رئیس سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح

تحت عنوان:

کاربردهای فناوری ژئوماتیک در توسعه و امنیت مناطق مرزی

سلام و تقدیر و تشکر از دست اندر کاران همایش سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح در دو حوزه تهیه اطلاعات مکانی و تهیه اسناد آمایشی بویژه با رویکرد آمایشی دفاعی مسئولیت هایی دارد و در سال های گذشته سعی کرده این مسئولیت ها را به خوبی به انجام برساند. البته همه می دانیم که خلا های زیادی در این حوزه وجود دارد. من عرایضم را با یک مقدمه در مورد آمایش شروع می کنم و در انتها دو پیشنهاد می دهم که امیدوارم مورد توجه قرار بگیرد. با توجه به مسائل و موضوعات بسیار ارزنده اساتید ارائه کردند موضوعاتی را مطرح خواهیم کرد که به نوعی جدید باشد.

آمایش مناطق مرزی نوعی برنامه ریزی راهبردی است که توسعه را با تاب آوری و امروز را با فردا پیوند می دهد. در این نوع برنامه ریزی توسعه و دفاع و امنیت لازم و ملزوم یکدیگر هستند آمایش مناطق مرزی با تحلیل تحلیل توامان شرایط جغرافیایی و طبیعی و اوضاع امنیتی و دفاعی بایستی راه حل های یکپارچه را برای انطباق اهداف دفاعی و امنیتی و توسعه ای فراهم کند. همانطور که سردار گودرزی اشاره کردند: امنیت و توسعه مناطق مرزی تضمین کننده توسعه و امنیت نواحی مرکزی است. تا زمانی که توسعه و امنیت در مناطق مرزی فراهم نشود در مناطق مرکزی با مشکل مواجه خواهیم بود. بویژه اینکه جمهوری اسلامی ایران با تهدیدات متنوع و متعددی در تمامی مناطق مرزی و پیرامونی خود مواجه شده که این نکته نیز توجه به مرز را حیاتی می نماید. مرزنشینان اولین حلقه زنجیره اقتصادی و دفاعی-امنیتی هستند. تحولات دوران معاصر بویژه دیدگاه دهکده جهانی ماهیت و اهمیت مرزها رو تحت تاثیر قرار نداده است و از اهمیت آن نکاسته است بلکه کارکرد های آن را دچار تغییر و تحول نموده است. همانطور که می بینیم شکل گیری اتحادیه ها، لغو روادید و رفت و آمد آزادانه بین بسیاری از کشورهای دنیا، توسعه روابط اقتصادی، شکل گیری شرکت های چند ملیتی و سازمان های مردم نهاد بدون مرز، موجب تحول کارکردی مرزها شده است. حکومت ها و دولت ها به موازات این تغییرات با ابزار های دیگری کنترل و اشراف خود را بر مرزها افزایش داده اند. یکی از ابزارها و سیستم هایی که می تواند کمک بکند سامانه ها و فناوری های ژئوماتیک است. امروزه در تمام دنیا بویژه کشورهای پیشرفته شاهد بکارگیری انواع و اقسام این سامانه ها برای مسائل توسعه ای و کنترلی دفاعی هستیم. امروزه با شیوع کرونا در دنیا رویدادهای جدیدی را در حوزه کنترل مرزها می بینیم. با شیوع این ویروس دولت ها در اولین اقدام، به تحدید حدود مرزهای خود پرداختند. به نوعی محدودیت هایی که در تردد های

هوایی، زمینی و دریایی ایجاد شد نشان داد که یکبار دیگر کشورها برای حراست، حفاظت و پایداری جامعه خود به حاکمیت ملی، استقلال سیاسی تمامیت ارضی اهمیت زیادی دادند. ویروس کرونا به نوعی مفهوم سنتی و عینی مرز را در جهان دچار چالش کرد و با بستن مرزها و محدودیت‌هایی که ایجاد شد و ارتباطاتی که قطع شد به نوعی حتی در کشورهای پیشرفته نقش کمرنگ شده مرزها را دوباره احیا کرد و نکاتی که تا قبل از این درباره جهانی شدن گفته می‌شد، مورد چالش قرار گرفت. احیای کارکرد دفاعی و بازدارندگی مرزها در راستای تامین امنیت و منافع ملی کشورها، از جمله اتفاقات جدی در فضای بین الملل است، کشورها با تشدید کنترل عبور و مرورهای مرزی و جلوگیری از اقدامات تروریستی و قاچاق و بویژه شیوع بیماری‌های واگیردار، از جمله کرونا دارند. این احیای کارکرد در زمینه‌های اقتصادی، کنترل مواد غذایی را در پی داشت. در زمینه اجتماعی سخت‌گیری در ورود به کشورها دیگر را داشت و در حوزه سیاسی فرهنگی هم به همین ترتیب. از نگاهی دیگر شیوع کرونا تعطیلی و رکود مشاغل، بسته شدن مرزها را داشت که موجب افزایش فقر و بیکاری در همه کشورها شد و اقشار آسیب پذیر را هدف گرفت و مردم مرزنشین به موجب فاصله ای که از کانون مرکزی کشورها داشتند در آماج این تهدید ویرانگر قرار گرفتند. به همین دلیل امروزه باید مرزها بیشتر مورد توجه باشند زیرا می‌توانند کانون همگرایی محلی، منطقه ای و بین المللی باشند و با این دیدگاه فرصت محور عامل ثبات، امنیت و توسعه پایدار شوند. نکته مهم این است که روند توسعه یافتگی در مناطق مرزی تعیین کننده مغناطیس کشش سرمایه‌های داخلی و خارجی است. این نکته ی مهمی است که هر چه مناطق مرزی توسعه یافته تر باشند سرمایه بیشتری به آن‌ها سرازیر خواهد شد و عقب افتادگی مناطق مرزی زنجیره‌ی پیوسته ای از مشکلات مثل فقر، قاچاق و نا امنی را به دنبال خواهد داشت. از مطالعه قانون اساسی و یا بیانات رهبر معظم انقلاب محتوای برنامه های توسعه کشور، بویژه برنامه‌های پنجم و ششم، برنامه‌های دستگاه‌های متولی مرز بویژه وزارت کشور اینطور بر می‌آید که وجود اسناد بالا دستی کافی برای توجه مرزی هست و ده‌ها کتاب و مقاله با رویکردی آینده نگرانه در حوزه مرزها تالیف شده است. ده‌ها همایش با موضوع توسعه پایدار مرز در این سال‌ها برگزار شده است و مسائل مرزی از هر منظری، مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. آمایش کشور با بکارگیری نخبگان کشور انجام شده است و آنچه لازم بوده در کتاب‌های چند ده هزار صفحه‌ای آورده شده است. سوال این است که چرا با این همه پشتوانه مطالعاتی، چالش‌های مناطق مرزی همچنان به قوت خود باقی است؟ و با گذشت ۴ دهه از انقلاب اسلامی و با توجه به تاکیدات رهبر انقلاب که گفتند به سراغ مرزها بروید، اگر به سراغ مرزها نروید، مرزها به سراغ شما می‌آیند. اکنون مشکلات عدیده مرزها گریبان‌گیر کشور شده است که البته به معنای کم کاری نیست اما این وضعیت درخور شان نظام جمهوری اسلامی ما نیست. بنظر می‌رسد خروجی این گونه همایش‌ها همچنان که در ابعاد نظری بسیار غنی هستند در حوزه پاسخ به این پرسش‌ها نیز باید متمرکز شود.

پیشنهادات

مانند خیلی از گروه‌های جهادی که در کشور هستند و کارکرد بسیار خوبی دارد، می‌شود این کار را در حوزه مرزها هم انجام داد که کارگروه‌های در استان‌های مرزی تشکیل شود و دانشمندان علوم جغرافیایی، نخبگان و خیرین در یک اقدام جهادی، به مناطق مرزی رفته و به بررسی مشکلات مناطق مرزی بپردازند و راهکارهای عملیاتی در این باره ارائه کنند تا این مسائل حل شود و نتیجه به مقامات سطح بالای کشور برسد.



۷ و ۸ آبان ماه ۱۳۹۹، دانشگاه فردوسی مشهد



-آقای دکتر صفوی نتایج و نکات راهبردی و آموخته‌های این همایش را جمع‌بندی کرده و در قالب یک بسته پیشنهادی به استحضار مقام معظم رهبری و ریاست محترم جمهوری برساند و پیگیری شود تا در همایش‌های بعدی دستاوردهای این همایش را بیان کنیم و هر سال عملکرد این کارگروه را به دانشمندان علوم جغرافیایی و مسئولین منطقه ای برسانیم.

آقای محمد صدیقی فر

سرکنسول جمهوری اسلامی ایران در هرات

الزامات عملیاتی در کاربرست سیاست همسایگی (با تاکید و تمرکز بر تغییر مفهومی کارکرد مرزها)

بسم الله الرحمن الرحيم؛

در ابتدا بایستی از برگزار کنندگان این همایش کاربردی مراتب تقدیر و تشکر خود را بیان کنم. برگزاری چنین همایشی مهم در این سطح، کاری دشوار و طاقت فرساست که دوستان بخوبی توانستند این مهم را انجام دهند. همانطور که مستحضرید، سیاست همسایگی موضوعی است که طی سالیان اخیر بصورتی ویژه و به عنوان یک راهبرد برای پیشبرد سیاست خارجی ج.ا.ایران مطرح بوده است و در همین چارچوب یکی از مهم‌ترین اهداف اصلی سیاست همسایگی، غیرامنیتی کردن روابط با کشورهای پیرامونی با گفتمان دوجانبه است.

با این نظریه کوتاه، سخنرانی خود را با طرح سوال و تعریفی از مفاهیم کلیدی آغاز می‌کنم.

آمایش نواحی مرزی/گذرگاه‌های مرزی با کشورهای همسایه چه نقش سلبی یا ایجابی را در توسعه سیاست همسایگی بعنوان یک راهبرد مطرح در سیاست خارجه ج.ا.ایران ایفا می‌کند؟

همچنین اگر مهمترین وظیفه حاکمیت را حفظ امنیت، استقلال و یکپارچگی سرزمین و اگر نتیجه سیاست خارجی را توسعه و تسهیل ارتباطات در حوزه بین‌الملل و رفاه اقتصادی مردم یک سرزمین بدانیم، شاید به نحو دیگری بتوان این سوال را مطرح کرد که؛

جمهوری اسلامی ایران برای پیشبرد سیاست خارجی در قالب سیاست همسایگی، چه کارکردی را باید برای مرزهای خود با همسایگان تعریف کند که بتواند ضمن حفظ تمامیت ارضی کشور بعنوان مهمترین کارکرد مرز، از آسیب‌ها و تهدیدات پیرامونی به توسعه و تسهیل ارتباطات در حوزه بین‌الملل به عنوان مهمترین وظیفه دستگاه‌های مجری سیاست خارجی کمک کند؟

برای پاسخ به این سوال، با توجه به دلایل مختلف؛ توسعه روابط با همسایه شرقی یعنی افغانستان را به عنوان نمونه پژوهشی و مصداق پیاده سازی مفاهیم نظری این موضوع، مورد بررسی قرار خواهیم داد.

فهم سیاست همسایگی:

سیاست همسایگی موضوعی است که در سالهای اخیر بصورت ویژه ای بعنوان یک راهبرد در سیاست خارجی ج.ا.ایران مطرح شده است. اما این سیاست چیست و چرایی حرکت سیاست خارجی ج.ا.ایران به این سمت و سو چیست؟ در خصوص چرایی حرکت بایستی به دلایلی نیز اشاره کرد:

○ اصولاً سیاست خارجی یک کشور از همسایه شروع می‌شود.

- ایران در کنار روسیه، چین و برزیل، پر همسایه ترین کشور دنیاست.
- گسترش روابط با همسایگان بر اساس اسناد بالادستی ج.ا.ایران همواره به عنوان یک اولویت در سیاست خارجی پس از انقلاب مطرح بوده و تحولات سال‌های اخیر بخصوص ادامه و افزایش تحریم‌های ظالمانه آمریکا؛ بیش از پیش اهمیت توجه به همسایگان را مشخص کرده است.
- تلاش قدرت‌های بزرگ برای یارگیری از بین همسایگان و منزوی کردن ج.ا.ایران و استفاده از جغرافیای این کشورها و تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران یکی دیگر از دلایل اهمیت دهی به موضوع همسایگان است.

اما مشخصات این راهبرد چیست؟

هدف عمده سیاست همسایگی، **غیرامنیتی کردن روابط با همسایگان** است- فرض غالب بر آن است که با عملیاتی کردن این سیاست، اختلاف و درگیری‌ها با همسایگان کاهش و روابط سیاسی و امنیتی، جای خود را به روابط اقتصادی و تجاری خواهد داد.

اما بایستی به این مهم نیز توجه داشت که همسایگی و موفقیت سیاست همسایگی، **موضوعی دوطرفه** است. از سوی دیگر، همسایگی، سیاست مرتبط با وزارت خارجه نیست بلکه سیاست کشور است.

از این منظر، سیاست همسایگی تنظیم روابط در همه حوزه هاست پس هرچند برای پیشبرد این سیاست، دیپلماسی فعال یک ضرورت است اما عملیاتی شدن سیاست همسایگی در ایران به دلایل مختلف کاری سخت و دشوار مینماید اما واقعیت این است که این سیاست **یک انتخاب نیست، بلکه یک اجبار است.**

در این چارچوب کلان، بایستی این مفروض را نیز مدنظر داشت که سیاست همسایگی مرزها را زایل نمی‌کند یعنی به پایداری آنها آسیبی نمی‌رساند. حتی اهمیت آنها را کم‌رنگ هم نمی‌کند بلکه سیاست همسایگی **کارکرد مرزها را تغییر می‌دهد.** در سیاست همسایگی، ایجاد امنیت پایدار و ایجاد ثبات از طریق پیوندهای اقتصادی و اجتماعی بعنوان کارکردی قالب معرفی می‌شود.

طی سخنرانی‌های روزهای گذشته، اساتید بزرگوار بحث‌های مفصلی درخصوص مرز و آمایش و کارکرد مرزی مطرح کردند اما من در اینجا میخواهم براساس چارچوب نظری از پیش گفته، به تغییراتی در مفهوم و کارکرد مرز همسو با نظریه سیاست همسایگی اشاراتی داشته باشم.

بطور مشخص طی ۲ دهه گذشته، شاهد تغییر بنیادین مفهوم مرز در حوزه مطالعات روابط بین‌المللی بودیم. در تعریف سنتی، مرز به پدیده‌ای گفته می‌شد که بازتاب دهنده قلمرو حاکمیت سیاسی یک دولت بوده و مطابق قواعدی خاص در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا و نشر افکار مانع ایجاد می‌کند. بنابراین، عامل مانع، در مفهوم سنتی مرزها، از مهمترین کارکردها بوده است.

در حال حاضر نیز، علاوه بر حفظ جایگاه گذشته، مفهوم سنتی مرزها با تحولاتی جدید دگرگون شده است. جهانی شدن و توسعه صنعت، تجارت، امور مالی و علوم و ... به این معناست که مرز علاوه بر حفظ ظرفیت و کارکرد مانع بودن خود، دچار دگرگونی مفهومی نیز شده است که حکمی پیشبرنده در جریان تعاملات همه جانبه در دو سویه مرز را بخود گرفته است.

در این میان، مرز افغانستان هم از لحاظ مانع بودن و هم از جنبه ظرفیت توسعه محوری؛ الگوی مفهومی قابل تاملی است که در هر دو جنبه، از جایگاه ممتازی برخوردار می‌باشد و می‌تواند بعنوان الگویی ثابت در کشور و حتی منطقه مورد مطالعه راهبردی قرار گیرد.

افغانستان ۴۰ سال است که درگیر موضوعات امنیتی است. حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای در کنار جنگ‌های داخلی، از این کشور، محلی برای ترور و ناامنی ساخته است. در این چارچوب و در واقعیت موجود، کارکرد امنیتی

مهمترین مسئله تعریف شده برای مرزهای شرقی بوده است اما موضوعی که باید مورد توجه قرار گیرد، ظرفیت بسیار بالای افغانستان برای توسعه همکاری با کشورمان است.

در یک نگاه کاربردی، علاوه بر اهمیت دهی به مسئله امنیت مرزی، بایستی نگاه ما به افغانستان نیز تغییر یابد زیرا این کشور، به گواهی آمار، دارای ظرفیتی بالقوه برای همکاری در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. در پاسخ به سوال مطرح شده که در ابتدای عرایض و بعد از تشریح مفاهیم سیاست همسایگی، کارکرد مرزها و افغانستان مطرح شد، اینک مایلم از راهکارهای عملیاتی در پیشبرد سیاست همسایگی در نمونه ارتباطی با افغانستان صحبت کنم.

افغانستان در این سال‌ها و علیرغم تلاش‌های بسیار؛ همچنان کانون بی ثباتی در منطقه است و می‌تواند بعنوان منشا تهدید برای ج.ا.ایران نیز همچنان قلمداد شود. پس اصلیتین کارکرد تعریف شده برای این مرز، همچنان کارایی خاص خود را دارد. با اینحال؛ همین افغانستان بی ثبات یکی از مهمترین شرکای ج.ا.ایران در حوزه روابط منطقه‌ای/اقتصادی با حدود ۳ میلیارد رقم صادرات کالا به این کشور است که این ظرفیت خود را بارها طی سالهای اخیر و بخصوص در شرایط افزایش فشارهای تحریمی و کرونا، بخوبی نشان داده است.

البته در این میان، با پارادوکسی مفهومی مواجه هستیم. از یکسو بایستی مسئله امنیت مرزی به لحاظ فیزیکی مورد توجه جدی و حتی بیشتر قرار گیرد و از سوی دیگر، بنابر ظرفیت عظیم ارتباطی، راهکارهایی جهت افزایش مبادلات توسعه محور انجام پذیرد.

در این خصوص نیز راهکارهایی جهت برون رفت از این پارادوکس معنایی طرح می‌شود.

- جمهوری اسلامی ایران بایستی تلاش نماید تا ظرفیت‌های کمک به حصول به صلح و از بین رفتن بسترهای ناامنی را فعال و در مبارزه با این پدیده به کشور افغانستان یاری رساند.
- همچنین، کمک به کاهش تولید مواد مخدر؛ جلوگیری از قاچاق و تردد غیرمجاز از طریق تغییر قوانین و توسعه سخت افزاری امکانات دفاع فیزیکی از مرزها از دیگر مواردی است که می‌توان بعنوان راهکارهای کمک به توسعه مفهوم امنیت محوری در مرزها به آن اشاره کرد.

در نهایت آنچه که برای پاسخ به سوال بنده در رابطه با کارکرد مرز مطرح است، این است که چه نوع اقدامات و کاربردهای عملیاتی ضروری است تا بتوانند با حفظ کارکرد دفاعی و امنیتی در منطقه ناآرام خاورمیانه، ظرفیت های خود را برای توسعه ارتباطات اقتصادی-اجتماعی فراهم کنند به نحوی که به کارکرد قدیمی و اصیل مرزها، که کارکرد امنیتی-دفاعی بود آسیبی وارد نشود؟

در پایان و بنابر توضیحات ارائه شده، به نظر می‌رسد بهره‌گیری از یک راهبرد ترکیبی در مدیریت مرز، که جنبه فرصت و تهدید را بصورت ترکیبی در مدیریت مرزی مدنظر داشته باشد؛ بعنوان راهکار و راهبرد مدیریت مرزی می‌تواند به این مهم کمک کند.

دکتر عیسی ابراهیم زاده
رئیس انجمن جغرافیا و مطالعات مرز
iebrahimzadeh@gmail.com

تحت عنوان:

تحلیلی بر متغیرهای تاثیر گذار و راهبردهای پایداری امنیت و توسعه در منطقه ی قومی - مذهبی جنوب خاوری ایران

چکیده

امروزه اهمیت مرزها و مناطق مرزی، ضرورت امنیت را ایجاب می نماید و جهت ایجاد امنیت مرزها، نقش قومیت های ساکن در حاشیه مرزها بسیار حائز اهمیت می باشد. ایران کشوری متنوع از نظر قومی است و ویژگی های متمایز کننده اقوام از یکدیگر در ایران بویژه بر مولفه های زبانی، مذهبی و نژادی متمرکز می شود. سکونت قومیت های ایرانی در مناطق مرزی و همجوار با کشورهای هم مسلک و هم زبان، خود زمینه مناسبی را برای وقوع بحران های قومی در این مناطق بوجود می آورد و مسئله توسعه نیافتگی مرزی نیز مزید بر علت می گردد، در عین حال افزایش بی رویه جمعیت در میان این اقوام و عدم توجه به این مسئله، می تواند عواقب ناگواری متوجه دولت مرکزی نماید. در حالی که اگر این مهم در سیاستگذاری ها و برنامه ریزی ها لحاظ گردد، با اتخاذ سیاست هایی راهبردی، می توان این گروه های قومی و مرزنشین را بیش از پیش به سوی مشارکت ملی سوق داد. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی تهیه گردیده و نتایج یافته ها نشان می دهد که با دور شدن از مرکز به سوی نواحی مرزی، توسعه نیافتگی بوضوح افزایش یافته که این خود می تواند عنصر واگرایی در مناطق مرزی را تقویت نموده و با لحاظ کردن رشد فزاینده جمعیت این نواحی، بر شدت بحران خواهد افزود. در ناحیه سیستان و بلوچستان در منطقه ی قومی - مذهبی جنوب خاوری ایران یکی از راهبردهای تاثیرگذار در چسبندگی ملی و بهره گیری از حضور و وجود گروه های قومی و مذهبی در شهرهای مرزی، اتخاذ سیاست امنیت و توسعه بطور همزمان و مکمل دانستن این دو می باشد که با انجام فعالیت های عمرانی و سرمایه گذاری زیربنایی از یک سو و رفع ناامنی و مبارزه با قاچاق از سوی دیگر در توسعه منطقه ای و همبستگی ملی تاثیر عمیقی خواهد داشت.

کلید واژه: ژئوپولیتیک قومی، امنیت و توسعه، شهرهای مرزی، اقوام سیستانی و بلوچ.

مقدمه

یکی از ویژگی‌های جوامع متکثر^۱، فراهم بودن بستر و زمینه کافی برای رقابت و طرح مطالبات و خواسته‌های مختلف از جانب گروه‌های مختلف سیاسی قومی است که در صورت عدم ساماندهی می‌تواند به تعارض و گسیختگی اجتماعی منجر شود. نظر به اهمیت هویت قومی در کنار توسعه ملی، جوامع هر چند همواره دارای نوعی وفاق اجتماعی و انسجام کلی هستند ولی افراد آن از نظر سن، جنس، شغلی، نژادی، قومی و مذهبی متفاوت از یکدیگرند و این تفاوت‌ها باعث ایجاد گروه‌های اجتماعی متنوع در این جوامع می‌شود، بنابراین هر جامعه‌ای جدا از فرهنگ عام و مورد قبول افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی، برخوردار از خرده فرهنگ‌هایی متناسب با وضعیت گروهی خود است. در عین حال هر قدر میزان هویت قومی افراد جامعه بیشتر شود، میزان هویت ملی و وفاق اجتماعی و میزان انطباق آنها با فرهنگ کل کمتر خواهد شد و افزایش هویت قومی تهدیدی برای وفاق اجتماعی و انسجام کلی محسوب می‌شود (مهرمند و همکاران، ۱۳۸۸: ۳). ایران کشوری متنوع از نظر قومی است و ویژگی‌های متمایز کننده اقوام از یکدیگر در ایران بویژه بر مولفه‌های زبانی، مذهبی و نژادی متمرکز می‌شود. این اقوام در ایران به شکل اقلیت‌های مشخص در مناطق و استانهای مرزی پراکنده شده‌اند. سکونت قومیت‌های ایرانی در مناطق مرزی غربی، شرقی، شمالی و جنوبی و همجوار با کشورهای هم‌مسلك و هم‌زبان، خود زمینه مناسبی را برای وقوع بحران‌های قومی در مناطق مرزی بوجود می‌آورد و مسئله توسعه نیافتگی مرزی نیز مزید بر علت می‌گردد. از سویی اهمیت مرزها و مناطق مرزی، ضرورت امنیت آنها را ایجاب می‌نماید و جهت ایجاد امنیت مرزها، نقش قومیت‌های ساکن در حاشیه مرزها بسیار حائز اهمیت می‌باشد. در عین حال آنچه که این جریان را شدت و گسترش می‌بخشد، افزایش بی‌رویه جمعیت در میان این اقوام می‌باشد که در صورت عدم توجه به این مسئله، ممکن است عواقب ناگواری متوجه دولت مرکزی گردد. در حالی که اگر این مهم در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها لحاظ گردد، با اتخاذ سیاست‌هایی که بتواند این گروه‌های قومی و مرزنشین^۲ را به سوی مشارکت ملی سوق دهد، می‌توان انتظار داشت که هویت ملی و احساس تعلق خاطر به سرزمین اصلی در آنها تقویت گردیده و در آن صورت حکومت مرکزی به جای تهدید فاصله گرفتن این اقوام از حکومت، از این تحولات جمعیتی می‌تواند به عنوان یک فرصت در جهت ثبات امنیت مناطق مرزی خود بهره‌گیرد. امروزه افزایش بی‌رویه جمعیت با توجه به ضعف امنیت و نگهداشت جمعیت (تثبیت جمعیت) در مناطق مرزی، افق بسیار پیچیده‌ای برای آینده نواحی حاشیه‌ای پدید آورده است. در دنیای آینده کشوری موفق خواهد بود که بتواند مشکلات جمعیتی خود را به حداقل برساند و با استفاده از راهکارهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و امنیتی بتواند جمعیت را به ماندن در نواحی مرزی و محل تولدشان علاقه‌مند نماید، از طرفی نواحی مرزی بواسطه دوری از مرکز، انزوای جغرافیایی و توسعه نیافتگی و غیره تفاوت‌های فاحشی از نظر برخورداری از رفاه و توسعه با مراکز عمده جمعیتی دارند، این تفاوت‌های عمده منجر به گسست این دو ناحیه و ایجاد یک رابطه استثماری به نفع مرکز می‌شود (محمدی و همکاران، ۱۳۸۴: ۲).

متغیرهای تاثیر گذار بر بهبود امنیت و توسعه در منطقه جنوب خاوری ایران

اصولا در منطقه جنوب خاوری ایران با دو نوع بحران که زمینه ساز عدم امنیت در این منطقه می‌باشد مواجه هستیم:

- ۱- شرایط تحمیلی محیطی یعنی خشکی زیاد و گرمای شدید که زندگی را سخت نموده و ادامه روند زندگی در چنین محیطی حیات ساکنین را تهدید می‌کند.
- ۲- بحران ناشی از بیکاری که مردم برای جستجوی شغل و رفع معاش زندگی مجبور به انجام فعالیت‌های غیرقانونی می‌گردند که این فعالیت‌ها بی‌شک نامنی‌ها و عواقب و اثرات سوء خود را بر چهره زندگی ساکنین منطقه خواهد گذاشت.

^۱ - Plural Societies.

^۲ - Frontiersman.

مطمئناً امنیت و جنبه عمومی آن با زندگی مردم ارتباط می یابد که دولت مجری انجام امور در این زمینه است و از سوی دیگر امنیت با سیاست ها یا تصمیمات دولت در ارتباط می باشد. بدین معنی که هر کشوری مسایل امنیت ملی خاص خود را دارد و فرصت و تهدیدات امنیت ملی را موقعیت جغرافیایی، میزان توسعه یافتگی، مسایل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن کشور تعیین می کند. در کشورهای در حال توسعه بطور عام و در ناحیه جنوب خاوری ایران بطور خاص، پدیده هایی مانند فقر، محرومیت، مسایل قومی، تجزیه طلبی، مسایل سیاسی مانند عدم وفاق نخبگان، اختلافات فرهنگی و غیره به عنوان مولفه های اساسی امنیت ملی قلمداد می شوند. به عنوان مثال، در یک کشور در حال توسعه، پدیده ای مانند تجزیه طلبی قومی^۳، این پتانسیل را دارد که با تلفیق تهدید خارجی، زمینه فروپاشی یا اضمحلال آن کشور را فراهم کند. بنابراین نارسایی های اقتصادی و اجتماعی مانند فقر، محرومیت، بیکاری، تبعیض در زمینه توسعه نیافتگی استان های مختلف کشور، طبقاتی شدن سطح زندگی مردم، رشوه خواری، فساد اداری و ... باعث می شود که همبستگی و وحدت ملی در کشور دچار سستی و ناهمگنی گردد و از طرف دیگر، وابستگی به خارج همراه با سایر تهدیدات، پیوندی میان آسیب پذیری های داخلی و تهدیدات خارجی ایجاد و در نهایت امنیت ملی به مخاطره افتد. براین اساس می توان گفت، استراتژی ملی ایران در زمینه توسعه و امنیت باید معطوف به این نکته باشد که سطح توسعه نیافتگی استان های محروم به سطح متوسط استان های برخوردار برسد، فقر و محرومیت کاهش یابد و سرمایه گذاری های تولیدی و صنعتی افزایش یابد تا هم زمینه های ذهنی تضعیف عدم همبستگی ملی از بین برود و هم در مسایل عینی، مشکلاتی را که بر کلان شهرها و کل کشور تحمیل کرده است از بین ببرد (مرادی، ۱۳۸۸: ۴). به عنوان مثال، در کلان شهری مانند تهران، عمده افرادی که از روستاها و شهرهای کوچک به آن مهاجرت کرده اند، با انگیزه اقتصادی بوده است. این مهاجرت موجب توسعه ناموزون شهری و ایجاد شهرک های غیرمجاز و غیرقانونی، افزایش فساد و فحشا و گسترش ناامنی های اجتماعی شده و می شود. حال اگر روند توسعه کشور اصلاح شود، یعنی امکانات سرمایه گذاری و تولیدی در همه مناطق کشور مطابق ظرفیت های جغرافیایی آن ها توزیع شود، هم میزان مهاجرت افراد از روستاها و مناطق محروم به شهرها و کلان شهرهای کشور کاهش می یابد و هم احساس تبعیض و عدم همبستگی ملی دچار دگرگونی می شود و این موضوع، زمینه را برای اعتماد بیشتر به حکومت و افزایش مشروعیت آن و در نهایت تقویت جبهه وحدت ملی در مقابل تهدید خارجی فراهم می کند. نتیجه منطقی مباحث فوق این است که فراهم ساختن زمینه های توسعه استان های محروم و با فاصله از مرکز سیاسی- اداری کشور مانند منطقه جنوب خاوری ایران، فواید و آثاری بسیار مثبت بر شاخص های امنیت ملی کشور خواهد داشت. تمام دولت ها به دنبال امنیت هستند، اما برخی امنیتی را تعقیب می نمایند که به شدت جاه طلبانه و همینطور بلند پروازانه است. "رابرت مک نامارا" معتقد است که امنیت یعنی توسعه، اما نه توسعه نظامی. درواقع امنیت نه زور است و نه فعالیت نظامی بلکه فقط توسعه است. برای تفهیم این موضوع و اینکه چه رابطه ای بین متغیر امنیت و توسعه برقرار است و سنجش میزان تاثیرگذاری و تاثیر پذیری این دو متغیر از هم، از چند متغیر دیگر که با دو متغیر « توسعه و امنیت» مرتبط می باشند می توان نام برد. در جهت پی بردن به اهمیت هم راستایی این عوامل در برنامه ریزی (به این معنی که این متغیرها در طول هم هستند و نه در عرض هم)، بطور پیشنهادی از یک نمودار دو متغیره X,Y کمک گرفته ایم. برای آنالیز ابتدا با توجه به اولویت به چینش آنها پرداخته و در نهایت به وزن دادن آن می پردازیم که به ما در دست یابی به جواب درست و قطعی کمک می کند.

نکته: تنها نکته ظریفی که در وزن دادن وجود دارد این است که چون هدف ما تأیید این فرض است که در توسعه این منطقه چه در برنامه ریزی و چه در اجرا باید به این متغیرها در کنار هم و باهم توجه گردد، پس از نظر اهمیت برای ما در یک سطح قرار دارند، بنابراین می طلبد که وزنی یکسان به تمامی متغیرها اختصاص داده شود تا ارتباط آنها بطور سیستماتیک در نتیجه انعکاس یابد. در ادامه و در نمودار ۱ و ۲ و نهایتاً شماره ۳ می توانیم نتیجه نهایی را مشاهده نماییم که وزن هر یک از متغیرها

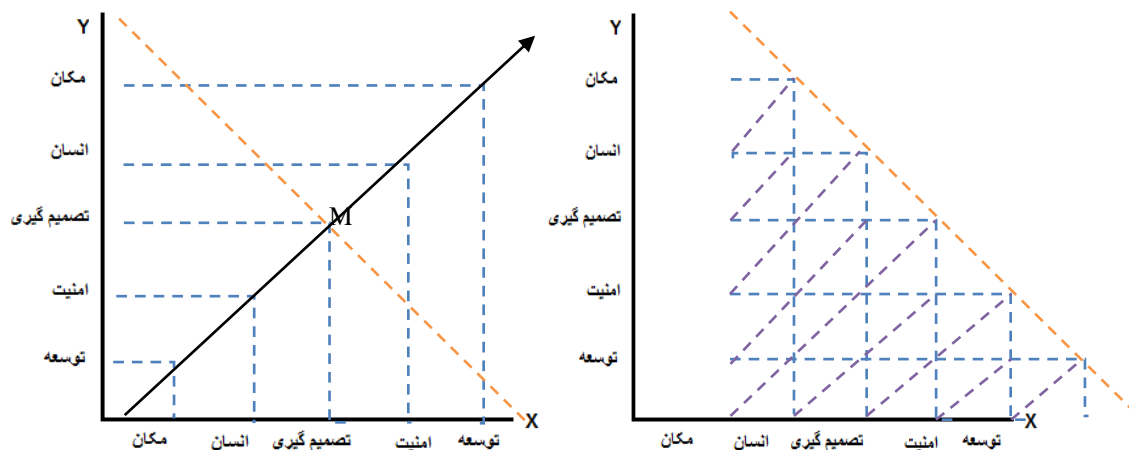
^۳ - Ethnic Separatism.

بصورت دایره ای شکل با شعاع یکسان تصویر شده است. متغیرهای تاثیرگذار عبارتند از: توسعه، امنیت، انسان، سیاست- گذاری ها، مکان.

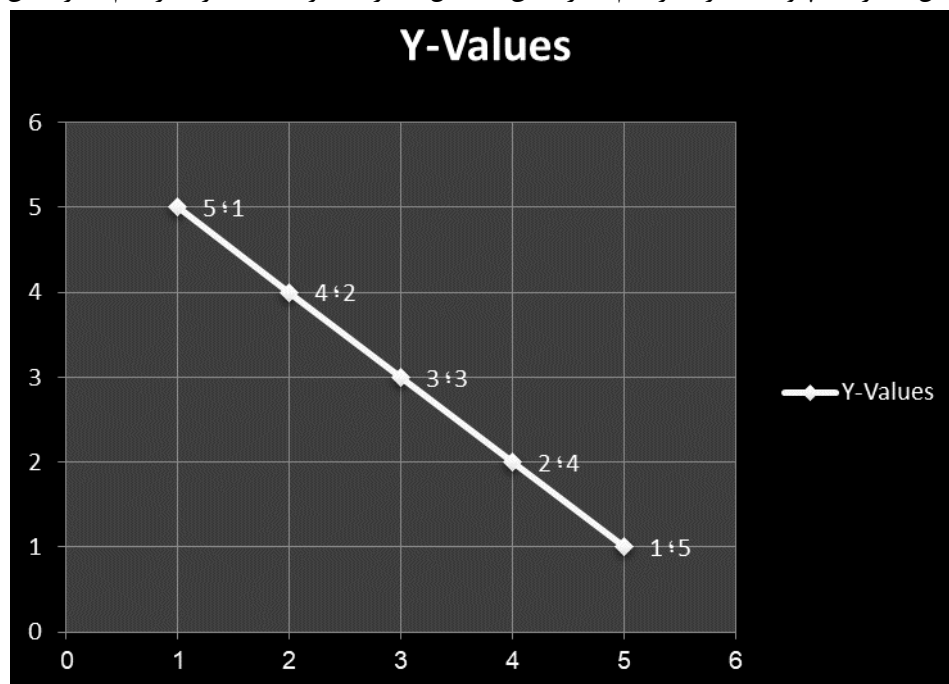
اولویت و ترتیب آنها بصورت زیر می باشد:

مکان — انسان — سیاست (تصمیمات) — امنیت — توسعه

حال باید بررسی نمود که این عوامل تا چه اندازه با هم مرتبط اند و از هم تاثیر می پذیرند؟ برای روشن شدن موضوع این موارد را بر روی نمودار پیوند، پیاده سازی می نماییم. بعد از مشخص نمودن متغیرها، می بایست، این عوامل را به ترتیب بر روی ستون های نمودار که محور X می باشد پیاده کنیم و درست در محور Y، عکس همان رابطه، یعنی از بالا به پایین پیاده می کنیم. چون معتقدیم که اهداف (چشم انداز ها) همیشه به سیر در طول زمان و افق توجه دارند، ولی آنچه که در راه رسیدن به آن اهداف انجام می گیرد همیشه در عرض ماجرا اتفاق می افتد. مانند آنچه که ما در شکل ۱ و ۲ مشاهده می کنیم.



شکل شماره ۲. پیوند متغیرها ترسیم: نگارندگان
شکل شماره ۱. ترکیب متغیرها ترسیم: نگارندگان



شکل شماره (۳). نمودار سلسله مراتبی معکوس. ترسیم: نگارندگان.

با ارتباط دادن هر یک از عناصر در دو سطر و ستون توسط خطوط به یکدیگر شاهد برقراری ارتباطی منطقی آنها با یکدیگر می شویم. آنچه که از همه مهم تر می باشد، اینست که در نمودار تنها در تصمیم گیری است که ما وقتی ارتباط را برعکس می کنیم باز هم از نظر سلسله مراتبی در جایگاه خود ثابت باقی می ماند که مشخص کننده حد، وسط و نقطه تعادلی در نمایش ارتباط بین متغیرها بوده و آن متغیر (تصمیم گیری یا سیاست گذاری) می باشد. حال اگر ما با کشیدن خطی بنام M دو سر محور را به هم وصل کنیم مشاهده می کنیم که رابطه بین سه متغیر برقرار می شود که سیاست (تصمیم گیری) حد وسط این دو جریان قرار می گیرد. این مهم نمایشگر این واقعیت که تصمیمات، نقطه هدایت گر و راهنما و عامل تعادل بخشی، در مسیر توسعه بین متغیر « توسعه و مکان» می باشد که همه آنها با امنیت رابطه مستقیم دارند.

رابطه بین سه متغیر: مکان → تصمیم گیری ← توسعه

در واقع تامین امنیت انسان ها در غالب سیاست امکانپذیر می باشد. با این تفاسیل آنچه که نمایان است نمودار دارای یک سیر صعودی می باشد، بطوری که در مرحله نهایی هنگامیکه در سطح بالای نمودار به توسعه دست پیدا کنیم در واقع توسعه مکان (محیط جغرافیایی) نیز محقق می گردد. بطور مثال تجربیات موفق بسیاری از کشورها و شهرها از جمله کوریچیا^۴ در برزیل که دارای شرایطی همانند شهرهای بزرگ و پر مسئله ایران بوده، با سه دهه تلاش هدفمند از شهری توسعه نیافته به شهری پیشرفته تبدیل شد و هم اکنون به عنوان الگویی موفق در نظام جهانی^۵ شهرسازی مطرح می باشد (موفقیت شهرسازان کوریچیا در توسعه حمل و نقل عمومی، بهبود شرایط محیطی و دستیابی به پایداری در زمینه های اقتصادی و اجتماعی خلاصه می شود). بطوریکه در مراحل آغازین رشد شهر، منطقه دارای اقتصاد متکی بر کشاورزی بود که به مرور، به اقتصاد صنعتی و تجاری تبدیل گردید. با این حال اجرای موفق یک سیستم حمل و نقل هدفمند بطور مشخصی به ساکنان در بدست آوردن منافع رشد حاصل از دسترسی مناسب به محل کار، مسکن، امکانات رفاهی، و سایر عناصر و اجزای شهری کمک بسیار کرده است (جهانشاهی، ۱۳۸۷: ۳۷). تجربه کوریچیا نشان داد که گام های کوچک در مسیر هدفی صریح و روشن در دراز مدت به تغییرات بزرگ منتهی می گردد. در واقع این تجربه نشان داد زمانیکه سیاست ها و برنامه ریزی حمل و نقل در ارتباط و هماهنگ با سایر سیاست ها و طرح توسعه شهری تدوین شود می تواند به ابزار مناسب جهت رشد و توسعه شهر تبدیل گردد. همچنین نمونه دیگر آن در منطقه سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۷۹ در غربی ترین منطقه دریایی استان (بندر تنگ)، پروژه احداث یک اسکله با مشارکت شیلات منطقه در دستور کار قرار گرفت و در سال ۱۳۸۱ فاز عملیاتی پروژه آغاز گردید که فعلا تقریباً به پایان رسیده است. در گذشته بدلیل نبود اسکله صیادان مجبور بودن تا بندر چابهار مسافت زیادی را طی و در آنجا صیدشان را به فروش برسانند. احداث اسکله مذکور مشکل ساکنین منطقه را برطرف نموده و در حال حاضر عده ای از ساکنین روستاهای اطراف در نزدیکی اسکله مذکور با احداث خانه هایی بصورت کپر سکنی گزیده و مردم منطقه این تصور را دارند که در آینده نه چندان دور منطقه مذکور تبدیل به شهر گردد (www.balochpayam.ir). در مثال فوق الذکر بمنظور درک تاثیر سیاست (تصمیم گیری ها) بر امنیت این سوال مطرح می گردد که چه عواملی سبب گردید که مردم به این منطقه حرکت کنند؟ با توجه به مباحث مطرح شده می توان اذعان نمود که این حرکت بسترسازی برای ایجاد فعالیت و زندگی و امنیت شغلی و اقتصادی، فوایدی از جمله بهبود وضعیت درآمد، ایجاد شغل، رفاه اجتماعی- اقتصادی و ... برای ساکنین روستاهای اطراف فراهم نموده است. نمونه مذکور از نمود کامل تاثیر و جایگاه تصمیم گیری های توسعه می باشد که در جهت اشتغال زایی و تشویق مردم به این منطقه در جهت کاهش انتخاب شغل هایی کاذب مانند قاچاق و فعالیت های بزه، در مکان با ایجاد امنیت شغلی و رفاه و زندگی سالم همراه با آسایش انعکاس می یابد.

^۴ - Curitiba.

^۵ - Global system.

راهکارهای پایداری امنیت و توسعه در منطقه ی قومی - مذهبی خاوری ایران

به نظر می رسد راه حل پایدار تامین امنیت در اینگونه مناطق (قومی - مذهبی)، تقویت هویت و اقتدار ملی می باشد. تقویت هویت ملی، از رهگذر پذیرش هویت قومی - مذهبی زیر چتر هویت ملی و احترام به فرهنگ و سنن مردم آن و تقویت اراده با هم زیستن می باشد. به عبارت دیگر تقویت اقتدار ملی، از رهگذر حفظ اقتدار درونی مردم و مشارکت دادن آنها در مراکز تصمیم گیری و زمینه سازی حضور آنها در عرصه های مربوط به سرنوشت آنها در ابعادی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و غیره بدست خواهد آمد. بطور خلاصه مشارکت مدنی مردم بطور مشترک و با فرصت های برابر در فعالیت های اقتصادی و نهادهای اجتماعی دوشادوش یکدیگر فارغ از قومیت و مذهب خود در تمام حوزه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی در ابعاد سیاسی و عضویت در احزاب ملی، هم شرط تقلیل شکاف قومی - مذهبی و هم نشانه حرکت به سوی افق های توسعه خواهد بود (حسینی، ۱۳۸۵: ۷). اینک برخی از راهکارهای پایداری امنیت و توسعه در این منطقه به شرح ذیل پیشنهاد می گردد:

- ۱- به انزوا کشیدن نگاه سخت افزارانه امنیتی.
- ۲- تقویت زمینه مشارکت مردم در امور مربوط به سرنوشت خود و تقویت نهادهای مدنی.
- ۳- تکمیل زیرساخت های اقتصادی و جلب و انباشت سرمایه های استانی و ملی.
- ۴- تهیه و اجرای طرح توسعه منطقه ای با استفاده از موقعیت و ظرفیت های استان (مثل ترانزیت کالا و توسعه بندرگاه).
- ۵- نگاه به مرز به عنوان یک فرصت و نه تهدید با تقویت مراودات اقتصادی و بازرگانی دو سوی مرز و تثبیت مرز نشینان.
- ۶- حمایت از قشر محروم و آسیب پذیر از طریق توزیع و تامین کالاهای اساسی و امکانات بهداشتی، آموزشی و تامین اجتماعی و کمک های گسترده در مقابل خشکسالی پی در پی.
- ۷- پرهیز از سیاست تبعیض آمیز قومی و احترام به آداب، سنت ها و افراد مورد قبول مردم و توسعه فعالیت های فرهنگی
- ۸- تلاش برای جذب و استخدام جوانان بومی منطقه جهت کاهش بیکاری شدید در منطقه.
- ۹- تشکیل نهادهای مدنی خصوصا شوراهای و ارتباطات باز دولت با نهاد های مردمی و نمایندگان مورد علاقه مردم، در این صورت مشارکت مردم به سمت واقعی شدن خواهد رفت و حس غریبگی کاهش و اعتمادها افزایش می یافت.
- ۱۰- ایجاد هم گرایی قومی با فراهم کردن بستر مناسب رقابتی، برای فعالیت های علمی و عمرانی منطقه.
- ۱۱- اولویت دادن به ترانزیت و بازرگانی، و اختصاص درآمد حاصل به تقویت سایر بخش های در استان.
- ۱۲- کاهش تفکر تندرانه قومی - مذهبی با بیرق تشیع و با داعیه دفاع از ولایت که از سوی برخی متعصبان مرکز کشور نیز حمایت می شود، زیرا متقابلا نقش عمده ای در تقویت تفکر بنیادگرایی مذهبی از نوع القاعده که آن هم داعیه دفاع از تسنن و یک قوم را یدک می کشد، دارد و بدین ترتیب به عنوان مانع بزرگی در جهت وحدت اقوام و مذاهب استان و ترمیم شکاف قومی - مذهبی عمل کرده است.
- ۱۳- تقویت قرائت عدالت خواهانه و مردم سالاری از تشیع به عنوان تنها قرائت مورد قبول جمهوری اسلامی ایران در منطقه
- ۱۴- ایجاد زمینه گسترش گرایش های نوگرایانه در مقابل گرایش های بنیادگرایانه اهل سنت استان (حسینی، ۱۳۸۵، ملک رئیسی، ۱۳۸۵، حافظ نیا و همکاران، ۱۳۸۵، ابراهیم زاده، ۱۳۸۹).

نتیجه گیری

امنیت ملی با توسعه و عدالت سرزمینی رابطه مستقیم دارد و نابرابری های توسعه بین مناطق مرکزی و پیرامونی می تواند شکاف های سیاسی را عمیق تر نماید. ایران کشوری متنوع از نظر قومی است و ویژگی های متمایز کننده اقوام از یکدیگر در

ایران بویژه بر مولفه های زبانی، مذهبی و نژادی متمرکز می شود. این اقوام در ایران به شکل اقلیت های مشخص در مناطق و استان های مرزی پراکنده شده اند. اگر این مهم در سیاست گذاری ها و برنامه ریزی ها لحاظ گردد، با اتخاذ سیاست هایی که بتواند این گروه های قومی و مرزنشین را به سوی مشارکت ملی سوق دهد، می توان انتظار داشت که هویت ملی و احساس تعلق خاطر به سرزمین اصلی در آنها تقویت گردیده و در آن صورت حکومت مرکزی به جای تهدید فاصله گرفتن این اقوام از حکومت، از این تحولات می تواند به عنوان یک فرصت در جهت ثبات امنیت مناطق مرزی خود بهره گیرد. این در حالی است که سیستم مرکز- پیرامونی در ایران منجر به برهم خوردن تعادل و توازن در توسعه میان بخش حاشیه ای و بخش مرکزی کشور گردیده و احساس عقب ماندگی از مسیر توسعه، در میان گروه های قومی- مذهبی بستر مناسبی را جهت تکوین عدم تعادل ها در این نواحی پدید آورده است. اما آنچه بیشتر از همه در رابطه با امنیت این منطقه و تاثیر آن بر امنیت ملی، باید مورد توجه قرار گیرد، میزان برخورداری از توسعه و منابع ملی و به طور کلی توسعه این استان در مقایسه با دیگر نواحی بخصوص بخش مرکزی کشور است. بنابراین تغییر نگرش بخش مرکزی نسبت به منطقه ی قومی- مذهبی جنوب خاوری ایران، برقراری عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثمرات توسعه ملی، تا اندازه زیادی می تواند به ایجاد حفظ و امنیت ملی و منطقه ای کمک نماید.

منابع و ماخذ

- ۱- ابراهیم زاده، عیسی، ۱۳۸۹، آمایش سرزمین و برنامه ریزی محیطی در جنوب شرق ایران، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۸۹.
- ۲- ابراهیم زاده، عیسی، ۱۳۸۹، امنیت و توسعه در مرزهای جنوب خاوری ایران و برنامه ریزی راهبردی برای آن، مجله اطلاعات سیاسی- اقتصادی سال بیست و چهارم، شماره ۲۷۳-۲۷۴.
- ۳- اسلامی، علیرضا، ۱۳۸۵، قومیت و ابعاد آن در ایران، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۳۴، صص ۲۱۱-۱۹۵.
- ۴- احمدی، حمید، ۱۳۸۲، هویت ملی ایرانی: بنیادها، چالشها و بایسته ها، مجله فلسفه، شماره ۶، صص ۵۲-۵.
- ۵- اطاعت، جواد، موسوی، زهرا، ۱۳۸۸، رابطه متقابل امنیت و توسعه یافتگی فضاهای سیاسی با تاکید بر سیستان و بلوچستان، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره اول، صص ۸۷-۸۰.
- ۶- بوند، داود هرمیداس، ۱۳۷۷، فرهنگ ایرانی و چالشهای برون مرزی، مجله اطلاعات سیاسی = اقتصادی، شماره ۱۳۰-۱۲۹، صص ۳۱-۲۰.
- ۷- پاپلی یزدی، محمد حسین، ۱۳۶۸، پیامدهای سیاسی، اقتصادی بلوچستان بدون نخلستان، تحقیقات جغرافیایی، ش ۱۳، صص ۳۴-۱.
- ۸- پیشگاه هادیان، حمید، ۱۳۸۵، امنیت مرزهای شرقی ایران، وزارت امور خارجه، معاونت پژوهشهای سیاست خارجی، گروه مطالعات استراتژیک.
- ۹- پیشگاهی فرد، زهرا، امید آوج، زهرا، ۱۳۸۸، ارتباط بین پراکندگی اقوام ایرانی و امنیت مرزها، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره اول، ۷۱-۴۸.
- ۱۰- توفیق، فیروز، ۱۳۸۵، برنامه ریزی در ایران و چشم انداز آینده، انتشارات موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- ۱۱- جهانشاهی، محمد حسین، ۱۳۸۷، توسعه ی پایدار شهری برپایه ی حمل و نقل عمومی، شماره ۲۶ و ۲۷، صص ۴۳-۳۴.
- ۱۲- چاوشی، اسماعیل، بهار ۱۳۷۶، بنیادهای تاریخی شهر و شهرنشینی در سیستان و بلوچستان، مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۴، صص ۴۲-۲۴.
- ۱۳- حافظ نیا، محمد رضا، کاویانی، ۱۳۸۵، نقش هویت قومی در همبستگی ملی (مطالعه موردی قوم بلوچ)، شماره ۲۰، صص ۴۶-۱۵.
- ۱۴- حافظ نیا، محمد رضا، ۱۳۸۱، جغرافیای سیاسی ایران، تهران، سمت.
- ۱۵- حافظ نیا، محمد رضا، جان پرور، محسن، مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۸۷، تاثیر جهانی شدن به ماهیت مرزها، فصلنامه علمی پژوهشی برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره چهاردهم، شماره ۳، صص ۵۴-۳۷.
- ۱۶- حافظ نیا، محمد رضا، رومینا، ابراهیم، ۱۳۸۴، تحلیل ظرفیتهای ژئوپلیتیک سواحل جنوب شرق در راستای منافع ملی (فضای مورد غفلت)، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۶، صص ۲۲-۵.
- ۱۷- حسین پاپلی یزدی، محمد، ابراهیمی، محمد امیر، ۱۳۸۷، نظریه های توسعه روستایی، انتشارات سمت.
- ۱۸- حسینی، سید محمود، ۱۳۸۵، سیستان و بلوچستان، نامنی و ریشه ها، مجله علوم سیاسی چشم انداز ایران، شماره ۳۸، صص ۱۲-۵.
- ۱۹- رحمتی، صفقادر، خادم الحسینی، احمد، محمدی فرد، علی، ۱۳۸۹، تحلیلی بر درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان سیستان و بلوچستان، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۹، صص ۹۷-۱۱۳.
- ۲۰- شکویی، حسین، ۱۳۸۲، اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا، انتشارات موسسه جغرافیایی و کار توگرافی گیتاشناسی.

- ۲۱- عزتی، عزت الله، احمدی سیلوه، جمال، ۱۳۸۹، تحلیل فضایی بحران قومیت در خاورمیانه، مطالعه موردی: کردهای ایران، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره دوم، صص ۲۹-۱۳.
- ۲۲- فلامکی، محمد منصور، ۱۳۸۶، نوسازی و بهسازی شهری، انتشارات (سمت).
- ۲۳- قوام، عبدالعلی، دهقان شاد، هوری، ۱۳۸۹، چگونگی استفاده از الگوهای ارتباطی برای برقراری نظم و امنیت شهروندان، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره اول، سال سوم، صص ۱۶-۱.
- ۲۴- مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۷۷، نگاهی به چگونگی شکل‌گیری مرزهای خاوری ایران، مجله اقتصاد، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۱۲۱ و ۱۳۲.
- ۲۵- محمدی، حمید رضا، فخر فاطمی، علی اکبر، ۱۳۸۴، نقش بازارچه مرزی در توسعه فضایی مناطق مرزی پژوهش موردی: بازار چه مرزی باجگیران، شماره اول، سال اول، صص ۷۶-۵۵.
- ۲۶- مرادی مریم، احمد صحرایی، ۱۳۸۹، تاثیر سیاستهای توسعه شهری و روستایی بر امنیت (با تاکید بر جنوب شرق)، همایش ملی جغرافیا، توسعه، امنیت با تاکید بر جنوب شرق ایران.
- ۲۷- ملازهی، پیرمحمد، ۱۳۸۳، موانع توسعه اقتصادی- اجتماعی اقوام ایرانی، بررسی موردی قوم بلوچ، مجموعه گفتارهای همایش علمی هویت ملی بررسی نقش اقوام، وزارت کشور، دبیرخانه شورای اجتماعی کشور.
- ۲۸- ملکرئسی، حسین، زمستان ۱۳۸۵، سیستان و بلوچستان، مدیریت و توان‌های محیطی، مجله رشد آموزش جغرافیا، دوره ۲۱، شماره ۷۷، صص ۲۵-۲۱.
- ۲۹- مهرمند، احد، اشرفی، سلطان، احمدی، حسین، عزیزی نژاد، بهاره، ماندگار، علی، ۱۳۸۸، بررسی جامعه شناختی میزان رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان آذری زبان شهر ارومیه، فصلنامه مطالعات اجتماعی، ۳۲، صص ۱۲۰-۸۹.
- ۳۰- نادری، حمدالله، جاهد، محمد علی، شیرزاده، میهن دخت، ۱۳۸۸، بررسی رابطه احساس امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی، مطالعه موردی: شهر اردبیل، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، صص ۸۷-۵۹.
- ۳۱- نبوی، سید عبدالحسین، حسین زاده، علی حسین، حسینی، سیده هاجر، ۱۳۸۸، بررسی تاثیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی، فصلنامه دانش انتظامی، سال دهم، شماره دوم، صص ۳۸-۹.
- ۳۲- نساج، حمید، ۱۳۸۷، جهانی شدن و هویت اقوام ایرانی، دو فصلنامه تخصصی پژوهش و سیاست نظری، شماره پنجم، صص ۱۵۶-۱۲۹.
- ۳۳- نصیری حسین، ستاری فر، محمد و احمدی، حمید، ۱۳۸۸، تعامل ملی، منطقه ای و جهانی راهبردی برای پایداری محور شرق، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۴، صص ۱۷۲-۱۴۱.

- ۳۴- <http://hamandishi.net>.
- ۳۵- <http://www.zamaneh.info>.
- ۳۶- <http://behsoro.blogfa.com>.
- ۳۷- <http://www.sb-ostan.ir>.
- ۳۸- <http://www.balochpayam.ir>.
- ۳۹- <http://www.pajoohe.com>.
- ۴۰- <http://tebyan-zn.ir>.
- ۴۱- <http://communications.blogfa.com>

دکتر محمد قصری

رئیس پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا

تحت عنوان:

آینده نگری به توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی بر پایه ی الگوی بیانیه ی گام دوم انقلاب

عرض سلام دارم خدمت همه‌ی حاضرین در جلسه؛ ابتدا وظیفه ی خود می دانم تبریک عرض کنم این ایام خجسته را و مفتخرم که در ماه ربیع در خدمت دوستان هستیم به ویژه در آغاز هفته ی وحدت هستیم و میلاد باسعادت پیامبر خوبی ها. آرزوی سلامتی می کنم برای تمام مردم جهان به ویژه مردم ایران، در این شرایط کرونایی که در دنیا پیش آمده است. ان شالله خداوند توفیق دهد که هر چه سریعتر شر این ویروس کنده شود. جا دارد که آرزوی علو درجات برای شهدای مناطق مرزی داشته باشم و هم برای کلیه ی عزیزانی که در دستگاه های مختلف در بخش توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی کار می کنند. تشکر ویژه داریم برای دست اندرکاران این همایش که دانشگاه فردوسی مشهد میزبان هستند و عزیزانی که در حوزه ی انجمن جغرافیایی، جناب آقای دکتر اعظمی و سایر عزیزان و دوستانی که در این دو روز هم ارایه ی گزارش داشتند و هم دوستانی که مقاله داشتند. در بین محورهای همایش یک محور اصلی وجود داشت بنام نقش کارگزاران و نقش بازیگران در عرصه ی مدیریت مناطق مرزی که در این بخش یکی از این کارگزاران را، مراکز علمی و پژوهشی معرفی کرده است. من به جهت شخصیت کاری که در حوزه ی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی دارم به نظر چند دقیقه ای برای دوستان حول این محور صحبت کنم. حالا من به پژوهشگاه خودمان نگاه می کنم؛ پژوهشگاه نیروی انتظامی درست است که وابسته به نیروی انتظامی است، ولی به جهت آن رسالتی که در ایفای نقش در محیط ملی هم، عنوان پژوهشی دارد می طلبد که در موضوع بحث امنیت و توسعه ی پایدار مناطق مرزی نه از این حیث که شاید یکی از بازیگران اصلی نیروی انتظامی در مرز باشد؛ بلکه به جهت اینکه در عرصه ی ملی دستگاه های مختلفی هستند که در این حوزه کار می کنند، یکی از نقش های خود را این قرار دهد که من چند دقیقه ای درباره ی این نقش صحبت می کنم. شاید این صحبت من بسترهای لازم را برای ورود سایر مراکز علمی و پژوهشی کشور به طور جدی در محیط امنیت و توسعه ی پایدار مرز فراهم کند. البته ممکن است این نکته مطرح شود که همین همایشی که در حال حاضر در دانشگاه فردوسی در حال برگزاری است و نشست های متعددی که با مشارکت صاحب نظران و اساتید محترم و محققین برگزار می شود، این خودش یک مصداق تعیین کننده ای برای وجود این نقش در عرصه ی توسعه و امنیت به حساب آید. من هم قبول دارم به ویژه اینکه در این خصوص در سال های اخیر هم این رشد را و این نگاه را ما با همت انجمن جغرافیایی و سایر حوزه هایی که در مرز مسئولیت دارند می بینیم. ولی با ملاحظه ای که من به محورهای متعدد و متنوع همایش داشته ام البته توفیق اینکه بتوانم تمامی مقالات را ببینم نداشته ام و لذا ارزیابی که دارم از نظر محورهای اصلی و فرعی همایش است؛ این تنوع محورها را که نگاه می کنیم در حین اینکه همه ی آن ها ضرورت دارند، و محورهای بسیار خوبی است ولی موضوع آینده نگری و نگاه آینده در بخش توسعه و امنیت پایدار مناطق

مرزی کمتر مشاهده می شود. البته طبیعی است که در تمامی محورها می شود مدعی شد که نگاه به آینده مستتر هست و تحقیق و پژوهش با رویکرد نگاه به آینده انجام می شود. ولی آینده‌ای که من مد نظر دارم و جای آن را در محورهای همایش کمرنگ می بینم آینده نگری ملموس تری است از چیزی که در حال حاضر در محورهاست. این آینده نگری در کشور هم جایگاه دارد. ادبیات نگاه به آینده در حال حاضر خودش را نشان می دهد. مثلا چشم اندازهایی که به افق های مختلف چه ۱۴۰۴ یا ۱۴۱۴، یا حتی بزرگتر که ترسیم می شوند می بینیم این ها همه برای بسترسازی آینده نگاری ها و برنامه ریزی های کلان آینده تعریف می شوند. سیاست‌های کلان، برنامه‌های پنج ساله و حتی طرح آمایش ملی ۱۴۲۴ را در دستور کار داریم. این برنامه ی آمایش ملی یک بخشی از آن به بحث های دفاعی و امنیتی بر می‌گردد. همین بخش را هم جناب آقای دکتر صفوی در گذشته مدیریت کردند و فعال بودند. من نگاهم به آینده از جنس همین برنامه‌ریزی‌های بلند مدت هست. به نظرم رسید که ما همین طوری که الان این موضوع را رهبر معظم انقلاب در سطح نظام جمهوری اسلامی ایران با ادبیات بیانیه ی گام دوم ساری و جاری کردند، در حوزه های دیگر دنبال نماییم. تقریبا دوسال پیش بود که در سالروز چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی ما شاهد صدور بیانیه ی جامع و هوشمندانه ای بوده ایم که به نام بیانیه ی گام دوم مطرح شد و شاید از جمله مواردی بود که حضرت آقا تاکید فرمودند: بنا ندارم هرچه را که می‌گویم؛ تاکید کنم حتما کار شود ولی در این مورد خاص اصرار دارم که روی این موضوع کار شود. اهمیت این موضوع سبب شد که ما در پژوهشگاه نیروی انتظامی یک سرفصلی را باز کنیم تحت عنوان "نهادینه سازی گام دوم انقلاب؛ به طور مشخص در محیط امنیتی". وقتی چنین کاری را ما شروع کردیم طبیعی است که به نظرم رسید که اگر شرایط فراهم باشد با کمک دوستان می‌شود این نگاه را حتی در موضوعی مثل امنیت و توسعه ی پایدار مناطق مرزی هم داشته باشیم. لذا صحبت خودم را روی این موضوع متمرکز می‌کنم و حالا که در آخرین ساعات همایش هستیم این را به عنوان یک پیشنهاد در صحبت خودم عرض کنم. شاید این پیشنهاد نیازمند و برنامه ریزی خاص خود را داشته باشد که بتواند با محوریت و همکاری پژوهشگاه نیروی انتظامی، انجمن جغرافیایی و دانشگاه هایی که در این حوزه علاقمند هستند، فرمانده ای مرزبانی و نیروی انتظامی کار مشترکی در این مرحله آغاز شود و ما بتوانیم به موضوع امنیت و توسعه ی پایدار هم با ادبیات و رویکرد گام دوم نگاهی داشته باشیم. حالا اگر بخواهیم این کار را انجام دهیم من چندین محور را در صحبت هایم قرار داده ام که این محورها می تواند هم مدخل هایی باشد برای ورود به این بحث؛ هرچند که معتقدم کار بزرگ برای دوره ی چند دهه یا چهل ساله نیاز به مقدمات مناسب دارد. شاید در این همایش هم اگر محوری قرار داده می شد تحت عنوان "درآمدی بر امنیت و توسعه ی پایدار مناطق مرزی در گام دوم" شاید می توانست یک نقطه ی آغازی باشد برای اینکه در سال آینده یک همایشی با همین عنوان داشته باشیم که رده های علاقمند به ویژه مراکز علمی و تحقیقاتی تمرکز خود را در این موضوع در یک نگاه بلند مدت ارائه کنند.

حالا چرا چنین چیزی را تصویرسازی می‌کنم؛ در بحث نگاه به امنیت و توسعه ی پایدار مناطق مرزی به آینده و آن هم با رویکرد بیانیه ی گام دوم چند تا کلیدواژه را باید تامل کنیم. اول بحث خود مناطق مرزی یک مفهوم تقریبا شناخته شده‌ای است. نه در چند سال اخیر حتی در دوره‌های نظام های مختلف، حکومت های مختلف و در سده های مختلف همیشه منطقه ی مرزی مفهوم کاملا شناخته شده بوده است. از دوران باستان وقتی تاریخ را می بینیم برای مناطق سرحدی طبیعتا نیروهایی را تعریف کردند، این سرحدات را مدیریت کردند. این مناطق مرزی امروز به ویژه در این یکی دو دهه ی اخیر می بینیم تحولاتی در مفهوم آن اتفاق می افتد. بدیعی ترین شکل مناطق مرزی مناطق مستقر شده در جغرافیای طبیعی است؛ سرحدات؛ کوه ها، رودخانه ها و زمین هایی که تعیین کننده ی حد فاصل دو نظام سیاسی است. این از قبل بوده و الان هم وجود دارد. و نمی توانیم بگوییم این مفهوم به کنار رفته است. این مفهوم قطعا هست و سال های آینده هم خواهد بود. مگر آنکه مانند کشورهای اروپایی نگاهی داشته باشیم به اتحادیه‌ها. آنان مرزهای زمینی خود را با یک ضوابطی نه به صورت کامل برمی دارند، روایت را بین خود منتفی می کنند. حتی آن ها هم که به نوعی مرزهای زمینی خود را کمرنگ می کنند در جای

خود اهمیت لازم را برای مرزهای طبیعی قائل هستند. این مرزهای طبیعی یکی از انواع مرزها هست که می بایست هم به توسعه ی آن توجه شود و هم به امنیت پایدار آن. امروز در کنار این نوع منطقه ی مرزی ما می بینیم مرزهای دیگری هم الان بروز و ظهور پیدا کرده اند و حتی جای مناطق مرزهای طبیعی را می گیرد. مرزهای فرهنگی، مرزهای اقتصادی، مرزهای سیاسی که تعریف آن تابعی از مرزهای طبیعی هست، این مرزها به گونه ای در حال حاضر در حال رشد هستند که مفهوم مناطق مرزی به معنای طبیعی را کمرنگ می کند. امروز می بینیم که مرزهای اقتصادی ما مورد تهدید واقع شده است و به راحتی با حملاتی که به این مرزها صورت می گیرد مثلا ارزش پولی کشور را بالا پایین می کند و این به نوعی تصرف در حدود مرزها به حساب می آید که شاید ما در گذشته نمونه ی آن را با اشغال سرزمین می توانستیم توجیه کنیم. یا مثلا مرزهای فرهنگی.

بنابراین اگر ما بخواهیم به آینده ی مناطق مرزها نگاه کنیم اول از همه باید توجه داشته باشیم به این که مفهوم مناطق مرزی را آیا فقط در چارچوب همین مفهوم سنتی نگاه کنیم؟ یا اینکه مرزهای دیگر هم مدنظر می تواند قرار بگیرد. می بایست در چنین همایش هایی که برگزار می شود دامنه ی مفهوم مناطق مرزی از حوزه ی جغرافیای طبیعی و مرزهای سیاسی به انواع مختلفی از مرزهای دیگر که می تواند برای کشور و حفظ آن حیاتی باشد توجه داشته باشیم. اگر بخواهم بیانیه ی گام دوم انقلاب را به مسئله منتقل کنم ما به بیانیه ی گام دوم در آنچه که صادر می شود از طرف مقام معظم رهبری، بیانیه ی گام دوم جمهوری اسلامی می باشد یعنی نظام جمهوری اسلامی را هدف قرار می دهند و نظام را زیر ذره بین می بینند و گذشته ی نظام را در چله ی اول مورد بررسی قرار می دهند و نهایتا بعد از تحلیل آن نتیجه گیری هایی در مورد قابلیت ها و محدودیت های موجود می کنند و با اتکای بر این قابلیت ها و دستاوردهای چله ی اول، افق سازی هایی را برای آینده و به تعبیری برای چله ی دوم انقلاب انجام می دهند و در انتها بیان می دارند اگر قرار باشد ما به افق ترسیم شده برسیم الزاماتی وجود دارد. به عنوان مثال باید علم و پژوهش بیشتری داشته باشیم، به سبک زندگی توجه داشته باشیم، به اقتصاد پردازیم. این گام دوم در تراز جمهوری اسلامی است که حتی می تواند مستقل تر شود که حتی از مرزهای جمهوری اسلامی به منطقه هم گسترش پیدا کند. مقاومت اسلامی را در برگیرد و حتی بحث های دیگر.

اگر بخواهیم یک سطح پایین تر بیاییم و حالا اگر جمهوری اسلامی قرار است به این افق گام دوم برسد آیا این گام دوم را می توان برش های ساختاری بنزیم و بگوئیم یکی از شرایط آماده شدن برای استند دوم برای جمهوری اسلامی ایران این هست که نهادها و ساختارهای کشور هم به این افق گام دوم خود بر اساس همین ادبیات نگاه بکنند. در حال حاضر در پژوهشگاه نیروی انتظامی این کار را آغاز کردیم. اگر قرار باشد نیروی انتظامی نقش مناسبی را در دستیابی جمهوری اسلامی به گام دوم ایفا کند می طلبد خود در چارچوب همین ادبیات یک گام دومی برای خود ترسیم کند براساس آن افق ترسیم کند و بر اساس افق، الزاماتی را برای سازمان تعیین کند تا بتواند متناسب با این الزامات به گام دوم انقلاب برسد. که اگر به آن نقطه رسید می تواند بگوید حالا رسیدیم به جایی که نیروی انتظامی یک نظامی هستیم در مسیر تحقق آن. یا مثلا اگر جمهوری اسلامی را یک نهاد در نظر بگیریم امنیت را به عنوان یک مولفه ی موضوعی در نظر گرفت. آیا مقوله ی امنیت صرف نظر از اینکه نهاد برقرار کننده ی آن فقط نیروی انتظامی است یا سایر دستگاه های موثر در امنیت هم موثر هستند؛ خود این امنیت و چله ی اول انقلاب چه بوده و به کجا رسیده است. چه دستاوردهایی داشته است. امروزه امنیت در جمهوری اسلامی با چه محدودیت هایی مواجه هست و چه قابلیت هایی دارد و برای امنیت چه تصمیم گیری هایی را می توانیم داشته باشیم برای چله ی دوم انقلاب.

یا حتی نهادها را برش دهیم مثلا آیا مناطق مرزی ما چه از حیث موضوع که موضوعیت دارد و چه از حیث نهادها برقرار کننده ی امنیت اجتماعی یا نهادهای تاثیر گذار در توسعه ی آن مناطق آیا نباید یک نگرش آینده نگرانه ای نسبت به این محیط نهادی یا موضوعی برای گام دوم داشته باشند؟ یک مطالعه ای انجام شود که در چله ی اول انقلاب چه کارهایی انجام

شد، چه دستاوردهایی عمده ای داشته اند، چه تجاربی داشته اند. امروز این نهاد و موضوع چه قابلیت ها و محدودیت هایی را دارد و چه افقی را می تواند برای خود ترسیم کند. این برش بخشی یا برش های مختلف می تواند در ابعاد و اقسام مختلف توزیع شود حتی می تواند به واحد کوچک ساختاری نیروی انتظامی را در بگیرد مثلا فرض بگیرد کلانتری امروز یک واحد ساختاری است که در آن جغرافیای خود یک ایفای نقش نیروی انتظامی کل را می کند. این کلانتری چه بوده است در چله ی اول انقلاب و قبل از انقلاب چه بوده است. در طول این چهل سال چقدر تغییرات در آن ایجاد شده است چه رشدی کرده، قابلیت ها و محدودیت های آن چه چیزهایی هست و چه افقی را می توان برای آن ترسیم کرد و برای رسیدن به این افق چه الزاماتی لازم هست.

اگر این ها را کنار بگذاریم و نتیجه گیری کنیم؛ یک مفهومی به نام مرز با دامنه ی وسیع که عرض کردم از مرزهای طبیعی گذشته به مرزهای جغرافیایی بسنده نمی کند بلکه وارد مرزهای نرم شده؛ فرهنگ و رسانه و همه ی این موارد را می تواند برای خود تعریف کند. آیا این ها نمی توانند در تراز سطح جمهوری اسلامی یک نگاه آینده نگارانه برای محیط خود داشته باشند که در کنار تمام این فعالیت های کاربردی که در حال انجام هست به نوعی این تصویر بتواند بستر ساز چشم اندازهای آینده ی آنها در افق های پنج ساله، ده ساله و یا حتی بیست و پنج ساله باشد. تقریبا به عنوان یک نقشه ی راهی که بتواند برای ما ایفای نقش کند برای این طراحی های بلندمدت. یکبار دیگر ادبیات بیانیه ی گام دوم انقلاب را مرور می کنیم. رهبر معظم انقلاب در گام دوم که ترسیم می کنند و اعلام می کنند شخصا خودشان چند روز بر روی آن وقت می گذارند چند مولفه را در نظر می گیرند. اول یک بررسی دقیقی در چهل سال اول انقلاب می کنند که در چهل سال اول انقلاب جمهوری اسلامی چه گذشت. همین را می توان به نوعی در حوزه ی مناطق مرزی این بررسی را داشته باشیم. که مناطق مرزی هر چند که یک مفهوم ثابت کم تر تغییر یافته ای در حوزه ی جغرافیای طبیعی محسوب می شود ولی می توانیم روند تکاملی آن را از ابتدای انقلاب با مقایسه ای که شرایط قبل از انقلاب داشت فراهم کنیم و این مقایسه را بتوانیم به آنجا برسانیم که از درون آن دستاوردها را خارج کنیم و بگوییم دستاوردهای مناطق مرزی یا دستاوردهای امنیت مناطق مرزی یا دستاوردهای توسعه ی مناطق مرزی در چله ی اول انقلاب چه چیزهایی است. که بتوان با اتکا به این دستاوردها جسارت پیدا کنیم گام های بلندی را برداریم برای چهل سال دیگر، که آیندگان بتوانند با بررسی این چهل ساله ی دوم افق دستاوردهای این دوره را بتوانند بدست آورند. مولفه ی بعدی در ادبیات گام دوم انقلاب، مطالعه ی وضع موجود هست. مطالعه ی واقع نگر است نه یک مطالعه ی ارزشی احساساتی که بخواهیم فقط از کارهایی که انجام شده صحبت شود. مطالعه ای از وضع موجود که منجر به قابلیت های امروز این مولفه ها در سطح نظام شود. مرز امروز ما در مفاد مختلف چه سیاسی و چه اقتصادی، چه فرهنگی، چه طبیعی چه وضعیتی دارد؟ چه قابلیت ها و محدودیت هایی دارد؟ چه از نظر سرزمینی چه از نظر ژئوپلیتیکی. این قابلیت ها را بدست می آوریم. قطعا محدودیت هایی داریم در این شرایط که این محدودیت ها اگر خوب درک نشود ما افق هایی ترسیم خواهیم کرد بدون واقعیت. ما باید بتوانیم قابلیت و محدودیت های مناطق مرزی را احصا کنیم و اعتبار سنجی کنیم با استفاده از آرا و نظرات خبرگان تجربی و علمی دانشگاهی و مبنای عمل قرار دهیم. گام و مولفه ی سوم در ادبیات گام دوم بیانیه، تصویر سازی افق هست. برای تصویر سازی افق شاخص هایی لازم است. اسنادی لازم است که به آن تکیه کنیم. حالا کار ما راحت تر از ریاست جمهوری اسلامی می باشد؛ چرا که جمهوری اسلامی یکسری اسناد تعریف کرده و ما می توانیم از درون اسناد افق سازی های خودمان را در بخش های مختلف انجام دهیم. یعنی نیروی انتظامی می تواند برای خود، افق های موجود در سیاست های کلان جمهوری اسلامی در بخش امنیت را مینا قرار دهد و افق سازی نماید. جمهوری اسلامی یا نهادی که در امر توسعه و امنیت ملی امروزه مسئولیت دارد در ابعاد مختلف با اتکا به آنچه که توانست در چهل سال اول انقلاب انجام بدهد با اتکا بر قابلیت هایی که امروز دارد و با ملاحظه ی محدودیت ها و واقعیت های کار امروز چه تصویری می تواند برای چهل سال آینده ی خود در مسیر موفقیت جمهوری اسلامی که آرزوی همه می باشد ترسیم نماید. این افق برای جمهوری اسلامی

در گام دوم به نوعی ترسیم شده است و می تواند برای امنیت کشور ترسیم شود که الان ما در دستور کار خود داریم. و نزدیک یک سال و نیم هست بر روی این موضوع کار می کنیم. برای آن مشوق هایی گذاشتیم. این تصویر سازی برای امنیت مناطق مرزی هم می تواند باشد. در مجموع زمانی که افق را شناختیم باز با همین ادبیات بیانیه گام دوم که رهبر انقلاب می فرمایند: رسیدن به این افق امکان ندارد مگر آنکه این ملاحظات را در نظر بگیریم. سبک زندگی را مدیریت کنیم؛ اقتصاد را توجه کنیم؛ و بسیاری موارد دیگر که بدلیل کمبود وقت به آن نمی پردازم. حالا این افق در مناطق مرزی از منظر توسعه و امنیت پایدار چه الزاماتی دارد. اگر ما فرض کنیم که بسیار خوب افق را ترسیم کردیم حال الزامات رسیدن به افق چیست؟ طبیعتاً یک چنین کاری اولاً هم نیاز به حوصله و دقت دارد و با عجله نمی شود انجام داد. چون مثل تمامی اسنادی که در طول سال های گذشته تولید شد و امروزه وجود دارد و عمدتاً بدرد نمایشگاه ها می خورد و ویتترین های آن حوزه می شود. برای اینکه چنین انفاقی نیافتد نباید عجله کرد و نباید فرصت سوزی کنیم. ما باید کاری کنیم که با کار مشترکی که امروز مخاطب من این همایش هست و مخاطب من عزیزانی هست که امروز به عنوان محقق و علاقمندان مناطق مرزی، عزیزانی که در حوزه ی جغرافیای سیاسی توجه کنند و با یک اراده ی تعریف شده ی هدف مند تا ان شالله بتوانیم زمینه های نگارش یک آینده ی منطقی و هدفمند را با ادبیات گام دوم انقلاب اسلامی برای توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی بنا کنیم. و از آثار این سندی که تنظیم می کنیم ان شالله آیندگان و همایش های متعددی که در آینده برگزار می شود عنوان یکی از محورها قرار دهند و سعی کنند از این ادبیات به عنوان بخش نظری استفاده مناسب کنند برای اهداف کاربردی که به ذهنشان می رسد برای این مسیر انجام دهند.

در آخر تشکر می کنم از کلیه ی عزیزانی که زحمت کشیدند شرایط برگزاری این همایش را فراهم کردند. هرچند که این همایش نتیجه اش در حال حاضر قطعی نیست که چه مقدار آثارش با همایش های حضوری تفاوت دارد. البته تجربه ی بسیار خوبی بود که شاید کرونا ما را وادار کرد که ما از مسیرهای صورتی خود به مقدار دور شویم و بگوییم که روش های دیگری هم وجود دارد. برای همه ی عزیزان آرزوی سلامتی می کنم.

بیانیه‌ی

همایش ملی "ابعاد نظری و کاربردی توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی با رویکرد آمایشی"

از جنگ سالامیس تا هشت سال دفاع مقدس و از دفاع مقدس تا رفع فتنه داعش و گروه‌های تروریستی و اشرار، سرزمین ما در طول تاریخ چند هزار ساله‌اش؛ جان برکفان و شهیدان بیشماری را در راه دفاع از کیان مقدس و خاک گوهرینمان تقدیم کرده است. در هر دوره‌ای از تاریخ، اگر ما غیورمردی را در کتابهایمان خوانده‌ایم، آنها در زمینی سخت معنایش کرده‌اند، مرزنشینان و مرزبانان ما در حالی در طول تاریخ بیشترین تعلق خاطر را به سرزمین اجدادیشان نشان داده‌اند که همواره جزو بی‌صدایان و فراموش‌شدگان جامعه بوده‌اند.

از شنیدن معصومه در نهبندان تا مَحدان در بندر دیر، از اترک تا اروند و از مکران تا بازرگان، محرومیت، فقر مطلق، نابرابری و از همه مهمتر «فراموش‌شدگی» ترجیع‌بند تمام صحبت‌های ما از مناطق مرزی خشکی و آبی هستند.

چه بسیار روستاها که به دلایلی چون کم آبی، فقر، بیکاری و نظایر آن طی سالهای اخیر خالی از سکنه شده‌اند و ما حتی نامی هم از آنها نشنیدیم. این قصه علی‌رغم تلخی بی‌پایانش، جدید و عجیب نیست، وقتی تمام برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای- آمایشی، نگرشی تمرکزگرا و مرکز-پیرامونی داشته و رویکرد جغرافیایی، میان برنامه‌ریزان و مسئولین غریب می‌نماید.

مرز باید شروع باشد، نه پایان؛ مرز باید پلی باشد برای عبور؛ نه خاک‌ریزی برای پدافند، در عصر جهانی شدن، مرز یک فرصت و توانایی بالقوه است، نه یک تنگنای امنیتی یا مشکلی لاینحل و کلید قطعی حل این مشکل، در یگانگی علم و عمل، در قلم متخصصین امر و اراده و همت مسئولین و برنامه‌ریزان کشوری است.

در جهت نزدیک شدن به اهداف امنیتی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و با نظر داشت اهمیت راهبردی مناطق مرزی، محرومیت مطلق مردمان این مناطق و برداشتن گامی هرچند کوچک در راستای محرومیت‌زدایی از مناطق مرزی و تعدیل بی‌عدالتیهای فضایی ناشی از عدم وجود نگرش جغرافیایی و در نهایت نشان دادن ثبات قدم، احساس مسئولیت و حسن نیت جامعه‌ی دانشگاهی در همراهی مسئولین کشوری و لشگری در «گام دوم انقلاب»، برآن شدیم تا همایشی در سطح ملی و با عنوان «ابعاد نظری و کاربردی توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی با رویکرد آمایشی» برگزار کنیم و امروز با یاری خداوند متعال، همراهی انجمن ژئوپلیتیک ایران، دانشگاه فردوسی و همکاری تمامی نهادهای ذی ربط و همت کمیته علمی و اجرایی همایش، مسئولین و مدعوین محترم، اساتید گرانقدر، پژوهشگران و دانشجویان عزیز به گام پایانی همایش رسیدیم.

مقالات واصل شده با محورهای مختلف طبق فراخوان همایش توسط پژوهشگران و متخصصین حوزه‌های مختلف در کنار سخنرانی‌های اندیشمندان برجسته به ویژه در حوزه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک و برخی از مسئولین ذی ربط، بر موضوعاتی همچون «پیوند متقابل توسعه و امنیت پایدار، تاثیر فاصله و انزوای جغرافیایی بر بی‌عدالتی فضایی، نبود زیرساختهای تثبیت و جذب جمعیت، چند بُعدی بودن توسعه و امنیت، کاهش سرمایه اجتماعی در مناطق مرزی و کاهش تعلق هویتی مرزنشینان بر سرزمین، تاثیر تغییر اقلیم و کم آبی بر محرومیت مضاعف مناطق مرزی خصوصا در مرزهای شرقی،

توسعه نامتوازن مناطق مرزی، تخلیه‌ی جمعیت بسیاری از روستاهای مرزی، تاثیر مستقیم توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی بر توسعه و امنیت مناطق مرکزی کشور تاکید داشتند. مسائل مختلف دیگر همچون تاثیر ویژگیهای خاص امنیتی همسایگانی مانند افغانستان و پاکستان بر ناامنی و توسعه نیافتگی مناطق مرزی شرق کشور، تحمیلی بودن مرزهای خشکی و آبی در طول تاریخ و تاثیر عوامل و معیارهای ژئوپلیتیکی بر وضعیت توسعه و امنیت مرزها، نقش سیاست خارجی ایران بر توسعه و امنیت مناطق مرزی، عدم شناخت کارشناسانه‌ی توانایی‌ها، ظرفیتها، چالشها و تنگناهای مناطق مرزی و تاثیر آن بر توسعه و امنیت، تاثیر برنامه‌ریزی قطبی و تمرکزگرا بر توسعه نیافتگی مناطق مرزی، عدم توجه به تجربیات سایر کشورها و در نتیجه اجرای برخی برنامه‌ها نظیر سدسازی که اثرات منفی آن در مناطق مرزی، بیش از اثرات مثبت آن بوده است و در نهایت؛ نبود مدیریت جامع و یکپارچه برای ایجاد و تثبیت توسعه و امنیت پایدار در مناطق مرزی» مورد تاکید قرار گرفتند.

همچنین برای مدیریت جامع و یکپارچه مناطق مرزی؛ بایسته‌های امنیتی توسعه پایدار؛ ارتباط زیربنایی توسعه و امنیت در ابعاد مختلف، تکوین مرزهای ایران و ویژگیهای این مرزها و همینطور ابعاد ژئوپلیتیکی برخی همسایگان ایران، دلایل تثبیت هستی شناسانه‌ی اهمیت وجود مرز، وضعیت حقوقی مرزهای دریایی مناقشه برانگیز نظیر خزر، ابعاد برنامه‌های آمایش سرزمین در مناطق مرزی؛ نقش مرزبانان و مرزنشینان در تثبیت امنیت پایدار مرز، تاثیر برخی مراکز استراتژیک در مرز بر توسعه و آمایش مناطق مرزی همچون پالایشگاه شهید هاشمی‌نژاد در منطقه مرزی شمال شرق کشور، الزامات عملی در کاربست سیاست همسایگی، راهبردهای پایداری در امنیت و توسعه در مناطق قومی- مذهبی و پایداری در توسعه و امنیت مناطق مرزی بر پایه الگوی بیانیه گام دوم انقلاب، تاکیدات و توصیه‌های ویژه‌ای به عمل آمد.

پس از واکاوی، شناخت و معرفی مسائل مترتب بر مناطق مرزی، پژوهشگران و شرکت کنندگان در این همایش، برای رفع مشکلات موجود و بهبود وضعیت حاضر، در هر یک از محورها و مسائل یاد شده، پیشنهادهای ارائه کردند. اهم این پیشنهادات که با نظر داشت اهمیت راهبردی مناطق مرزی، وضعیت معیشتی و مشکلات اقتصادی-اجتماعی این مناطق، تاثیر ملاحظات ژئوپلیتیکی و فضایی، همینطور واقع نگری و دقت نظر مسئولانه و کارشناسانه در زمینه‌ی اعمال تاثیر تفاوت‌های جغرافیایی و توان اجرایی شدن، ارائه شدند؛ میتوان در بندهای ذیل خلاصه کرد:

- ۱- بازسازی ساختارهای اقتصادی و افزایش ظرفیت‌های تولیدی- تجاری در مناطق مرزی با هدف ایجاد اشتغال، جلوگیری از مشاغل کاذب (نظیر قاچاق)، کاهش بیکاری و فقر زدایی در مناطق مرزی
- ۲- حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خصوصی، حمایت از شرکتهای دانش بنیان و مشاغل و بنگاههای زودبازده، خرد و نوپا جهت تشویق نخبگان و کارآفرینان محلی برای عدم مهاجرت (درون کشوری و برون کشوری)
- ۳- بهبود فضای کسب و کار و توانمندسازی بومیان با ایجاد دپارتمان‌های آموزشی دوره‌ای، کارگروه‌های استانی و تعاونی‌های روستایی در جهت آموزش‌های اقتصادی- اجتماعی به مرزنشینان در جهت استفاده از ظرفیتهای محیطی و همینطور ایجاد اشتغال پایدار برای بانوان این مناطق از این طریق
- ۴- حمایت از سازمانهای مردم نهاد و ایجاد رسانه‌های دیداری- شنیداری با محوریت فرهنگی برای توانمندسازی مرزنشینان با هدف بازیابی سرمایه‌ی اجتماعی از دست رفته در مناطق مرزی و افزایش حس رضایت مندی و تعلق سرزمینی و جلوگیری از گسترش ناامیدی و مقابله با شکاف فرهنگی، تهدیدات نرم و هویتی با نظر داشت نقش پدافند غیرعامل
- ۵- استفاده از ظرفیتهای تاریخی- فرهنگی و طبیعی برای گردشگری در مناطق مرزی با هدف توسعه و امنیت پایدار و ایجاد اشتغال
- ۶- گسترش بنادر و اسکله‌ها در مرزهای آبی، افزایش توانهای زیرساختی رفاهی- خدماتی و همچنین گسترش زیرساختهای حمل و نقل جاده‌ای، ریلی، دریایی و حتی هوایی در همه مناطق مرزی و تسهیل ورود و خروج مسافر،

- کالا و خدمات از این مناطق با هدف ممانعت از انزوای بیش از پیش مناطق مرزی و تشویق مردم سایر مناطق به حضور در این مناطق برای زیست، مسافرت، بازدید، تجارت، سرمایه‌گذاری و...
- ۷- افزایش همکاری‌های دو یا چند جانبه با همسایگان در زمینه‌ی استفاده از منابع زیستی مشترک بالاخص حل بحرانها و اختلافات مربوط به منابع آبی در رودخانه‌های مرزی برای رفع مشکل بی آبی و کم آبی، جلوگیری از مهاجرت روز افزون و ممانعت از نابودی کشاورزی و دامپروری در مناطق مرزی، تثبیت جمعیت و متعاقب آن گسترش امنیت پایدار
- ۸- برنامه‌ریزی راهبردی-فضایی یکپارچه و منسجم با رویکرد آمایشی با اولویت توسعه و امنیت در همه ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... توسط دولت با بهره‌گیری از متخصصین حوزه‌های گوناگون علمی خصوصا علوم فضایی-جغرافیایی برای تعدیل نابرابری‌های فضایی-اجتماعی و تلاش برای رسیدن به تعادل ناحیه‌ای جهت نیل به توسعه و امنیت یکپارچه و پایدار در مناطق مرزی و مرکزی کشور
- ۹- استفاده از ظرفیت گذرگاهی مناطق مرزی با ارتقای توانهای محیطی و تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی و بخشودگی-های گمرکی و نظایر آن، ایجاد مناطق آزاد و بازراچه‌های ترانزیتی
- ۱۰- توسعه تواناییهای مدیریتی و کنترلی در مرز برای جلوگیری از قاچاق کالا(بالاخص موادمخدر) و انسان و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین کنترل مرز
- ۱۱- انجام طرح جامع مدیریت و آمایش مناطق مرزی با همکاری جامعه دانشگاهی
- ۱۲- مرتفع نمودن زمینه‌ها و بسترهای ناامنی در مرزها به ویژه در مرزهای شرقی مانند:
- کاهش تولید مواد مخدر در آن سوی مرز
 - پیوند آمایش مناطق مرزی با مناطق مرزی کشورهای همسایه
 - تقویت زیرساختهای گذرگاههای مرزی و تغییر و اصلاح قوانین در راستای کاهش تردهای غیرقانونی
 - توجه به تفاوتهای قومی- مذهبی و زبانی در مناطق مرزی و تقویت هویت‌های خرده فرهنگیها
 - بالا بردن سطح توسعه در مناطق محروم مرزی به سطح متوسط استانهای کشور
 - به حداقل رساندن نگاه سخت افزارانه به مرز و تقویت مشارکت مردم
 - پرهیز از سیاستهای تبعیض گونه قومی
- ۱۳- لزوم نگاه به آینده در توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی با رویکرد بیانیه گام دوم انقلاب
- ۱۵- توجه به انواع مرز از جمله مرزهای نرم در کنار مرزهای جغرافیایی و فیزیکی

دکتر هادی اعظمی

دبیر همایش

۹۹/۸/۸



۷ و ۸ آبان ماه ۱۳۹۹، دانشگاه فردوسی مشهد

باریکرد آمایشی
در مناطق مرز
امنیت و توسعه
بخش علمی
لابعاد نظرسر و کاربرد

